



خدمت در میدان تبلیغ

مؤسسه روحی



کتاب ۶

خدمت در میدان تبلیغ

مؤسسه روحی

کتاب این مجموعه:

عناوین کنونی مجموعه کتب طراحی شده توسط مؤسسه روحی ذیلاً آمده است. این کتاب‌ها به عنوان تسلسل اصلی در تلاشی سیستماتیک به منظور تقویت قابلیت جوانان و بزرگسالان برای خدمت به جوامع خود به کار گرفته خواهند شد. مؤسسه روحی همچنین در حال تهیه مجموعه‌ای از دوره‌های منشعب از کتاب سوم برای آموزش معلمان کلاس‌های کودکان بهائی و مجموعه دیگری منشعب از کتاب پنجم جهت پرورش مشوقین گروه‌های نوجوانان است. در فهرست زیر به این مجموعه‌ها نیز اشاره شده است. لازم به ذکر است که با کسب تجربه بیشتر در میدان عمل، این فهرست ممکن است دستخوش تغییراتی شود. علاوه بر آن، همچنان که بعضی عناصر آموزشی دیگر که در دست تهیه هستند به مرحله‌ای رسند که بتوان در سطح وسیع در دسترس قرار گیرند، عناوین جدیدی به این فهرست اضافه خواهند شد.

- | | |
|---------|--|
| کتاب ۱ | تفکر درباره روح انسان |
| کتاب ۲ | قیام به خدمت |
| کتاب ۳ | تدریس کلاس‌های کودکان: سال ۱ |
| | تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۲ (دوره منشعب) |
| | تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۳ (دوره منشعب) |
| | تدریس کلاس‌های کودکان، سال ۴ (دوره منشعب) |
| کتاب ۴ | دو مظهر ظهور الهی |
| کتاب ۵ | توان مندی نوجوانان |
| | انگیزه نخستین: دوره اول منشعب از کتاب ۵ |
| | دایره در حال گسترش: دوره دوم منشعب از کتاب ۵ |
| کتاب ۶ | خدمت در میدان تبلیغ |
| کتاب ۷ | هم‌قدم در مسیر خدمت |
| کتاب ۸ | عهد و میثاق حضرت بهاءالله |
| کتاب ۹ | کسب دیدگاهی تاریخی |
| کتاب ۱۰ | ایجاد جوامعی پویا |
| کتاب ۱۱ | اسباب مادی |
| کتاب ۱۲ | خانواده و جامعه |
| کتاب ۱۳ | مشارکت در اقدام اجتماعی |
| کتاب ۱۴ | مشارکت در گفتمان عمومی |

Copyright © 2004, 2025 by the Ruhi Foundation, Colombia
All rights reserved. Edition 1.1.1.PE published 2004
Edition 2.1.1.PE.PV (provisional translation) September 2025
ISBN 978-628-97031-0-8

Originally published in Spanish as *Enseñar la Causa*
Copyright © 1990, 1998, 2023 by the Ruhi Foundation, Colombia
ISBN 978-628-95545-2-6

Ruhi Institute
Cali, Colombia
Email: instituto@ruhi.org
Website: www.ruhi.org

حق چاپ © ۲۰۰۴، ۲۰۲۵ بنیاد روحی، کلمبیا
کلیه حقوق محفوظ است. نسخه ۱.۱.۱.PE منتشر شده ۲۰۰۴
نسخه ۲.۱.۱.PE.PV (ترجمه مقدماتی) سپتامبر ۲۰۲۵
ISBN ۹۷۸-۶۲۸-۹۷۰۳۱-۰-۸

در اصل به زبان اسپانیایی تحت عنوان *Enseñar la Causa* منتشر شد.
حق چاپ © ۱۹۹۸، ۱۹۹۸، ۲۰۲۳ توسط بنیاد روحی، کلمبیا
شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (ISBN): ۹۷۸-۶۲۸-۹۵۵۴۵-۲-۶

مؤسسه روحی
کالی، کلمبیا
ایمیل: instituto@ruhi.org
وبسایت: www.ruhi.org

فهرست

افکاری برای راهنما.....	۷
ماهیت روحانی تبلیغ.....	۱
صفات و منش‌های ضروری برای تبلیغ.....	۴۹
عمل تبلیغ.....	۱۰۷

افکاری برای راهنما

همه کسانی که به عنوان راهنمای دوره‌های مؤسسه روحی خدمت می‌کنند، باید متوجه این نکته باشند که خدمت در میدان تبلیغ، یعنی ششمین کتاب در تسلسل اصلی، در فرایند آموزشی شرکت‌کنندگان جایگاهی محوری دارد. از طرفی، به علت تجربه اندوخته‌شان در میدان خدمت آماده‌اند تا بر موضوعی که برای اولین بار در کتاب دوروحی به آنان معرفی شد تأملی گسترده‌تر نمایند. از طرف دیگر، مضامینی که در اینجا بررسی می‌کنند کارهایی که در آینده انجام می‌دهند را در بستری کلی تر قرار خواهد داد، چرا که یک زندگی سراسر خدمت ضرورتاً آکنده از اشتیاقی پر شور برای کسب موهبت در میان گذاشتن تعالیم حضرت بهاءالله با دیگران خواهد بود.

از زمان شروع حرکت در مسیر خدمتی که توسط دوره‌ها ارائه شده است، شرکت‌کنندگان، همراه با دوستانشان، تجارب زیادی در مجموعه‌ای از خدمات مرتبط به هم در دهکده‌ها یا محله‌هایشان کسب کرده‌اند، مانند میزبانی جلسات دعا، ملاقات‌های خانگی سیستماتیک، برگزاری کلاس‌هایی برای آموزش روحانی کودکان و وارد ساختن گروه‌هایی از نوجوانان در برنامه‌ای برای تواندهی روحانی. مکالماتی که به تعداد روزافزونی از افراد کمک کرده تا با اصول امر مبارک آشنا شوند و دانش خود از تعالیم را عمیق‌تر کنند، با این خدمات عملی در هم تنیده بوده است. هریک از دوره‌های قبلی، به خصوص کتاب دوم، به توسعه قابلیت‌های مورد نیاز شرکت‌کنندگان به منظور وارد شدن به چنین مکالماتی کمک نموده است. بدون شک بسیاری از شرکت‌کنندگان تا به حال این موهبت را داشته‌اند تا به نفوس دیگر در شناخت حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی برای این یوم و پیوستن به امر ایشان کمک نمایند. آنها اکنون به خوبی آماده‌اند تا عمیق‌تر در باره عمل تبلیغ که هدف واحد سوم این کتاب است بیندیشند. واحد دوم فرصتی برای تأمل بر صفات روحانی و منش‌های لازم برای کسانی که امر مبارک را تبلیغ می‌کنند فراهم می‌آورد و واحد اول فهم آنان را از اهمیت روحانی این عمل مقدس افزایش می‌دهد.

واحد اول کتاب برای کاوش در ماهیت وظیفه‌ای که حضرت بهاءالله برای تبلیغ امرشان به ما محوّل فرموده‌اند، چندین مفهوم بنیادین را در بر می‌گیرد. «اشتعال» از جمله مفاهیمی است که در آغاز این واحد معرفی شده است. شرکت‌کنندگان به درک این مفهوم تشویق می‌شوند که وظیفه ما برای تبلیغ، همان قدر که به اعمالی که انجام می‌دهیم مربوط است، به حالت درونی ما نیز بستگی دارد. اینکه «بودن» و «عمل کردن» دو بُعد مکمل زندگی بر طبق تعالیم بهائی هستند، یکی از مضامین زیربنایی در کلّ تسلسل دوره‌هاست. در اینجا همین مضمون زیربنایی تصریح شده است و در واقع به ساختار کلی کتاب شکل می‌دهد. بخش‌های اولیه واحد به شرکت‌کنندگان کمک می‌کنند تا درباره این اندیشه از وجهی که به تبلیغ امر مبارک مربوط است بصیرت روحانی حاصل کنند. در این واحد از چندین استعاره مقتبس از آثار بهائی برای کمک به شرکت‌کنندگان استفاده شده است تا بتوانند درهم‌تنیدگی «بودن» و «عمل کردن» را درک کنند. برجسته‌ترین استعاره، تصویر یک شعله است که هر چقدر هم کوچک باشد، نور و گرما می‌بخشد. بر اساس متن، عمل تبلیغ ابرازی طبیعی از حالت بودن است که آن را به بهترین شکل می‌توان با حالت اشتعال توصیف نمود، حالتی که در آن محبت خداوند در قلب ما چنان شعله می‌کشد که بی‌وقفه برای انتشار کلامش می‌کوشیم.

بنا بر این، فهمی که شرکت‌کنندگان هنگام مطالعه آثار در این بخش‌ها کسب می‌کنند باید ایشان را به دریافت این موضوع قادر سازد که چگونه مکملیت «بودن» و «عمل کردن» به شکل عملی در میدان خدمت آشکار می‌شود. ضمن این هدف، باید دلالت‌های ضمنی برخی باورهای رایج - به خصوص برخی باورهای دینی - که «بودن» و «عمل کردن» را از یکدیگر جدا می‌کنند برای شرکت‌کنندگان واضح شود، تا از تأثیرات چنین تفکر دوگانه‌ای بر نگرش‌شان از یک زندگی ممزوج با ترویج امرالله در امان باشند. تمرینات بخش‌های نهم و دهم برای هدف مزبور مفید خواهند بود و راهنمایان باید از اختصاص توجه کافی به تمرینات اطمینان حاصل کنند. البته برای شرکت‌کنندگان به سادگی روشن خواهد شد که هدف اخلاقی دوجانبه‌ای که تاکنون دنبال کرده‌اند، تمام ابعاد حیاتشان را به هم پیوند می‌دهد - جستجویشان برای دانش، اطاعتشان از احکام الهی، تلاششان برای خدمت و نزدیک‌تر شدن به خداوند، و کسب صفات روحانی و تلطیف اخلاقشان.

ماهیت مقدّس وظیفه تبلیغ نقطه تمرکز چند بخش بعدی این واحد است. در دنیایی که نفس مفهوم تقدّس در حال محو شدن است، شرکت‌کنندگان باید در پایان مطالعه این دوره به آگاهی دقیقی از «مقدّس» - یعنی آنچه متعلّق به خداست - دست یابند و به فهم عمیقی از این موضوع برسند که در هنگام تبلیغ امر با دو امر مقدّس در تعاملند: یکی قلب انسان و دیگری ظهور الهی. تأمل

بر بخش‌هایی از آثار، آنچه عملی عمیقاً روحانی است را روشن می‌سازد، یعنی گشودن ابواب مدائن قلوب انسان بر ظهور خداوند با کلید بیان. مسئله «بیان» به تفصیل در واحد سوم مورد کاوش قرار می‌گیرد. در آنجا شرکت‌کنندگان محتوای پیامی را بررسی می‌کنند که هنگام تبلیغ به روح شخصی دیگر انتقال می‌دهند. در این بخش‌ها به تفکر در این باره دعوت می‌شوند که چطور آگاهی عمیق از تقدس این عمل، تنها تأثیرگذاری مجهودات را در میدان عمل افزایش نمی‌دهد؛ بلکه مهم‌تر از آن، نیروهای روحانی لازم را برای ارتقاء چنین مجهوداتی به جایگاهی والاتر از امور دنیوی آزاد می‌سازد و در نتیجه، فرایندهایی که باعث تغییرات بنیادین فردی و جمعی می‌شوند را به حرکت در می‌آورد. در بخش هفدهم، شرکت‌کنندگان زمانی را برای بررسی دلالت‌های ضمنی این آگاهی عمیق صرف می‌کنند. از میان نکاتی که راهنما مایل است حتماً بدان پرداخته شود، دو نکته اهمیت ویژه دارند: ابتدا باید مراقب باشند مبدا ذهنیتی اتخاذ کنند که ولو رایج در اجتماع، منش‌ها و اعمالی را به تلاش‌های تبلیغی‌شان وارد سازد که ماهیت مقدس آن را مخدوش کند. رویکرد ما به عمل تبلیغ نباید به گونه‌ای باشد که گویا در حال جذب نیرو برای یک هدف اجتماعی مرفقی، یا بدتر از آن فروش یک کالا هستیم، هر چند که آن کالا برای مصرف‌کننده سودمند باشد. دوم، باید بدانند که تمامی مجهودات مسیر خدمت مستلزم پیوند قلوب با کلمه‌الله است؛ به همین دلیل تمامی‌شان ماهیتاً مقدسند و باید با این آگاهی به آنها پرداخت.

این واحد سپس به موضوعی می‌پردازد که شرکت‌کنندگان به خوبی با آن آشنا هستند: تأثیر تقلیب‌کننده کلمه‌الله. در عمل تبلیغ میان قلب فرد و ظهور حضرت بهاء‌الله، که بزرگ‌ترین موهبت آن حضرت برای بشر است، پیوندی شکل می‌گیرد؛ پیوندی که ممکن است یک فرایند تحوّل پایدار را آغاز نماید. تنها کلمه‌الله از قوای مودوعه برای چنین تحوّل بر خوردار است. شرکت‌کنندگان به هر میزان که در دوره‌های قبل بر این موضوع تأمل کرده باشند، در اینجا است که در ژرفای بیانات حضرت بهاء‌الله در باره اهمیت کلمه‌الله و استفاده از قوای آن حین تبلیغ تعمق می‌کنند. تأکید مؤسسه روحی بر حفظ بخش‌هایی از آثار مبارکه نیز در اذهان شرکت‌کنندگان بیش از پیش معنا می‌یابد. توضیح دقیق و ارائه تعالیم به دیگران در شکل خالص خود از جمله قابلیت‌هایی است که همه ما هنگام قدم برداشتن در مسیر خدمت به دنبال پرورش آن هستیم و این مستلزم آن است که در همه حال بکوشیم تا افکار و اقوال خود را تا حدّ ممکن با آثار مبارکه همسو نماییم.

بنا بر این واحد کنونی با واضح ساختن این موضوع به پایان می‌رسد: ضمن صحبت با دیگران در باره امر، ما نه تنها از دانشی که برای ارائه توضیحات روشن و منسجم کسب کرده‌ایم،

بلکه از نیروی عشق نیز باید بهره گیریم. گفتگو در بستر تبلیغ باید علاوه بر سرور انگیز بودن، میان قلوب پیوندهای محبت ایجاد و تقویت کند تا احساسات شریف و افکار متعالی جریان یابد.

واحد دوم یعنی «صفات و منش‌های ضروری برای تبلیغ» با یادآوری مطالبی به شرکت‌کنندگان از واحد اول پیرامون مکملیت «بودن» و «عمل کردن» آغاز می‌گردد. این واحد از ابتدا خاطرنشان می‌سازد که ترکیه حالت درونی یک فرد به طور طبیعی در خدمت به دیگران ظاهر می‌شود، ضمن اینکه در خدمت به دیگران است که حالت درونی فرد بیشتر رشد می‌کند. از شرکت‌کنندگان دعوت می‌شود تا بر صفات روحانی مانند پاکی قلب، محویت، ایمان، مهربانی، شجاعت، حکمت، انقطاع و فروتنی تأمل کنند، چرا که این صفات بخشی از تلاش‌های ما برای نشر نفعات الله محسوبند. پرورش خصایل روحانی در کنار منش‌های مرتبط با آن، موضوعی است که هر چند در تمام کتاب‌های مؤسسه روحی مرتباً مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد، اما این توجه همیشه در بستر ایجاد قابلیت‌های مشخص است - برای مثال قابلیت لازم برای تقویت خصلت نیایش در جامعه، برای در میان گذاشتن لثالی حکمت ظهور حضرت بهاءالله و برای برگزاری کلاس‌هایی برای آموزش روحانی کودکان. به این شکل، درک شرکت‌کنندگان از این خصایص ضروری روح انسانی افزایش می‌یابد و در طول زمان همچنان که پویایی هر یک را با نگرشی جدید بررسی می‌کنند و شاهد عملکرد آن در حوزه جدیدی از اقدام هستند، عمیق‌تر می‌شود.

راهنما در هدایت یک گروه در مسیر واحد مذکور، باید مفهومی را که هنگام پرداختن به صفات روحانی نقشی محوری دارد در ذهن داشته باشد؛ مفهومی که در تمام دوره‌های تسلسل اصلی وجود داشته است و در این دوره مورد توجه قرار می‌گیرد، یعنی این موضوع که چنین صفاتی، برای بروز مناسب، به یکدیگر وابسته‌اند. درک این موضوعات برای عمل تبلیغ اهمیت ویژه‌ای دارد: اینکه چگونه شجاعت نیازمند حکمت است؛ چگونه حکمت در غیاب شجاعت مجال بروز پیدا نمی‌کند؛ چگونه پاکی قلب نیازمند انقطاع از خواسته‌های دنیوی و همچنین از خودگذشتگی است؛ چگونه شفقت و مهربانی اگر با ایمان به قابلیت‌های افراد توأم نگردد می‌تواند به پدربمایی تبدیل شود یا در صورت فقدان خلوص در واقع چیزی بیش از ریا نیست.

راهنمایان اکنون با ایده‌ای که نخستین بار در کتاب سه مطرح شد آشنا هستند، یعنی این ایده که صفات روحانی ساختارهای ثابتی هستند که هویت ما را به عنوان اعضای نوع بشر شکل می‌دهند. کسب این صفات ما را قادر می‌سازد تا منش‌های مناسب را در تعاملات خود با دیگران نشان داده و منش‌های نامطلوبی را که ممکن است به واسطه تربیت و فرهنگ کسب کرده باشیم کنار بگذاریم.

داشتن ذهنی پذیرا نسبت به دیگران و همدلی با تقای آنان برای فهم حقیقت، نمونه‌هایی از منش‌هایی هستند که بر امر تبلیغ اثر می‌گذارند. چیزی که همه راهنمایان باید بدانند آن است که گفتگو در باره منش‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از کاوش صفات روحانی است که خود نقطه تمرکز بیشتر مطالب این واحد خواهد بود. برای مثال در تفکر در باره صفات مهربانی و صبر در بخش هفتم، شرکت‌کنندگان موقعیت‌هایی را تجزیه و تحلیل می‌کنند که منش‌های پدرمآبی و غفلت خود را در جامه محبت و صبر توجیه می‌کنند. به همین شکل بعد از تأمل بر صفت انقطاع در بخش هشتم، از آنها خواسته می‌شود تا بررسی کنند که چگونه این صفت به اشتیاق ما برای خدمت مرتبط است، اشتیاقی متعالی که همه ما آرزوی آن را داریم. شرکت‌کنندگان باید قادر باشند تا شور و اشتیاق را به عنوان منش‌هایی که باید برای بروزشان تلاش کرد، و بی‌اعتنایی و انفعال را به عنوان منش‌هایی که باید در برابرشان مقاومت کرد بشناسند. این موضوع هدف از تمرین بخش نهم است که باید عمیقاً در باره آن تفکر کرد.

افرادی که به عنوان راهنما خدمت می‌کنند، البته آگاهند که پرورش هر صفت روحانی نیازمند درکی از چند مفهوم به هم مرتبط است. به عنوان مثال برای نیل به درجات هر چه بالاتری از خلوص، فرد باید درک کند که قلب انسان برای تجلی چه چیزی خلق شده است؛ غبار و زنگاری که باعث تیرگی آن می‌شوند چه هستند؛ برای پاکیزه نگه داشتن آن از چنین ناخالصی‌هایی به چه چیز نیاز است. اما ورای درکی فزاینده از این قبیل مفاهیم، فرد باید اراده و اشتیاقی خالصانه برای پیشرفت روحانی داشته باشد. اراده و اشتیاق تنها با مباحثات عقلانی ایجاد نمی‌شود، بلکه مستلزم تعمق فرد بر حالت درونی‌اش است. بنا بر این ایجاد محیطی که به چنین تأملی منجر شود وظیفه راهنماست - محیطی که احساس گناه ایجاد نمی‌کند، شرکت‌کنندگان را به اعتراف به گناه تشویق نمی‌کند و زمینه اتهام زدن به وجود نمی‌آورد. این فضایی است که گروهی از دوستان در آن می‌توانند بی‌طرفانه پیرامون مفاهیم نظری و عملی بحث کنند و این امر به افراد واگذار می‌شود که در خلوت خویش به وظایفشان بیندیشند.

یکی از صفات روحانی که نیازمند توجهی خاص است تواضع می‌باشد. از یک سو، تواضع حقیقی با حالت اشتعالی که سعی داریم کسب کنیم رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. رسیدن به بالاترین درجات اشتعال نیازمند آن است که به طور فزاینده نفس خود را فراموش کنیم. این صفت به اقوال و اعمال ما قدرت روحانی می‌بخشد و ما را از حمله غرور و خودبزرگ بینی حفظ می‌کند. از سوی دیگر، تواضع حالتی از یادگیری را ایجاد می‌کند که برای تبلیغ مؤثر بسیار ضروری است. حالت یادگیری که

بر پایه تواضع حقیقی شکل گرفته باشد ما را در برابر انعطاف ناپذیری در روش ها و رویکردهایی که برای تبلیغ امر به کار می گیریم، هم در تلاش های فردی و هم هنگام مشارکت در مجهودات جمعی، محافظت می کند؛ در شرایط گوناگونی که برای ما پیش می آید به ما کمک می کند که با مهارت بیشتری واکنش مناسب نشان دهیم؛ اینکه جسورانه به پیش رویم یا با احتیاط، سریع عمل کنیم یا به آرامی، به صورت مستقیم و صریح در باره نفس حضرت بهاء الله صحبت کنیم یا بیشتر در باره تعالیم و اصولی که بیان کرده اند به گفتگو پردازیم. بحث پیرامون این اندیشه ها از بخش دهم شروع می شود و در تمرین های بخش چهاردهم به اوج خود می رسد. مانند همیشه، مثلاً حضرت عبدالبهاء که واحد با آن خاتمه می یابد هدایتگر شرکت کنندگان در تأملاتشان بر صفات و منش هایی است که باید خصیصه تعامل آنها با نفوس مستعد و شروع مکالماتی در باره امر مبارک باشد.

واحد سوم که به نفس عمل تبلیغ امرالله می پردازد، این موضوع را در دو بستر مورد بررسی قرار می دهد: در تلاش های ما به عنوان افراد و در مجهودات جمعی در سطح مردمی. بخش قابل توجهی از واحد به مورد اول اختصاص داده شده است، اما راهنمایان باید به خاطر داشته باشند که بسیاری از صحبت هایشان با شرکت کنندگان به طور یکسان در هر دو بستر مصداق دارد. در واقع با اینکه این واحد هر یک را به طور جدا بررسی می کند، در حقیقت این دو کاملاً مجزا نیستند و از بسیاری جهات هم پوشانی دارند.

یکی از قابلیت های مورد نیاز شرکت کنندگان برای تبلیغ مؤثر بر اساس مطالب این واحد، تشخیص و پرورش استعداد شنیدن پیام حضرت بهاء الله است. برای این عمل، هم صفات روحانی مورد تمرکز در واحد دوم کلیدی هستند، و هم توانایی اغتنام فرصت هایی که به خاطر التهابات و انقلابات اجتماع امروزی ایجاد می شود و حضرت ولی امرالله در بیانی که در بخش سوم آورده شده است بدان اشاره می فرمایند. ضمن این مباحثات، شرکت کنندگان باید به اندازه کافی به حالاتی بیندیشند که با تحمل اضطرابات و دردهای ناشی از یک نظم جهانی روبه زوال، در قلب انسان ایجاد می شود.

البته اگر به کسب قابلیت لازم برای ارائه تعالیم بهائی به شیوه ای مناسب و متناسب با موقعیت های خاص توجه کافی مبذول نشود، هر قدر هم که چنین فرصت هایی بزرگ باشند، ثمری نخواهند داشت. بنا بر این، اصل مطلب واحد سوم کاوش در قابلیت مزبور است و شرکت کنندگان یاری می شوند تا با استفاده از یک مثال - گفتگویی که در آن یک جوان به اسم آنا امر مبارک را به

دوستش امیلیا معرفی می‌کند - درباره ماهیت آن تأمل کنند. لازم است راهنمایان اطمینان حاصل کنند که در پایان این مبحث محوری حداقل دو اندیشه در اذهان شرکت‌کنندگان روشن باشد.

ابتدا ضروری است که شرکت‌کنندگان نه تنها تفاوت میان مفاهیم و اطلاعات که در بخش‌های چهارم تا ششم مطرح می‌شود، بلکه دلیل اهمیت این تفاوت را نیز درک کنند. هرچه باشد، درک مفاهیم و حقایق عمیق است که نفوس را قادر می‌سازد تا به حضرت بهاء‌الله نزدیک‌تر شوند، نه صرفاً به خاطر سپردن اطلاعات. تا مرحله‌ای که عمل تبلیغ به افزایش آگاهی و پرورش فهم می‌پردازد، می‌تواند به عنوان ابزاری برای کمک به تواندهی عقلانی و روحانی افراد تلقی گردد. در اینجا قابلیت تعامل با کلمه‌الله و دستیابی به فهم که شرکت‌کنندگان از زمان ورود به فرایند مؤسسه در حال پرورش آن بوده‌اند به کار می‌افتد، چرا که حال به این می‌انديشند که چگونه دیگران را به ساحل دانش حقیقی هدایت کنند.

ثانیاً شرکت‌کنندگان باید درک کنند که مقصود از گفتگوی میان آن‌ها و دوستش در بخش‌های هفتم تا بیست و یکم آن است که ایده‌ای از یک معرفی مستدل از امر مبارک داشته باشند؛ و بنا بر این نباید به عنوان یک فرمول به شکل بی‌رویه استفاده شود. در واقع تمریناتی که بعد از هر بخش معرفی می‌آید طوری طراحی شده‌اند تا منطق کلی آن را برجسته کرده، به شرکت‌کنندگان کمک کنند که درباره چگونگی تطبیق آن با پیشینه‌ها و علایق مختلف به برخی افکار اولیه دست پیدا کنند. اگر بناست که شرکت‌کنندگان توانایی لازم برای این کار را پرورش دهند، نیاز است که در ابتدا معرفی را همان‌گونه که هست بیاموزند و قادر باشند تا تسلسل افکار را با کلمات خود بیان کنند.

صحبت درباره مجهودات تبلیغی فردی در بخش بیست و ششم پایان می‌یابد. در این بخش، از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا به شرایط زندگی خود نگاهی بیندازند و عناصر یک نقشه تبلیغی فردی را مشخص کنند. آنها در بخش بیست و هفتم تشویق می‌شوند تا بر همان اساس، یک نقشه اولیه برای اقدام در مدت زمانی معین، مثلاً چند هفته یا چند ماه، تنظیم کنند. امید چنان است که این تمرین آگاهی‌شان را از اهمیت اشتغال منظم به تبلیغ به عنوان اقدامی شخصی در دوران حیات، افزایش دهد.

بخش بیست و هشتم به موضوع اقدام جمعی می‌پردازد که بخش‌های باقی‌مانده بر آن تمرکز دارد. انتظار می‌رود که تا این زمان، شرکت‌کنندگان در انواع مختلفی از دوره‌های فشرده تبلیغی شرکت کرده باشند. به علاوه، هر یک از آنها به هسته در حال گسترشی از حامیان فعال امر تعلق دارند که به

طور مستمر برای پیشبرد فرایند جامعه‌سازی در محدوده‌های جغرافیایی محل سکونتشان کار می‌کنند. بخش‌های پایانی به ایشان کمک می‌کند تا بر تجربه خود به عنوان شرکت‌کنندگان این قبیل اقدامات جمعی بیندیشند. درست است که این بخش‌ها تمرینات مبسوطی ندارند، اما این بدان معنا نیست که باید با عجله از آنها گذر کرد، و مهم است راهنما از اختصاص زمان کافی اطمینان حاصل کند تا شرکت‌کنندگان ارتباط میان آنچه می‌خوانند را با تجارب خود بیابند. در این حین باید این نکته را دریابند که چگونه هر فرد در اقدامات جمعی به ایجاد محیطی کمک می‌کند که خصیصه آن درجات رو به افزایشی از وحدت در ابعاد مختلف است. آنها باید بینشی از این موضوع کسب کنند که چگونه اقدام متحد در سطح مردمی، همراه با تلاش‌های فردی، عاملی است برای پیشرفت مشروعی جهانی که جامعه بهائی بدان می‌پردازد.

بدین منظور، بخش‌های پایانی سؤالاتی را برای شرکت‌کنندگان مطرح می‌کنند: ماهیت اقدام جمعی چیست؟ متحد بودن اقدام جمعی به چه معناست؟ ویژگی‌های رویکرد رشد امر در سراسر جهان چیست و نقش برنامه‌های فشرده تبلیغی در آن چه می‌باشد؟ برخی از ویژگی‌های مردمی که میان آنها کار می‌کنند، خواه ساکنین یک دهکده باشند یا جمعیتی مستعد در یک محله یا پراکنده در سرتاسر محدوده جغرافیایی، چیست؟ نیروهایی که به پاس اقدامات جمعی شان برای حرکت جمعیت به سوی بینش نظم جهانی حضرت بهاءالله ایجاد می‌شود چقدر قوی هستند؟ قابلیت ایجاد شده از طریق فرایند آموزشی که به وسیله مؤسسه برای کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان ترویج می‌شود چقدر با رشد امرالله رابطه تنگاتنگ دارد؟ آیا حالت‌های لازم برای اقدام جمعی مؤثر ایجاد شده است؟ آیا پیوندهای دوستی به طور مستمر در حال تقویت هستند؟ آیا شرکت‌کنندگان در اقدام جمعی در حال دستیابی به وحدت هدف در میان خود هستند؟ آیا این وحدت به شکل اقدامات پرسرور و فشرده ظاهر می‌شود؟ رویکرد آنها برای یادگیری در باره رشد تا چه حد به وسیله اقدام، تأمل بر اقدام، و مشورت تعریف می‌شود؟ در باره این سؤال آخر هر چه گفته شود کم است، چرا که توانایی هسته در حال گسترشی از دوستان برای ایجاد درجات هر چه بالاتری از وحدت فکر، بستگی به این دارد که تا چه میزانی بتوانند چنین رویکردی را شیوه عمل خود سازند. اگر بناست عناصر لازم برای پیشرفت از یک مرحله به مرحله بعد را کشف کنند، اتخاذ چنین رویکردی ضروری خواهد بود.



ماهیت روحانی تبلیغ

هدف

کسب فهمی از امر تبلیغ به عنوان عملی با اهمیّت روحانی خاص
و فهم این مطلب که تبلیغ مؤثر شامل «بودن» و
«عمل کردن» است، یعنی توجّه به حالت
درونی خود و همچنین فعّالیّت مداوم

بخش اول

تاکنون مدّتی را در مسیر خدمت به پیش رفته‌اید، مسیری که در آن رشد روحانی و فکری فرد از مشارکت او در تقلیب اجتماع جدایی‌ناپذیر است. در هر نقطه‌ای از مسیر، ترکیبی از مطالعه و عمل، قابلیت شما برای خدمات مختلف را افزایش داده است - قابلیت تقویت خصلت نیایش در جامعه‌تان، آغاز نمودن و استمرار بخشیدن به گفتگوهای متعالی و سرور انگیز با دوستان و خانواده در محلّه یا دهکده‌تان، شرکت در برنامه‌ای برای ملاقات‌های سیستماتیک خانگی، خدمت به عنوان معلّم کلاس‌های کودکان یا مشوّق گروه‌های نوجوانان و یا هر دو. شما در تمام این اقدامات جواهر حکمت اقیانوس ظهور حضرت بهاءالله را با افرادی از پیشینه‌های گوناگون و سنین متفاوت در میان گذاشته‌اید و سرور آن را احساس کرده‌اید.

از آنجایی که شما برای تقویت پایه‌های روحانی جامعه‌تان تلاش‌هایی کرده‌اید، بدون شک از فرصت‌هایی برای صحبت مستقیم و عمیق در بارهٔ نفس حضرت بهاءالله و ظهور ایشان با افراد علاقه‌مند نهایت استفاده را کرده‌اید - برای مثال، شاید در زمانی که به عنوان بخشی از یک برنامهٔ فشردهٔ تبلیغی با والدین کودکان شرکت‌کننده در برنامه‌های آموزشی مؤسسه ملاقات، یا با جوانانی که به شوق خدمت وارد فرایند مؤسسهٔ آموزشی شده‌اند صحبت کرده‌اید. حتّی در تعاملات روزانه‌تان با خویشاوندان، دوستان، هم‌کلاسی‌ها، همکاران، و آشنایان نیز به احتمال قوی فرصت‌های مشابهی را یافته‌اید. علاوه بر این، در این موقعیّت‌ها و موقعیّت‌های مشابه، از دعوت نفوس مستعد به پذیرش حقیقت پیام الهی و پیوستن به جامعهٔ پیروانش دریغ نکرده‌اید. سه واحد این کتاب در تأمل بر عمل تبلیغ، یعنی هدایت نفوس به ساحل اقیانوس ظهور حضرت بهاءالله، به شما کمک می‌کنند. البتّه مسیرهای بسیاری است که افراد از طریق آنها به این ساحل می‌رسند. بنا بر این باید تصدیق کنیم که بسیاری از آنچه در بارهٔ پویایی روحانی تبلیغ خواهیم خواند، به شکلی وسیع‌تر در هر محیط و شرایطی به تمام تلاش‌هایمان قابل تعمیم است، از جمله به صحبت‌هایمان در بارهٔ آرمان‌های بهائی، به در میان گذاشتن باورها و عقایدمان، به کاوش در مسائل روحانی با دیگران، و حتّی به پرورش اعضای کم‌سن و سال‌تر جامعه؛ چرا که در این تلاش‌ها نیز نفوس به کلمهٔ الله متّصل می‌شوند.

بخش دوم

حضرت بهاءالله ما را نصیحت می فرمایند: «یا مَلَأَ الْبَهَاءِ بَلَّغُوا أَمْرَ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ كَتَبَ لِكُلِّ نَفْسٍ تَبْلِغَ أَمْرِهِ وَجَعَلَهُ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ» (مضمون: ای اهل بهاء! امر الهی را تبلیغ کنید، زیرا خداوند تبلیغ امر خود را وظیفه همگان و بهترین اعمال قرار داده است). اینکه تبلیغ وظیفه هر فردی است که به عرفان حضرت بهاءالله نائل شده به چه معناست؟

کلمه «وظیفه» در سخنان مردم به اشکال مختلف به کار برده می شود. گاهی اوقات وظیفه به سلسله مقرراتی اطلاق می شود که بدون هیچ دلیل آشکاری بر ما تحمیل شده باشد. ممکن است کارهایی را به خاطر بیاوریم که بدان موظفیم و اگر بتوانیم از انجامشان سر باز زنیم بسیار خوشایند خواهد بود. وظایف دیگری به رفاه ما و افرادی که دوستشان داریم مرتبطند و ما آنها را با خوشحالی انجام می دهیم. پس از مشورت با گروه خود، فهرستی از چند وظیفه لذت بخش تهیه کنید:

به طور کلی تمایل داریم وظایفی را که به نظرمان مهم می رسد با همت انجام دهیم. به عنوان مثال، یک کشاورز با وظیفه شناسی به مزرعه اش رسیدگی می کند زیرا می داند که انجام هر کار برای هدف نهایی یعنی برداشت محصول فراوان، ضروری است و لاجرم معیشت خانواده اش به آن بستگی دارد. بعضی از ثمراتی که امیدواریم از تلاش های ما برای تبلیغ امر حاصل شوند چه هستند؟

وظایفی که مظهر ظهور الهی بر ما مقرر داشته موجب و منشأ خیر اعظم است. اما ارزششان تنها در ثمرات نیکویی که به بار می‌آورند نهفته نیست. احکام خداوند فقط مقرراتی نیستند که به ما بگویند چه نکنیم و چه نکنیم؛ بلکه در اصل، بیانگر حقیقت وجود انسانی است. یک مثال ساده این نکته را روشن می‌سازد.

به خوبی آگاه هستیم برای داشتن یک زندگی سالم لازم است به طور منظم مقدار مناسبی غذا بخوریم. اما تغذیه مرتّب، تجویزی دلبخواهی نیست که شخصی بنا به میل خود بر ما تحمیل کرده باشد، بلکه گزاره‌ایست در باره واقعیت وجود جسمانی ما. بدن ما به شکلی ساخته شده است که هر چند ساعت یک بار به تغذیه نیاز دارد و ما باید به این نیاز پاسخ دهیم؛ ندیده گرفتن آن نهایتاً منجر به مرگ خواهد شد.

به همین نحو، هنگامی که مظهر ظهور الهی نصیحت یا حکمی برای ما مقرر می‌دارد، مثلاً ما را به دعای روزانه ملزم می‌کند، قانونی دلبخواهی بر رفتار ما تحمیل نمی‌کند. بلکه چیزی مربوط به واقعیت وجود ما به ما گفته شده است، در این مورد خاص به ما می‌آموزد که روح انسانی به گونه‌ای آفریده شده که برای تغذیه آن باید قلوب و اذهان خود را مرتّباً به خداوند متوجّه نموده و با منشأ حیات خود «راز و نیاز» نماییم. به همین ترتیب، وظیفه تبلیغ امر، گذشته از ثمرات واضح برای ما و جامعه بشری، حقایقی را در باره ماهیت روح انسانی و نیازمندی‌هایش آشکار می‌سازد. در چندین بخش آینده بعضی از این حقایق را بررسی خواهیم کرد. اما پیش از آن شاید مفید بیابید که یک جمله در باره ماهیت هر کدام از کلمات زیر بنویسید. برای کمک به شما یک مثال آورده شده است.

۱. شمع: طبیعت شمع نوربخشیدن است.
۲. پروانه: _____
۳. شعله: _____
۴. فواره: _____

۵. ابر باران‌زا: _____

۶. عطر: _____

آیا موافقت می‌کنید که ماهیت انسان ایجاب می‌کند تا آنچه دارد، اعمّ از دارایی، وقت، نیرو و دانش را بی‌وقفه ببخشد؟

بخش سوم

بیاید تأملات خود بر دلالت‌های ضمنی وظیفهٔ تبلیغ را با مطالعهٔ چند نص از آثار حضرت عبدالبهاء در بخش فعلی و دو بخش بعد آغاز کنیم. ایشان در جایی می‌نویسند:

«ای نار افروختهٔ عشق الهی حرارت محبّه‌الله در آن قلب نورانی چنان پرشعله و سورت است که اثر و تابشش از هزار فرسنگ احساس می‌شود نار عنصری را مسافهٔ بعیده مانع از تأثیر و تسخین ولی نار الهی چون در شرق بر افروزد شعله‌اش به غرب بتابد و تأثیرش در شمال و جنوب ظاهر گردد بلکه حرارتش از ناسوت ادنی به ملکوت اعلیٰ رسد و شعله‌اش در رفیق ابهی ساطع گردد.»^۱

با توجّه به این نص، حرارت محبّه‌الله در قلب ما باید چنان _____ باشد که _____ و _____ از _____ شود. حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرماید که _____ را _____ مانع از _____ و _____ ولی _____ چون در _____ بر افروزد _____ به _____ بتابد و _____ در _____ و _____ ظاهر گردد. _____ از ناسوت ادنی به ملکوت اعلیٰ رسد و شعله‌اش در _____ گردد.

بخش چهارم

حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از احبّا که مدّت ها در آرزوی تشرّف به محضر مبارک بود و سرانجام موفق به زیارت کوتاهی گردید چنین فرمودند:

«... امیدوارم که این ملاقات مانند فتیله سراج و آتش بود که به مجرد تماس برافروخت. منتظر نتایج این ملاقاتم تا چون شمع تورا افروخته یابم و چون پروانه به نار محبت الله جان سوخته و از شدّت حب و وله چون ابر بگری و مانند چمن بخندی و به مثابه نهال بیهمال از هبوب نسایم جنت ابهی به اهتزاز آیی.»^۲

طبق بیان، حضرت عبدالبهاء آرزو دارند که ما را همچون _____ افروخته یابند و چون _____ به _____ جان سوخته و مانند _____ بگیریم و چون _____ بخندیم و به مثابه _____ از هبوب نسیم جنت ابهی _____ آیم.

بخش پنجم

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود در پاسخ به سؤالات یکی از پیروان اولیّه امر چنین می فرماید:

«کنیزان الهی باید به مقامی بیایند که خود ادراک حقائق و معانی کنند و بر هر کلمه ای بیانی مفصل توانند و چشمه حکمت از حقیقت قلبشان مانند عین فواره جوشش و نبعان نماید.»^۳

حضرت عبدالبهاء مشتاق هستند که ما به مقامی ارتقاء یابیم که خود _____ حقایق و معانی کنیم و بر _____ مفصل _____ و _____ از حقیقت قلبمان مانند _____ نماید.

بخش ششم

با مطالعه این سه نص به خوبی متوجّه می‌شویم که وظیفه تبلیغ امرالله همان قدر که شامل فعالیت‌های تبلیغی ماست، به حالتی از بودن که باید به آن نائل شویم نیز ارتباط دارد. از استعارات موجود در بیانات مبارک در مورد این حالت از بودن، مطالب بسیاری را می‌توان آموخت. این استعارات راجع به چیزهایی اند که لازمه وجودشان بخشیدن است. آیا اگر شعله نخواهد نور ببخشد، می‌توان همچنان آن را شعله خواند؟ آیا اگر فواره‌ای نخواهد جریان داشته باشد، می‌توان آن را فواره نامید؟ ما هم آفریده شده‌ایم که بخشنده و سخاوتمند باشیم. بخشیدن و سهم کردن دیگران در آنچه داریم لازمه وجود معنوی ماست. والاترین و گران‌بهارترین دارایی ما موهبت ایمان است، یعنی شناخت حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی برای عصر حاضر. بسیار طبیعی است که معرفت کسب شده از ظهور مبارکش و عشق و سرور ناشی از این ظهور که ارواح ما را آکنده است با دیگران در میان نهم.

البته ممکن است در مسیر مساعی تبلیغی خود با موانع متعدّدی مواجه شویم. ممکن است خجالتی باشیم؛ ممکن است از اقدام یا اظهار آشکار حقیقت واهمه داشته باشیم و یا گاهی اوقات ابراز واضح اندیشه‌ها برای ما دشوار باشد، اما اگر درک کنیم که ما با تبلیغ امرالله آنچه که برایمان از همه چیز عزیزتر است را به رایگان می‌بخشیم، تدریجاً بر همه این موانع فائق خواهیم شد. بیان ذیل از نامه‌ای از جانب حضرت ولی امرالله می‌تواند همواره این وظیفه را به ما متذکّر شود که باید حکمت الهی مخزون در ظهور حضرت بهاءالله را با دیگران در میان نهم:

«دنيا در تلاطم شديد است و مشاڪل آن روز به روز زيادتر و شديدتر مي‌شود. بنا بر اين ما نبايد بيكار بنشينيم، اگر چنين كنيم در اجراي وظيفه مقدّس خود قصور كرده‌ايم. حضرت بهاءالله تعاليم مباركه را به ما ارائه نداده‌اند كه آن را ذخيره نماييم و براي سرور و شادمانی خود آن را پنهان بداريم. آن را به ما اعطاء كرده‌اند كه دهان به دهان آن را بيان كنيم تا همه جهانيان به تعاليم الهی آشنا شوند و از بركات و تأثيرات تعالی بخش آنها بهره‌مند گردند.»^۴ (ترجمه)

بخش هفتم

یک راه بیان حالتی از بودن که برای وصول به آن می‌کوشیم، توصیف آن به عنوان حالت اشتعال است. بر این اساس، در حالی که فکر و نیروی خود را بر امر تبلیغ متمرکز می‌کنیم، باید به یاد داشته باشیم که آتش عشق حضرت بهاءالله در قلب‌های ما باید روز به روز شعله‌ورتر گردد. شاید بخواهید بیان مبارک حضرت عبدالبهاء را حفظ کنید تا همواره برای شما یادآور آن باشد که لازم است شعله عشق الهی در قلبتان تقویت شود:

«إيها السراج المشتعل بنار محبة الله انّي قرأت تحريرك الجديد الدالّ على حبك الشديد و تلهبك بنار محبة ربك العزيز الحميد و نفوذ روح الحق في اركانك و اعصابك و عروقك و شريانك و عظمك و دمك و لحمك حتّى اخذ زمام القدرة من يدك يحركك كيف يشاء و ينطقك كيف يشاء و يجذبك كيف يشاء هذا شأن كلّ قلب امتلاء بروح محبة الله و سوف تنظرين آثاراً عجيبة و تكتشفين على آيات ربك الكبرى...»^۵

مضمون: ای برافروخته به نار محبت‌الله! نامه‌ات را خواندیم، حکایت از آن داشت که قلب تو از عشقی شدید و آتش محبت خداوند عزیز و حمید پر شعله است، روح حق چنان در اعضا و اعصاب و عروق و شریان و استخوان و خون و جسم نفوذ یافته که اختیار از کف رفته، به هر ره که بخواهد تو را می‌کشاند و هر چه بخواهد بر زبان‌ت می‌آورد و به هر گونه اراده کند تو را به انجذاب می‌اندازد. این شایسته هر قلبی است که از روح محبت‌الله آکنده است. عنقریب آثاری عجیب مشاهده خواهی کرد و آیات پروردگار عظیم خود را کشف خواهی نمود.

بخش هشتم

بیان بالا حالتی را توصیف می‌کند که در آن بی‌اختیار به خدمت و تبلیغ امرالله می‌پردازیم. روح حقیقت چنان وجودمان را در بر می‌گیرد که زمام اختیار را سلب می‌کند و ما را به هر طرف که اراده اوست می‌کشاند. با تأمل بر هر یک از موارد زیر سعی کنید به عواقب مقاومت در برابر چنین انگیزه‌ای طبیعی فکر کنید:

الف. فواره‌ای که آب دریافت می‌کند ولی جاری نمی‌شود _____

ب. فردی که دائماً مشمول فضل الهی است ولی از سهم شدن آن با دیگران ممانعت می‌ورزد: _____

ج. فردی که دانش کسب می‌نماید اما از انتقال آن خودداری می‌کند: _____

د. فردی که به موهبت ایمان فائز می‌شود اما به خدمت و تبلیغ امر نمی‌پردازد: _____

بخش نهم

هنگام تفکر درباره ماهیت اشتعال، باید به خاطر داشته باشید که «بودن» و «عمل کردن» دو جنبه مکمل حیاتی است مطابق با تعالیم بهائی. این دو جنبه آنچنان به هم آمیخته‌اند که هرگونه تلاشی برای جدا کردنشان بیهوده است. نمی‌توانیم همه عمر را در انتظار حالت اشتعال کامل بگذرانیم تا بتوانیم اقدام کنیم. حتی ضعیف‌ترین شعله هم نور و گرما می‌بخشد. کارهایی که ما باید خود را هم‌زمان وقف آنها کنیم بسیارند. باید هر روز دعا کنیم و در معانی عمیق آثاری که می‌خوانیم تفکر کنیم. باید بکوشیم که قلب خود را پاک کنیم و صفات الهی را متجلی سازیم. باید دیده درون را بگشاییم تا جمال الهی را مشاهده نماییم و شیفته آن گردیم. باید در میدان خدمت فعال باشیم و

دانشی که از ظهور حضرت بهاءالله به دست می‌آوریم را با دیگران در میان نهمیم. با آگاهی از رابطه درهم‌تنیده «بودن» و «عمل کردن» کدامیک از موارد زیر را می‌توانید بدون درنگ اظهار دارید؟ آنها را علامت بزنید.

_____ ملاقات مردم در خانه‌هایشان و گفتگوی متعالی با آنها نیازمند شجاعت زیادی است. ابتدا باید بر احساس خجالت شدید غلبه کنم و بعد برای انجام این خدمت آماده خواهم بود.

_____ با اینکه شروع گفتگو با آدم‌هایی که خوب نمی‌شناسم مرا مضطرب می‌کند، به خدا توکل کرده‌ام زیرا می‌دانم که تنها از طریق اقدام می‌توانم بر کم‌رویی غلبه کنم.

_____ من برای صحبت در باره امر با دیگران دانش کافی ندارم. باید قبل از اینکه به جستجوی نفوس مستعد بروم و تلاش کنم تا تعالیم را با آنها در میان بگذارم، دانش بیشتری کسب کنم.

_____ حکمتی که می‌توان از ظهور حضرت بهاءالله به دست آورد پایان‌ناپذیر است، با این حال حتی کوچک‌ترین بصیرت‌های به دست آمده آنقدر ارزشمندند که باید آزادانه آنها را با دیگران در میان بگذاریم.

_____ می‌دانم که به هیچ وجه کامل نیستم و راه درازی در پیش دارم تا بسیاری از صفات روحانی توصیف شده در آثار را متجلی سازم. با این حال حضرت بهاءالله وعده می‌دهند که همه کسانی را که به خدمت ایشان قیام می‌کنند مساعدت خواهند کرد، بنا بر این باید نهایت تلاش خود را به کار برم.

_____ هرچند ناتوانم، اما به خدمت امر قیام خواهم کرد. در میان گذاشتن تعالیم حضرت بهاءالله با دیگران عشق مرا نسبت به آنها افزایش می‌دهد و در پرورش توانایی‌ها و صفات روحانی لازم مرا یاری می‌رساند.

_____ بسیار دوست دارم که معلّم کلاس کودکان باشم اما ابتدا باید تمام صفات لازم برای یک معلّم خوب را در خود پرورش دهم. اگر من الگوی مناسبی نباشم، کودکان چه چیزی یاد خواهند گرفت؟

_____ با عمل تدریس در یک کلاس کودکان، عشق من نسبت به کودکان رشد می‌کند و فرصت‌های زیادی را برای تمرین سخاوت، صبر و محبت خواهم یافت.

_____ نوجوانانِ گروهی که من مشوّق آن هستم باید بتوانند به راحتی با من صحبت کنند. اگر مرا بیش از حد پاک و منزّه ببینند، برای بیان آزادانهٔ افکار خود احساس راحتی نمی‌کنند. مهم‌ترین چیز این است که من در همه حال در کنار آنها باشم.

_____ در خدمت به عنوان مشوّق نوجوانان همانطور که به آنها در رشد روحانی و فکری‌شان کمک می‌کنم باید به پرورش شخصیت خود نیز توجّه کنم.

_____ به طور کلی اگر در هر میدان خدمتی حرف درست را بزنم، مشتعل بودن یا نبودن روح من هیچ فرقی ندارد.

_____ تنها کاری که باید بکنم این است که بر محبت حضرت بهاءالله متمرکز باشم. دیگر نیازی به بیان نیست. قلبم آنچنان از عشق الهی افروخته خواهد بود که مردم از خود خواهند پرسید که چرا من چنینم. وقتی بفهمند دلیلش این است که من بهائی‌ام، آن وقت خودشان در بارهٔ امر تحقیق می‌کنند و ایمان می‌آورند.

_____ تبلیغ حالتی از بودن است. به طور طبیعی به وجود می‌آید. چه لزومی به تلاش هست!

_____ تبلیغ یک حالت طبیعی از بودن است. نیازی به برنامهٔ سیستماتیک برای یافتن نفوس مستعد و گفتگو با آنها در بارهٔ نفس حضرت بهاءالله و تعالیم ایشان نیست. فقط باید اجازه داد تا خود به خود اتفاق بیفتد!

بخش دهم

به این نتیجه رسیدیم که همگی ما، از لحظه‌ای که مقام حضرت بهاءالله را شناختیم، مسئولیم و می‌توانیم تعالیم ایشان را با دیگران در میان گذاریم. مثال محسوسی را که به کار برده‌ایم شعله است. شعله هر قدر هم که ضعیف باشد، باز هم نور و گرما می‌بخشد. از سوی دیگر می‌دانیم بدون اینکه از سرعت تلاش‌های ما در میدان خدمت کاسته شود، باید مرتّباً بکوشیم تا زندگی روحانی خود را غنی‌تر کنیم و آتش عشق ایزدی را در قلب خود تغذیه کنیم و فروزان‌تر نماییم. بیایید قدری درنگ کنیم و در باره آنچه که باعث افزایش اشتعال می‌شود بیندیشیم.

در زیر دو نوع طرز تفکر آمده است. مجموعه سمت چپ شامل گزاره‌هایی است که گرچه تا حدی درست هستند، ولی باعث ایجاد سردرگمی می‌شوند. هریک از آنها را با گزاره‌ای از مجموعه سمت راست که به نظر شما مناسب‌تر می‌آید تطبیق دهید.

الف. تبلیغ و خدمت به امر برای رشد روحانی
و افزایش اشتعال فرد ضروری هستند.

_____ علم حجاب است. علم زیاد باعث غرور می‌شود. نباید بیش از حد بر مطالعه آثار امری تأکید نمود. تمرکز بر عشق به پروردگار و بشریت کافی است.

ب. اشتعال فرد نهایتاً به فضل الهی بستگی دارد. اما نه به این معنا که کوشش لازم نیست. دعای روزانه، تضرّع به درگاه خداوند، مطالعه آثار مقدّسه و خدمت فعالانه، به استعداد روح برای پذیرفتن عنایت و فیض رحمانی می‌افزایند.

_____ اشتعال چنان ضروری است که باید فرد برای مدّتی همه فعالیت‌ها را کنار بگذارد و فقط به تقویت حالت درونی خود بپردازد.

ج. دانش، شعله عشق حضرت بهاءالله را در قلب شخص تقویت می‌کند. هر چه بیشتر حضرت بهاءالله را با مطالعه ظهور ایشان و از طریق خدمت به امرشان بشناسیم، عشق عمیق‌تری نسبت به

_____ هنگامی که فردی قلبش به عشق الهی فروخته شود، بدون هیچ تلاشی در حالت سرور ابدی زندگی می‌کند.

ایشان در خود احساس می‌نماییم. اگر
فرد از نفس اماره که به غرور منجر
می‌شود و علم را به حجاب تبدیل
می‌کند بر حذر باشد، تحصیل علم
می‌تواند عامل مهمّی برای ازدیاد
اشتعال او گردد.

_____ علّت اینکه در اجرای اوامر الهی
قصور می‌کنیم این است که حضرت
بهاءالله را به اندازه کافی دوست
نداریم.

_____ اشتعال تنها به واسطه فیض الهی به
ما می‌رسد. بنا بر این، نیازی به
کوشش برای افزایش آن نداریم.

_____ هنگامی که شعله عشق الهی در قلبی
برافروخته گردد، هرگز خاموش
نخواهد شد و به خودی خود روشن
می‌ماند و قلب را از نفس و هوی
پاک می‌کند.

د. همان‌گونه که دعا و خدمت به امر شعله
عشق الهی را در قلب فرد مشتعل‌تر
می‌نماید، بادهای خودپرستی و هواهای
نفسانی آن را خاموش می‌سازد. بنا بر
این فرد باید هوشیار باشد و از شعله عشق
الهی در قلبش محافظت کند.

ه. در حالی که فرد با پشتکار در راه خدا
حرکت می‌کند، آتش عشق الهی
حجاب‌های نفس را می‌سوزاند و او
سرور تقرب را احساس می‌کند.

و. حتّی زمانی که حضرت بهاءالله را
دوست داریم، باز هم ممکن است
مرتکب اشتباهات زیادی شویم، زیرا ما
ضعیفیم و محتاج فیض و بخشایش
مداوم او هستیم. کوشش برای اطاعت از
احکامش اشتعال ما را افزایش می‌دهد.

حال یک پاراگراف کوتاه بنویسید و به زبان خود توضیح دهید چگونه اشتعال در قلب انسان
زیاد می‌شود.

بعد از تأمل بر حالت اشتعال، حالتی که در آن مشتعل از نار محبت الله بی وقفه برای انتشار نور ظهور حضرت بهاء الله تلاش می کنیم، بیایید بیانات زیر را بخوانیم و بر آنها تأمل کنیم:

مضمون: بگو نصرت من همان تبلیغ امر من است. این حقیقتی است که الواح از آن مشحون است. این حکم تغییرناپذیر خداوند است، از قبل چنین بوده و بعد از این هم چنین خواهد ماند.

«یا اهل الأرض اذا غربت شمس جمالی و سترت سماء هیکلی لا تضطربوا قوموا علی نصرة امری و ارتفاع کلمتی بین العالمین. انا معکم فی کلّ الاحوال و ننصرکم بالحق.»^۷

مضمون: ای اهل ارض! وقتی خورشید جمال غروب کرد و آسمان هیکلم پوشیده گشت، مضطرب نشوید. به یاری امر من و ارتفاع کلمه ام در میان جهانیان قیام کنید. ما در همه احوال با شما هستیم و شما را به حق یاری می کنیم.

«قد قدر لكلّ نفس تبلیغ هذا الأمر من القلم الأعلى ... انه یلهم الذین انقطعوا عما سواه و یجری من قلوبهم سلسیل الحکمة و الیّان.»^۸

مضمون: قلم اعلی تبلیغ امر را بر هر نفسی مقدّر کرده است ... او منقطعین از ماسوای خود را الهام می بخشد و از قلوب آنان چشمه های حکمت و بیان جاری می کند.

«قد کتب الله لكلّ نفس تبلیغ امره و الذی اراد ما امر به ینبغی له ان یتّصف بالصّفات الحسنه اولاً ثمّ یبلغ الناس لتنجذب بقوله قلوب المقبلین.»^۹

مضمون: خداوند بر هر شخصی تبلیغ امر خود را فرض کرده و کسی که اراده اجرای این امر را دارد، چنین شاید که اول خود را به صفات حسنه متّصف سازد و بعد مردم را تبلیغ کند تا قلوب مقبلین از گفتار او منجذب شوند.

«ان یا احبّاء الله لا تستقرّوا علی فراش الرّاحة و اذا عرفتم بارءکم و سمعتم ما وُرد علیه قوموا علی النّصر ثمّ انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و انّ هذا خیر لکم من کنوز ما کان و ما یكون لو انتم من العارفین.»^{۱۰}

مضمون: ای احبّای الهی! بر بستر راحت قرار مگیرید و از آن زمان که آفریدگار خود را شناختید و از بلایایی که بر او وارد شده شنیدید، بر نصرت قیام کنید. پس زبان بگشایید و حتّی یک لحظه ساکت ننمایید. اگر آگاه باشید، این موهبت از تمام گنجینه های گذشته و آینده برای شما با ارزش تر است.

شاید مایل باشید هر تعداد از بیانات بالا را که می توانید حفظ کنید.

بخش دوازدهم

هنگامی که به جنبه‌های گوناگون وظیفه خود در قبال تبلیغ می‌اندیشیم، نباید فراموش کنیم که اوامر الهی نشانه فضل پروردگارند. حتی برای یک لحظه هم نباید فکر کنیم که با پیروی از نصایح و اوامر او، لطفی به خداوند کرده‌ایم. او قادر است با یک کلمه پیروزی کامل امرش را تضمین کند. اینکه او فرصت دفاع از امرش را به ما ارزانی داشته، خود نعمت بی‌کرانی است که شامل هریک از ما شده. حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«قل انا لو نريد لننصر الامر بكلمة من عندنا انه لهو المقتدر القهار لو اراد الله ليخرج من عرين القوة غضنفر القدرة ويزار زائراً يحكي هزيم الرعود القاصفة في الجبال انه لما سبقت رحمتنا قدرنا تمام النصر في الذكر والبيان ليفوز بذلك عبادنا في الأرض هذا من فضل الله عليهم.»^{۱۱}

مضمون: بگو اگر می‌خواستیم، این امر را با کلمه‌ای از نزد خود نصرت می‌نمودیم. اوست خداوند مقتدر و قهار. اگر اراده فرماید، شیر قدرت از بیشه قوت خارج می‌شود و به چنان نعره‌ای می‌غرد که یادآور غرش رعدی پر صدا در کوه‌هاست. از آنجایی که رحمت ما بر همه اشیاء سبقت گرفته است، مقدر فرمودیم که پیروزی این امر تماماً از طریق ذکر و بیان حاصل شود، تا بندگان ساکن ارض به این فضل و رحمت فائز شوند و این فقط موهبتی از جانب خداوند بر آنان است.

در گفتن و نوشتن، معمولاً از استعاره برای انتقال یک اندیشه استفاده می‌شود - یعنی کلمه و عبارتی که تصویری را به ذهن می‌آورد، برای توصیف چیزی ناملموس به کار می‌رود. حضرت بهاءالله در نصّی که مطالعه کردید استعاره شیر را به کار می‌برند. شیر از جنگل قدرت ملکوتی سر بیرون می‌آورد و غرش آن به رعدی می‌ماند که در کوهستان طنین می‌اندازد. این تصویر بارقه‌ای از قدرت خداوند آفریدگار را در ذهن تداعی می‌نماید. او با یک حرکت می‌تواند قدرتش را بر همگان آشکار سازد و اهل عالم در برابر عظمت او سر تسلیم فرود آورند. تنها به صرف عنایت به ما بندگان اجازه داده است که وسیله تبلیغ امرش باشیم. جمله‌های زیر را با استفاده از واژه‌ها و عبارت‌های موجود در نص مبارک تکمیل نمایید:

۱. اگر خدا بخواهد قادر است _____.
۲. اگر اراده فرماید _____.
۳. غرّش این شیر مانند _____.
۴. امّا از آنجایی که رحمت خداوند بر همهّ اشیاء سبقت گرفته است، مقدّر فرمود _____.
۵. خداوند چنین کرده است تا _____.
۶. این فقط _____.

بخش سیزدهم

غیرمتداول نیست که مردم اعتقاداتی داشته باشند و در عین حال چیزهایی بگویند که اساساً با آن عقاید مخالف است. به طور کلی، داشتن انسجام، کارآسانی نیست. عادات ذهنی همهّ ما که در طول حیات شکل گرفته‌اند باعث می‌شوند چیزهایی را بگوییم، بدون اینکه در بارهّ آنها فکر کرده باشیم. با کمی تأمل متوجّه می‌شویم که به بعضی از گفته‌هایمان واقعاً باور نداریم. پس همچنان که فهم ما در پرتو تعالیم و از طریق تجربه افزایش می‌یابد، مفید خواهد بود که گاهی درنگ کنیم و اعتبار برخی از گزاره‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. از میان جملات زیر، آنانی را که با درک شما از مفهوم تبلیغ به عنوان یک وظیفه انسجام دارند با علامت مشخص کنید.

_____ من به طور فعّالانه در مشاورات جامعه‌ام پیرامون موضوع تبلیغ شرکت می‌کنم و پیشنهاداتی را هم برای اجرای آن می‌دهم. به این شکل وظیفه تبلیغ را انجام می‌دهم.

_____ هرگاه برنامه فشرده تبلیغی در جامعه من برقرار باشد، برای آن به طور خاص دعا می‌خوانم. به این طریق وظیفه تبلیغی خود را انجام می‌دهم.

_____ هرگاه فرصتی پیش آید بصیرت‌هایی از تعالیم حضرت بهاءالله را ارائه می‌دهم. برای انجام وظیفه تبلیغ، همین کار برای من کافی است.

_____ امسال یک نفر را تبلیغ کردم. من وظیفه خود را برای امسال به انجام رسانده‌ام.

_____ تمام کسانی که می‌شناسم می‌دانند که من بهائی هستم و به افرادی که علاقه‌مند بوده‌اند در باره حضرت بهاءالله و ظهور ایشان گفته‌ام. من دیگر از تمام فرصت‌های ممکن برای تبلیغ امر استفاده کرده‌ام.

_____ من با هرکس که ملاقات می‌کنم وظیفه تبلیغی خود را با گفتن اینکه بهائی هستم انجام می‌دهم.

_____ بهترین روشی که می‌توانم وظیفه تبلیغی خود را انجام دهم داشتن یک زندگی نمونه است. دیگر نیازی به کلمات نیست.

_____ من سعی می‌کنم تمام احکام و نصایح حضرت بهاءالله را اطاعت کنم و یکی از آنها تبلیغ امرالله است، چون تنها به این طریق می‌توان حیاتی نمونه داشت.

_____ می‌دانم که حضرت بهاءالله وظیفه تبلیغ را بر عهده همه پیروانش نهاده است. اما منظور ایشان واقعاً «همه» نبوده است. منظور ایشان افرادی است که دانش بسیاری از امر و تجربه خیلی زیادی دارند.

_____ هر وقت به زیبایی تعالیم حضرت بهاءالله می‌اندیشم، آنچنان سرشار از سرور می‌گردم که نمی‌توانم پیام ایشان را با دیگران در میان نگذارم.

_____ ضمن انجام وظیفه خود برای تبلیغ امر مبارک است که تأییدات الهیه را دریافت خواهم کرد.

_____ من به خاطر عشق به حضرت بهاءالله و عشق به بشریت که ایشان به من عطا کرده‌اند به وظیفه خود برای تبلیغ امر عمل می‌کنم.

_____ ما اقدامات جامعه‌سازی بسیاری در محله خود داریم و دیر یا زود تعداد زیادی از افراد و خانواده‌ها به امر وارد خواهند شد. نیازی نیست به دنبال فرصت‌هایی برای صحبت در باره حضرت بهاءالله و ظهور ایشان و کمک به تحکیم نفوس در امر مبارک باشیم.

بیان زیر را از یکی از الواح مبارک حضرت عبدالبهاء حفظ کنید:

«ای طالب ملکوت الله اگر خواهی که نطق و بیانت در قلوب قاسیه تأثیر نماید منقطع از تعلق به دنیا شو و متوجه به ملکوت الله نار محبت الله در دل چنان برافروز که شعله آتش شوی و شمع شب افروز هدایت آن وقت نطق و بیانت به تأیید روح القدس در جمیع قلوب تأثیر نماید.»^{۱۲}

بخش چهاردهم

حال که به اهمّیت تبلیغ به عنوان یک وظیفه اندیشیدیم، بیایید بر تقدّس این عمل تأمل کنیم، موضوعی که حضرت ولی امرالله نیز در نصّی که در بخش ششم مطالعه نمودیم توجه ما را بدان جلب نمودند. تبلیغ از چه نظر مقدّس است؟ البتّه، همین که تبلیغ، امری از جانب خداوند است این وظیفه را مقدّس می‌سازد. اما آیا جنبه‌های دیگری هم از تقدّس در امر تبلیغ وجود دارد که باید به آن توجه کنیم؟ حضرت بهاءالله در لوحی می‌فرمایند:

«... آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده احبّای حقّ الیوم به منزله مفاتیحند انشاءالله باید کلّ به قوّت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند...»^{۱۳}

در جای دیگر می‌فرمایند:

«بل اراد لنفسه مدائن القلوب لیطهرهم عن دنس الأرض و یقرّبهم الی مقرّ الذی کان عن مسّ المشرکین محفوظاً ان افتحوا یا قوم مدائن القلوب بمفاتیح الیّان و کذلک نزلنا الأمر علی قدر مقدور...»^{۱۴}

مضمون: مدائن قلوب را برای خود اراده کرد تا آنها را از آلودگی های زمینی پاکیزه گرداند و به جایگاهی که مشرکان را بدان راهی نیست نزدیک کند. ای قوم! با کلیدهای بیان خود به فتح مدائن قلوب پردازید. اینگونه امر را به قدر مقدّر نازل فرمودیم.

پاسخ به پرسش های زیر شما را در درک این موضوع یاری خواهد کرد که این بیانات چگونه به تقدّس و نفس عمل تبلیغ مربوط می شود:

۱. خداوند چه چیزی را برای خودش اراده کرده است؟

۲. قلب انسان به چه کسی تعلّق دارد؟

۳. برای توصیف «آنچه به خداوند تعلّق دارد» از چه کلمه ای استفاده می کنیم؟

۴. چه کسانی مانند کلیدهای مدائن قلوب انسان ها هستند؟

۵. خداوند می خواهد این مدائن را از چه چیزی پاک سازد؟

۶. او می خواهد قلوب به چه چیزی نزدیک تر شوند؟

۷. با چه کلیدی باید مدینه قلب انسان را بگشاییم؟

۸. در این بیانات چه وظیفه ای برای ما مقرر شده است؟

بخش پانزدهم

تقدّس بُعد دیگری دارد که رابطه آن با تبلیغ را باید بررسی نماییم. حضرت بهاءالله در یکی از الواح در باره ظهور خویش چنین اشاره می فرماید:

«قل یا قوم هذه لصحيفة المختومة المحتومة التي كانت مرقومة من اصبع القدس و مستورة خلف حجب الغيب و قد نزلت بالفضل من لدن مقتدر قديم و فيها قدرنا مقادير اهل السموات و الارض و علم الاولين و الآخرين»^{۱۵}

مضمون: بگو ای قوم! این صحیفه سر به مهر محتومه ای است که به سر انگشت قدس نوشته شده و در پس پرده های غیب پنهان بوده و اکنون به نشانه فضل، از جانب مقتدر قدیم نازل شده و مقدرات اهل آسمان ها و زمین و دانش همه چیز، از آغاز تا پایان، در آن نوشته شده است.

در بیان بالا حضرت بهاء الله ظهور خویش را صحیفه سر به مهر محتومه توصیف می فرمایند. صحیفه ورقه کاغذی است که پیام مهمّی بر آن نوشته شده باشد. این صحیفه سر به مهر و محتوم، مخزن حکم الهی است - یعنی حاوی امر خداوند است و تغییری در آن راه نمی یابد. تمرین ذیل به شما در کسب بصیرت از بیان مبارک کمک می کند. جاهای خالی را با توجه به بیان بالا پر کنید و سپس جمله ها را با یکدیگر بخوانید.

۱. ظهور حضرت بهاء الله به نشانه _____ بر ما نازل گشته است.
۲. آنچه بر ما نازل گشته صحیفه _____ است که در پس _____ پنهان بود.
۳. صحیفه سر به مهر _____ الهی بر بندگان نازل گشته است.
۴. خداوند مقدرات _____ آسمان ها و زمین را در آن نوشته است.
۵. در ظهور حضرت بهاء الله _____ همه چیز از _____ تا _____ نوشته شده است.

بخش شانزدهم

حال بیایید آنچه در دو بخش قبل مطالعه کرده ایم را بررسی کنیم. تبلیغ وظیفه مقدّس هر فرد بهائی است چرا که خداوند آن را بر ما مقرر داشته. به علاوه، وقتی تبلیغ می کنیم با دو وجود مقدّس

سروکار داریم. یکی قلوب مردم است که در اصل به خداوند تعلّق دارد. در حقیقت می توان گفت که تبلیغ یک عمل روحانی است زیرا مدائن قلوب انسان را به سوی حق می گشاید. وجود مقدّس دیگر مرتبط با امر تبلیغ، ظهور حضرت بهاءالله است. هدف از تبلیغ متّصل نمودن قلوب به ظهور ایشان است، یعنی عظیم ترین رحمتی که به بشریت ارزانی داشته شده.

سعی کنید لحظاتی از زندگی تان را به خاطر آورید که حضور تقدّس را احساس کرده اید. اگر به زیارت مقامات مقدّسه حضرت بهاءالله و حضرت باب نائل شده باشید، نزدیکی و تعظیم به آستان مقدّس و احساسات در آن دقایق را به وضوح به خاطر می آورید. اما حتّی اگر این فیض شامل حالتان نشده باشد، قطعاً اوقات دیگری در زندگی تان بوده است که مجذوب به دعا، با تمام ذهن و قلب به سوی حق توجّه کرده و به روشنی حضور او را احساس کرده باشید. در چنین لحظاتی قلبتان مملو از چه احساساتی می شود؟ آنها را در فهرست زیر علامت بزنید:

_____ عشق شدید	_____ خضوع	_____ سرور
_____ مواجهه با ابّهت	_____ عدم راحتی	_____ فقدان شایستگی
_____ بی اعتنائی	_____ انجذاب	_____ احساس احترام عمیق
_____ تسلیم و رضا	_____ شکرگزاری	_____ آرامش

بخش هفدهم

آخرین تمرین بخش قبل ما را به یاد منش احترام آمیزی می اندازد که هنگام نزدیکی به آنچه مقدّس است اتخاذ می کنیم و نیز احساسات شریفی که در زمان حضور در محضر مقام مقدّس در قلب ما به اهتزاز درمی آیند. در این زمینه، سؤال مهمّی را باید مطرح نمود: چگونه آگاهی شما از تقدّس امر تبلیغ، هر عملتان را حامل قدرتی عظیم می کند؟ برای کمک به شما در پاسخ به این پرسش، پیشنهاد می شود تمرینی را انجام دهید که امر تبلیغ را از سه دیدگاه مختلف توصیف می کند و از شما می خواهد به نتایج هر یک بیندیشید. اگر تمرین کمی تصوّعی به نظر می رسد نگران نباشید. این تمرین برخی بینش های لازم را در اختیار شما خواهد گذاشت.

به عنوان بخشی از یک هسته در حال رشد از حامیان فعال امر در محله یا دهکده تان، شما عضو تیمی هستید که به فعالیت های تبلیغ جمعی مشغول است. شما و اعضای دیگر با هم با

خانوارها ملاقات کرده و با افراد و خانواده‌ها - که بعضی از قبل به طریقی به اقدامات جامعه‌سازی جاری وصل شده‌اند - درباره حقایق اساسی مندمج در ظهور حضرت بهاءالله صحبت کرده، کمک می‌کنید تا آن حضرت را به عنوان مظهر ظهور الهی این عصر بشناسند. بیاید موقعیتی را تصوّر کنیم که تیم شما در یک بازه زمانی معین به حدود سی نفر کمک می‌کند تا امر مبارک را بپذیرند و به جامعه بهائی پیوندند. فرض می‌کنیم که هر یک از اعضای تیم وظیفه تبلیغی خود را با خلوص و تنها به خاطر عشق به حضرت بهاءالله انجام داده است. با این حال اگر درک تیم از کاری که انجام داده است در همه موارد ثابت نبوده باشد چه؟

تصوّر کنید که در ابتدا شما خود را کم و بیش به عنوان یک فروشنده می‌دیدید. به خودتان می‌گفتید: «تبلیغ مثل فروش است. امر الهی بهترین عقاید را دارد. اگر بتوانیم به طور مؤثر امرالله را جمع‌بندی کنیم و ایده‌های شگفت‌انگیزش را به مردم بفروشیم، مبلغین خوبی هستیم». به این طریق ده نفر وارد امر شدند.

حال فرض کنید که کمی بعد، شما و دیگر اعضای تیم کار خود را عمدتاً جذب نیروی انسانی برای یک امر اجتماعی مترقی می‌دیدید. به خودتان می‌گفتید: «با اوضاع وخیم عالم، لازم است تعداد هر چه بیشتری از افراد را در سریع‌ترین حالت ممکن جذب کنیم - افرادی که راه‌حل امراض بشر را در تعالیم بیابند و برای استقرار وحدت، از بین بردن تعصّب و گسترش عدالت فعالیت کنند». بنا بر این با شور و اشتیاق دعوت دیگران را آغاز کردید تا در ترویج آرمان‌های مهمی از قبیل صلح، اتحاد، برابری جنسیتی و از بین بردن تعصّبات به شما پیوندند. از طریق این تلاش‌ها ده نفر به امر پیوستند.

کمی بعد، همچنان نگران وضعیت جهان و افزایش تعداد افرادی بودید که تعالیم حضرت بهاءالله را برای تقلیب عالم به کار بندند. اما تیم شما فهم عمیق‌تری نسبت به ماهیت مقدّس تبلیغ کسب کرد. این بار که حقایق امر را به کسی توضیح می‌دادید، کاملاً آگاه بودید که قلب انسان که به حق تعلّق دارد را مخاطب قرار می‌دهید. به خود یادآوری می‌کردید که شما در واقع با استفاده از کلید بیان، ابواب مدائن قلوب را می‌گشایید و قلوب را به ظهور حضرت بهاءالله متّصل می‌کنید. ده نفر دیگر تحت این شرایط ایمان خود به امر مبارک را اعلام کردند.

پس از کمک به تسجیل این سی نفر، تیم شما برای تعمیق دانش این افراد از تعالیم، تلاشی سیستماتیک را آغاز می‌نماید و تعداد نفرات هر چه بیشتری را تشویق می‌کند تا به دوره‌های مؤسسه آموزشی وارد شوند و پیشگامان مجهودات جامعه‌سازی در دهکده یا محله باشند. آیا فکر می‌کنید میزان مشارکت این سه گروه در فعالیت‌های بهائی متفاوت خواهد بود؟ آیا تلاش‌های شما برای یک گروه مؤثرتر خواهد بود؟ البته ممکن است در هر یک از سه گروه افرادی پیدا شوند که به فضل حضرت بهاءالله چنان آماده باشند که در ظهور او غوطه‌ور شوند و به سرعت بر معلوماتشان بیفزایند و در اقدامات جامعه مشغول گردند. اما اکنون از شما خواسته می‌شود که در باره هر گروه به عنوان یک کل بیندیشید. فکر می‌کنید به طور متوسط تفاوت عمده‌ای بین این سه گروه وجود دارد؟ با گروه خود مشورت نمایید و نتیجه را در زیر یادداشت کنید.

به منظور تفکر بیشتر بر سؤال مطروحه – اینکه آیا آگاهی فزاینده شما از تقدّس ماهیت تبلیغ هر عمل شما را حامل قدرتی عظیم می‌کند – بیایید به سناریوی دیگری نگاه بیندازیم. همانطور که قبل‌تر ذکر گردید، بسیاری از اقدامات جامعه‌سازی در دهکده یا محله‌تان، مستلزم متصل نمودن نفوس با کلمه‌الله است و می‌تواند در مفهومی وسیع به عنوان تبلیغ دیده شود. فرض کنید اکنون عضو تیمی

هستید که افرادی، به ویژه جوانان را، گروه گروه به تسلسل اصلی مؤسسه دعوت می کند و به آغاز مسیر خدمت فرامی خواند. فرض کنید که تیم شما با سه برداشت مشابه با آنچه در بالا توصیف شد، با سه گروه از جوانان به گفتگو می پردازد و آنها دعوت را قبول می کنند. دوباره با در نظر گرفتن هر گروه به عنوان یک کل، فکر می کنید تفاوتی میان آنها، مثلاً در رابطه با درجه تعهدی که در دنبال کردن رشد روحانی و عقلانی شان و مشارکت در تقلیب اجتماع نشان می دهند، وجود دارد؟

بخش هجدهم

وقتی ابواب مدائن قلوب انسانی گشوده گردد و قلوب با ظهور حضرت بهاءالله پیوند خورد، تحوّل به شکل فرایندی عمیق آغاز می شود. این تحوّل آنّا حاصل نمی شود، بلکه همچنان که با عزم راسخ به مطالعه و خدمت می پردازیم در طول زمان متحقّق می شود. با این حال هرگز نباید اهمّیت قبول حضرت بهاءالله را برای این فرایند تحوّل دست کم بگیریم. عرفان شمس حقیقت و پذیرفتن روشنایی آن در قلب، مهم ترین گام منحصر به فردی است که شخص می تواند در زندگی خود بردارد. با تأمل بر تحوّل که بعد از عرفان حضرت بهاءالله ایجاد می شود، بهتر قادریم درک کنیم که چگونه می توان به دیگران کمک کرد تا این گام حیاتی را بردارند. آیا می توانید در مورد بعضی از تغییرات ناشی از هر یک از موارد ذیل که در زمان پذیرفتن حضرت بهاءالله و اقدام بر اساس تعالیم ایشان در ما ایجاد می شود یک یا دو جمله بنویسید؟

۱. قلوب ما: _____

۲. اذهان ما: _____

۳. افکار ما: _____

۴. شخصیت ما: _____

۵. روابط ما با سایر انسان‌ها: _____

۶. اهداف ما در زندگی: _____

۷. دیدگاه ما نسبت به جهان: _____

بخش نوزدهم

هنگام تأمل برپویایی تواندهی روحانی در کتاب پنج روحی، به اختصار به موضوع قدرت اشاره کردیم. این مضمون سزاوار تأمل بیشتر در بستر بحث فعلی ماست. در عالم فیزیکی، تغییر به وسیلهٔ توان و به کارگیری قدرت ایجاد می‌شود. برای حرکت از یک نقطه به نقطهٔ دیگر، برای رشد و نمو گیاه، برای اینکه چراغ تاریکی را به روشنایی تبدیل کند، برای جریان یافتن آب در رودخانه، برای جزر و مد، توان ضروری است، و در موارد مذکور، این قدرت از عضلات انسان، از خورشید، از برق و از نیروی جاذبه تأمین می‌شود. حال مهم است پرسیم چه توان و قدرتی عامل تحوّل است که در بخش قبل شرح داده شد؟ طرح این سؤال چنان برای درک ما از ماهیت روحانی تبلیغ نقش محوری دارد که ادامهٔ واحد اول را به یافتن پاسخ‌هایی برای آن اختصاص خواهیم داد. برای شروع، به نظر شما کدامیک از قدرت‌های زیر در تحوّل روحانی فرد و اجتماع مؤثرند:

_____ قدرت دعا

_____ قدرت اعمال طيّبه طاهره

_____ قدرت کلمه الله

_____ قدرت عدالت

_____ قدرت شمشیر

_____ قدرت وحدت

_____ قدرت حقیقت

_____ قدرت نمونه و الگو

_____ قدرت لسان شفقت

_____ قدرت استدلال قانع‌کننده

_____ قدرت پول

_____ قدرت حسن اخلاق

_____ قدرت عهد و میثاق

_____ قدرت سلطهٔ سیاسی

_____ قدرت اعتراض

_____ قدرت عشق

_____ قدرت ترغیب

_____ قدرت ایمان

_____ قدرت افکار سازنده و خالص

_____ قدرت اسلحه

_____ قدرت دانش حقیقی

_____ قدرت عقل

_____ قدرت ارعاب و تهدید

_____ قدرت خدمت خاضعانه به امر الهی

بخش بیستم

از میان تمام قدرت‌هایی که به تحوّل روحانی منجر می‌شوند، یک قدرت را می‌توان بی‌همتا شمرد و نیروی بنیادینی قلمداد کرد که در پس همهٔ قدرت‌های دیگر است. آن قدرت کدام است؟

انسان‌ها طیّ قرون متمادی به وجود ماده‌ای معتقد بودند که مس یا اساساً هر عنصری را به طلا تبدیل می‌کند و آن را «اکسیر» می‌نامیدند. این فرایند که بسیاری در جستجویش بودند ولی آن را نیافتند «تبدیل عناصر» نامیده می‌شود. حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود از این استعاره برای بیان یک حقیقت بسیار عمیق روحانی استفاده می‌فرمایند:

«قوّه و بنیة ایمان در اقطار عالم ضعیف شده دریاق اعظم لازم سواد نحاس امم را اخذ نموده اکسیر اعظم باید یا حکیم آيا اکیلل غلبه دارای آن قدرت بوده که اجزای مختلفه در شیئی واحد را تبدیل نماید و به مقام ذهب ابریز رساند اگر چه تبدیل آن صعب و مشکل به

نظر می‌آید و لکن تبدیل قوّه ناسوتی به قوّه ملکوتی ممکن نزد این مظلوم آنچه این قوّه را تبدیل نماید اعظم از اکسیر است این مقام و این قدرت مخصوص است به کلمه الله.»^{۱۶}

حال که این بیان را مطالعه کرده‌اید، به نظر شما کدام قدرت بی‌همتاست و نیروی بنیادینی در

پس همه قدرت‌های دیگر است؟

این قوّه قادر به چه عملی است؟

بخش بیست و یکم

در بیان فوق متذکّر شدیم که تبدیل یک عنصر به طلای خالص هر قدر هم دشوار باشد، تغییر قوّه شیطانی به قوّه ملکوتی یقیناً مشکل‌تراست. و لکن فقط و فقط کلمه الله می‌تواند این تحوّل اساسی را ایجاد نماید. اما «کلمه الله» که قادر است به چنین دستاورد حیرت‌انگیزی نائل شود چیست؟ حضرت بهاء الله می‌فرماید:

«ثمّ اعلم انّ كلام الله عزّ وجلّ اعلى و اجلّ من ان يكون ممّا تدركه الحواس لانه ليس بطبيعة ولا بجوهر قد كان مقدّساً عن العناصر المعروفة و الاسطقسات العوالى المذكورة و انه ظهر من غير لفظ و صوت و هو امر الله المهيمن على العالمين انه ما انقطع عن العالم و هو الفيض الاعظم الذى كان علّة الفيوضات و هو الكون المقدّس عمّا كان و ما يكون.»^{۱۷}

مضمون: بدان که کلام خداوند عز و جل بلندمرتبه‌تر و بالاتر از آن است که حواس آن را درک کند. زیرا نه طبیعت است و نه جوهر و از تمام مواد شناخته شده مقدّس است و از عناصر عالیّه ذکر شده منزّه. کلمه الله بی هیچ لفظ و صوتی ظاهر گشته و چیزی نیست جز امر خداوند، امری که مهیمن بر همه عالمیان است. کلمه الله هرگز از عالم وجود منقطع نمی‌شود، زیرا فیض اعظم خداوند است که سبب و علّت ظهور همه فیوضات است و همان هستی است که از تمام هستی‌های عالم، یعنی از آنچه بوده و هست مقدّس و مبراّست.

۱. کلمه الله _____ و _____ از آن است که حواس آن را درک کند.

۲. کلمهٔ الله نه _____ است و نه _____.
۳. کلمهٔ الله از تمام _____ مقدّس است.
۴. کلمهٔ الله از _____ منزه است.
۵. کلمهٔ الله بی هیچ _____ و _____ ظاهر می‌شود.
۶. کلمهٔ الله عبارت از _____ خداوند است.
۷. کلمهٔ الله عبارت از امر خداوند است، امری که _____ است.
۸. کلمهٔ الله هرگز _____.
۹. کلمهٔ الله _____ خداوند است که سبب و علّت _____ است.
۱۰. کلمهٔ الله همان هستی است که از تمام _____ یعنی از آنچه _____ و _____، _____ و _____ است.

بخش بیست و دوم

تصویر دیگری که بارقه‌ای از قدرت کلمهٔ الله را مقابل چشمان ما قرار می‌دهد، پیوستن حرف کاف و نون است. در آثار بهائی می‌خوانیم که خداوند با اتّصال دو حرف کاف و نون فرمان «کُن» (یعنی باش) را صادر نمود. بدین ترتیب عالم هستی به وجود آمد. در مناجاتی نازله از قلم حضرت بهاءالله، ایشان به خداوند، خالق ما، چنین اشاره می‌فرمایند:

«الَّذِي بِإِشَارَةٍ مِنْ أَصْبَعِهِ خَلَقْتَ الْأَسْمَاءَ وَمُلْكُوتَهَا وَالصِّفَاتَ وَجَبْرُوتَهَا وَبِإِشَارَةِ أُخْرَى رَكِبْتَ الْكَافَ بِالنُّونِ وَظَهَرَ مِنْهَا مَا عَجَزَ عَنْ عِرْفَانِهِ أَعْلَى أَفْتَدِهِ الْمُقَرَّبِينَ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَ أَبْهَى مَشَاعِرِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ أَوْدَائِكَ»^{۱۸}

مضمون: کسی که با اشاره‌ای از انگشتش اسماء و ملکوتشان و صفات و جبروتشان آفریده شد و با اشاره‌ای دیگر حرف کاف به حرف نون پیوند خورد و آنچه را که قلوب برگزیدگان مقرب در اعلی مقام خود و عقول اولیای مخلص در اعظم جلوه خود از فهم آن عاجز بودند ظاهر گردید.

حضرت بهاءالله در لوحی دیگر می‌فرماید:

«لَا بَدْ لِكُلِّ امْرٍ مِنْ مَبْدَأٍ وَ لِكُلِّ بِنَاءٍ مِنْ بَنٍ وَ اِنَّ هَذِهِ الْعِلَّةَ الَّتِي سَبَقَتْ الْكُونَ الْمَزَيْنَ بِالطَّرَازِ الْقَدِيمِ مَعَ تَجَدُّدِهِ وَ حَدُوثِهِ فِي كُلِّ حِينٍ تَعَالَى الْحَكِيمُ الَّذِي خَلَقَ هَذَا الْبِنَاءَ الْكَرِيمَ.»^{۱۹}

مضمون: هر چیزی به ناچار مبدئی دارد و هر ساختمانی سازنده‌ای. این است آن ایجاد کننده جهانی که با وجود احیاء و بازآفریده شدن در هر آن، به طراز قدیم مزین است. متعالی است حکیمی که این بنای زیبا را آفریده است.

بخش بیست و سوم

اکنون می‌دانیم که کلام الهی حکم مهیمن و فیض اعظم است و از حروف و اصوات صرف ساخته نشده. با این حال، کلماتی وجود دارند که می‌توانیم بخوانیم و بشنویم که حامل قوه کلمه الله هستند، یعنی همان کلماتی که مظهر ظهور بیان کرده است. این کلمات دارای قدرت خلق، احیاء و تحوّل هستند و به همین علّت «کلمه خلاقه» نامیده می‌شوند. حضرت بهاءالله می‌فرماید:

«كَلِّمًا يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ اِنَّهُ لَمَحِيٍّ الْاَبْدَانِ لَوْ اَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ ...»^{۲۰}

مضمون: هر کلمه‌ای که از دهان او (فم الهی) خارج می‌شود به بدن‌ها جان تازه می‌بخشد، اگر از عارفین باشید.

«ای حبیب من کلمه الهی سلطان کلمات است و نفوذ آن لاتحصی. حضرت موجود می‌فرماید: عالم را کلمه مسخر نموده و می‌نماید اوست مفتاح اعظم در عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح.»^{۲۱}

«قلب عالم از کلمه الهیه مشتعل است حیف است به این نار مشتعل نشوید.»^{۲۲}

سؤالات ذیل به نصوص این بخش و بخش های قبل اشاره دارد. گرچه برخی از سؤالات را می توان با «بله» یا «خیر» پاسخ داد اما تکمیل تمرین به درک شما از مفهوم قوّه کلمه الله وضوح می بخشد.

۱. آیا کلمه الله از حروف و اصوات ساخته شده است؟

۲. آیا کلمه الله از جوهر معلومی ساخته شده است؟

۳. آیا می توانیم کلمه الله را با حواس خود درک کنیم؟

۴. کلمه الله چیست؟
الف. چیزی نیست جز _____
ب. کلمه الله هرگز از عالم وجود منقطع نشده، زیرا _____
۵. معنی اینکه اوامر الهی مهیمن بر همه عالمیان است چیست؟

۶. اگر فرمان خلقت خداوند نبود آیا چیزی در عالم هستی، امکان وجود می یافت؟

۷. اینکه فیض الهی اعظم است به چه معناست؟

۸. اگر فیض الهی از جهان هستی منقطع شود، چه خواهد شد؟

۹. از آنجا که کلام الهی با حواس و قوای فیزیکی درک نمی‌شود، چطور می‌توان به وجودش آگاهی یافت؟

۱۰. چه کسی «فمّ الهی» است که خداوند از طریق او سخن می‌گوید؟

۱۱. به هر کلمه‌ای که مظهر ظهور الهی بیان می‌کند چه قدرتی داده شده است؟

۱۲. برخی از ویژگی‌هایی که انسان پس از آنکه به واسطه کلمه الله «جان تازه» یافت کسب می‌کند چه هستند؟

۱۳. عظمت نفوذ کلمه الله تا چه اندازه است؟

۱۴. مفتاح اعظم در عالم چیست؟

۱۵. کلمه الله با قلوب انسان‌ها چه می‌کند؟

۱۶. چه چیز قلب عالم را مشتعل کرده است؟

۱۷. با چه ناری باید مشتعل شویم؟

حال نصّ زیر را از بر نمایید:

«امروز روز بیان است باید اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیه به نفحات کلمه الهیه اجساد را به ارواح تازه زنده نمایند.»^{۲۳}

بخش بیست و چهارم

اجازه دهید رابطه بین بعضی از ایده‌هایی را که در بخش‌های گذشته بحث کردیم، مورد بررسی قرار دهیم. حضرت بهاءالله ما را فرامی‌خوانند تا درهای مدینه قلوب را با کلید بیان بگشاییم. هنگامی که درهای این شهر باز شوند و قلب به ظهور او متصل گردد، تحوّل شگفت‌انگیزی آغاز می‌شود. در میان قدرت‌هایی که این تغییر و تبدیل را به پیش می‌رانند، قدرت کلمه‌الله که با کلمات مظهر ظهور بیان می‌شود حیاتی‌ترین است. پس آیا این بدان معناست که برای تبلیغ بهتر است از کلام خودمان استفاده نکنیم و فقط عباراتی از آثار حضرت بهاءالله را برای دیگران قرائت کنیم؟

هنگام پاسخ به این پرسش، رفتار بعضی از پیروان متعصب ادیان قبل را به خود یادآوری کنید که همیشه نسخه‌ای از یک کتاب مقدّس را با خود حمل و مرتّب با آن مردم را موعظه می‌کنند. مطمئناً نمی‌خواهیم چنین رویکردی اتخاذ کنیم. در مطالعه کتاب دوروحی تشویق شدید تا برای توضیح تعالیم و اصول امر به دنبال اعتدالی میان نقل مستقیم نصوص و استفاده از کلمات خودتان باشید. بدون شک از آن زمان این قابلیت از طریق خدماتی که در محله یا دهکده‌تان انجام داده‌اید افزایش یافته است. نصیحت زیر از حضرت بهاءالله را بخوانید و یک بار دیگر در باره این موضوع تأمل کنید که چگونه باید یاد بگیریم در مجهودات تبلیغی مان از قوه کلمه‌الله استفاده کنیم:

«باید نفوس مقدّسه تفکر و تدبّر نمایند در کیفیت تبلیغ و از کتب بدیعه الهیه در هر مقام آیاتی و کلماتی حفظ نمایند تا در حین بیان در هر مقام که اقتضا نماید به آیات الهی ناطق شوند چه که اوست اکسیر اعظم و طلسم اکبر افخم بشأنیکه سامع را مجال توقّف نماند.»^{۲۴}

۱. حضرت بهاءالله به ما می‌فرمایند که باید _____ و _____ د _____ نمایم.
۲. باید از کتب بدیعه الهیه در هر مقام _____ و _____ نمایم.
۳. باید قسمت‌هایی از کتب الهی را حفظ کنیم تا در _____ در هر _____ که _____ نمایم به آیات الهی _____ شویم.

۴. باید در هر مقام که اقتضا نماید به آیات الهی ناطق شویم چه که اوست
_____ و _____.

۵. باید به آیات الهی ناطق شویم به شأنی که _____ را مجال _____ نماند.

بخش بیست و پنجم

حضرت بهاءالله می‌فرمایند که باید آیات و کلماتی از آثار مقدّسه را حفظ کنیم تا در فرصت مناسب در صحبت‌مان از آنها استفاده نماییم. واضح است که این موضوع در وهلهٔ اول شامل آثار خود آن حضرت می‌باشد، چه که ایشان مظهر ظهور الهی برای این زمانند و لذا بیانات آن حضرت مانند تمام مظاهر ظهور گذشته، مانند حضرت باب، کلمهٔ خلافة الهی است.

اما در مورد کلمات حضرت عبداله‌بهاء چطور؟ در گروه خود در مورد قدرت کلام ایشان بر شنونده تأمل کنید. برای مثال به تأثیر کلام ایشان بر قلبتان هنگام مطالعهٔ کتاب‌های قبلی تسلسل اصلی فکر کنید. ممکن است بصیرت‌های به دست آمده از مطالب واحد دوم کتاب دوروحی را به خاطر داشته باشید که بر اساس خطابات و الواح ایشان به شما در پرورش قابلیت‌های لازم برای پرداختن به گفتگوهای پرمعنا و تعالی بخش کمک کرده‌اند. گرچه ممکن است آثار آن حضرت آیات نازلۀ الهی محسوب نشود، اما جایگاه خاص خود را دارد. قدرت کلام ایشان از کجاست؟ آیا مطلوب نیست که بیانات آن حضرت را در مکالمات خویش بگنجانیم، به همان شکلی که نصوصی از آثار حضرت بهاءالله را نقل می‌کنیم؟

اکنون همین سؤالات را در رابطه با آثار حضرت ولی امرالله بررسی کنید و برای مثال، بیندیشید که چطور نصوص نقل شده در کتاب‌های قبلی افکار شما در بارهٔ موضوعات گوناگون را روشن کرده‌اند. سپس همین بحث را در رابطه با هدايات بیت العدل اعظم انجام دهید.

بخش بیست و ششم

اهمّیت حفظ بیانات مبارکه در تبلیغ امر را بررسی کردیم. با این حال، این موضوع را نیز می‌دانیم که هنگام در میان گذاشتن تعالیم حضرت بهاءالله، باید از کلام خودمان نیز استفاده کنیم و نمی‌توان صرفاً نصوص مختلف از آثار مقدّسه را یکی پس از دیگری برای مردم نقل کرد. نصوص باید در خلال گفتگوها و بحث‌های ما به طور طبیعی گنجانده شوند. مسئله اینجاست که: چطور می‌توانیم مطمئن شویم که کلام ما بر قلوب کسانی که با آنها گفتگو می‌کنیم تأثیر می‌گذارد و به آنان کمک می‌کند تا به حضرت بهاءالله نزدیک‌تر و به ساحل بحر ظهور ایشان واصل شوند؟

به روشنی جواب این است که گرچه ما می‌توانیم از کلام خود استفاده کنیم ولی باید هر چه می‌گوییم کاملاً با تعالیم مبارکه سازگار باشد. قرار نیست نظریه‌های شخصی ما ارائه شود، بلکه پیام مقدّس حضرت بهاءالله است که باید به خالص‌ترین وجه ممکن بیان کنیم. لازمه این امر، البته غوطه‌ور شدن در آثار و تزئید معلومات و فهم ما از امر مبارک به طور دائم است. حضرت ولی امرالله در این رابطه می‌فرمایند:

«مطمئنأً بهترین طریقه تبلیغ اینست که افکار خود را با استناد مستمر به نفس بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء مبرهن نمایید. این باعث خواهد شد که امرالله از تفسیر اشتباه افراد محفوظ ماند. چون هر چه در این آیات الهی است حقیقت است و لهذا باید مرجع مستند مطالب ما باشد.»

«ولکن منظور این نیست که آزادی ما در بیان محدود است. ما همیشه می‌توانیم راه‌های جدیدی برای رسیدن به فهم آن حقیقت پیدا کنیم و یا توضیح دهیم که چطور آن حقیقت در حیات و زندگی ما تأثیر می‌گذارد. هر چه مطالعه ما عمیق‌تر باشد، درک ما از اهمّیت و تأثیر تعالیم بیشتر خواهد بود.»^{۲۵} (ترجمه)

«تعمّق در امرالله یعنی آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را چنان جامع و کامل بخوانیم که بتوانیم آن را به دیگران در شکل خالص خود ارائه دهیم. افراد زیادی هستند که عقاید سطحی در باره مقصود از امر الهی دارند و لذا آن را در کنار همه نوع افکار دیگر که

«از خود آنهاست ارائه می‌کنند. از آنجا که امرالله در بدایت ایّامش است باید خیلی مواظب باشیم که دچار این خطا نشویم و به نهضتی که اینقدر می‌ستاییم آسیب نرسانیم.

مطالعه امر مبارک حدّی ندارد. هرچه آیات الهیه را بیشتر بخوانیم حقایق بیشتری در آن کشف خواهیم کرد و بیشتر متوجّه خواهیم شد که تصوّرات قبلی ما اشتباه بوده است.»^{۲۶}
(ترجمه)

حال عبارات زیر را بخوانید و مشخص کنید کدام صحیح و کدام اشتباه است. تنها به جواب صحیح و غلط قانع نشوید. تسلسل افکار به شما کمک خواهد کرد تا در باره اهمّیت مطالعه سیستماتیک آثار تفکر کنید.

_____ مطالعه آثار فقط خاصّ افرادی است که تحصیلات عالی دارند. برای بقیه توضیح ایده‌های اوّل به زبان ساده کفایت می‌کند.

_____ همه ما باید آثار امری را مطالعه کنیم. حتّی افرادی که این عادت را ندارند، با کمک دیگران می‌توانند هر بار یک قسمت از آثار را مطالعه کنند.

_____ همان‌گونه که آثار را مطالعه می‌کنیم و فهم و درک عمیق‌تری از امر کسب می‌کنیم، می‌توانیم حقایق مندمج در ظهور حضرت بهاءالله را با وفاداری بیشتری بیان نماییم و بدین ترتیب کلام ما تأثیر بیشتری بر شنونده خواهند داشت.

_____ اگر هنگام تبلیغ کوشش کنیم به آثار مبارکه وفادار باشیم، آزادی فکر و بیان خود را محدود کرده‌ایم.

_____ اگر هنگام تبلیغ به آثار مبارکه وفادار باشیم، سطح فکرمان ارتقاء پیدا می‌کند؛ دیگر بنده عقاید دیگران و محدود به تنگ نظری نخواهیم بود.

_____ اگر هنگام تبلیغ به آثار مبارکه وفادار باشیم، از آنها الهام خواهیم گرفت و بصیرت‌ها و پاسخ‌هایی به ذهن ما می‌رسد که تا آن زمان به فکرمان نرسیده بود.

_____ اگر یک بار کتاب یا لوح نازله از قلم یکی از طلعات مقدّسه را بخوانیم، خواندن دوباره آن لزومی ندارد.

_____ نصوص مبارکه را هر چند بار هم که خوانده باشیم، با مطالعه مجدد آن معنا و بصیرت جدید می‌یابیم.

_____ هدف از مطالعه آثار امری تنها جمع‌آوری زیاد اطلاعات امری نیست. آنچه مهم است، میزان تعمّق در آثار و تلاش برای فهم معانی نهفته در آنهاست.

_____ هنگام تبلیغ نباید حقایق گردآوری شده از آثار مبارکه را با آمیختن با انواع افکار سطحی که برای دوران کوتاهی رواج یافته‌اند مخدوش کنیم.

_____ وقتی بصیرت‌هایی از تعالیم را در گفتگوی غیررسمی می‌گنجانیم یا موضوعی با اهمّیت روحانی را در ملاقات خانگی با دوست یا همسایه مطالعه می‌کنیم، تنها فرد مقابل از جواهر حکمت موجود در اقیانوس ظهور حضرت بهاءالله بهره نمی‌برد. ما نیز فهم خود را از حقایق عمیقی که در آثار آن حضرت مندمج هستند عمیق‌تر می‌سازیم.

_____ با پیشروی در دوره‌های مؤسّسه آموزشی و انجام خدمات مربوطه، هم‌زمان با پرورش قابلیت‌مان برای خدمت به جامعه مرتّباً دانش خود از امر مبارک را عمیق‌تر می‌سازیم.

بخش بیست و هفتم

کلمات ما می‌توانند حامل قدرتی عظیم باشند، بدان شرط که بکوشیم آنها را با تعالیم حضرت بهاءالله، آنگونه که حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تبیین کرده‌اند، و نیز با هدایاتی که از بیت العدل اعظم دریافت می‌کنیم، تطابق دهیم. اگر واقعاً یاد بگیریم که نصوص فراگرفته از آثار مبارکه را به شکلی طبیعی و حکمت‌آمیز در خلال گفته‌های خود بگنجانیم، قدرت کلمات ما می‌تواند به مراتب بیشتر شود. اما اگر قرار باشد کلمات ما قلوب کسانی که با آنها گفتگو می‌کنیم را تحت تأثیر قرار دهد، باید شرایط دیگری را نیز داشته باشد. به ویژه کلام ما باید حامل نیروی عشق

باشد، عشقی که حقیقتاً احساس شود، نه اینکه صرفاً ظاهری باشد. حضرت عبدالبهاء دریکی از خطابات خود می‌فرمایند:

«اگر شما را دوست داشته باشم لازم نیست دائم راجع به محبتّم صحبت کنم، حتّی اگر کلامی نگویم، می‌دانید که دوستان دارم. و از طرفی دیگر اگر شما را دوست نداشته باشم، آن را هم می‌دانید، حتّی اگر با هزاران کلمه بگویم دوستان دارم، باور نخواهید کرد.»^{۲۷} (ترجمه)

عشق تنها یک اصل انتزاعی نیست که فقط در باره‌اش صحبت شود. عشق یک واقعیت است و وقتی فردی حقیقتاً دیگری را دوست داشته باشد، پیوندی بین قلوبشان ایجاد می‌شود و از این طریق احساسات شریف و افکار متعالی جریان می‌یابد. روح یک فرد سبب تعالی و ترقّی روح دیگری می‌شود و قلوب هر دو سرشار از فرح و سرور می‌گردد.

میرزا ابوالفضائل، بهائی مخلصی که بسیار مورد اطمینان حضرت عبدالبهاء بود، یک بار مفهوم عشق به عالم انسانی را در جمعی از احباء تجزیه و تحلیل کرد. میرزا ابوالفضائل توضیح داد که خیلی راحت است که هر کدام از ما در خانه راحت کنار باغچه‌ای زیبا بنشینیم و ادّعا کنیم که «من بشریت را دوست دارم». اما همانطور که میرزا ابوالفضائل اشاره کرد، عشق وقتی حقیقت می‌یابد که مورد امتحان قرار گیرد. تنها زمانی که بارها در نبردگاه عشق زورآزمایی کرده و در راه عشق زخمی شده باشیم می‌توانیم جمله «من عاشق هستم» را با اعتبار و اطمینان بر زبان آوریم. کسی که ادّعا می‌کند عشقی در قلبش دارد باید خودش را امتحان کند و ببیند آیا دارای تمام شرایط عشق حقیقی می‌باشد؟

بعضی از این شرایط چیست؟ روشن است که شامل صمیمیت، صداقت، سخاوت، آزاد اندیشی و امانت است. بی‌درنگ می‌توانید ببینید که همه اینها لازمه وجود عشق است. عشقی که با صمیمیت همراه نباشد آیا چیزی جز ریا خواهد بود؟ عشقی که تحت تسلط حسادت و کنترل‌گری باشد و نه توأم با خوش‌قلبی و سخاوت، چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ چه نوع عشقی به جای گذشت با انتقام سر یاری دارد؟ اگر صادق نباشیم چطور کسی می‌تواند به عشق ما اعتماد کند؟

حال با این درک و فهم از عشق، بیایید توجّه خود را به پویایی تبلیغ معطوف کنیم. هنگامی که امر الهی را تبلیغ می‌نمایید با یک انسان دیگر ارتباط برقرار می‌کنید. این تبلیغ به طور انتزاعی اتفاق نمی‌افتد. به احساسات خود نسبت به کسانی که دوستشان دارید فکر کنید: یک دوست عزیز، مادرتان،

پدرتان، خواهرها و برادرهایتان، همسران و فرزندان. این احساسات کاملاً واقعی هستند. البته غیرمنطقی است اگر باور داشته باشیم که می‌توانیم بیگانه‌ای را به اندازه نزدیکانمان دوست داشته باشیم. اما درک این موضوع ضروری است که ما با تبلیغ عشقمان به جامعه بشری را ابراز می‌کنیم، عشقی که خود باید به شکل عشق واقعی ما نسبت به یکایک اعضای نوع بشر آشکار شود. کافی نیست که فقط عشقی انتزاعی به یک تصویر ایده‌آل انتزاعی از بشریت داشته باشیم.

سؤال مهمی که باید در این مورد پرسید اینست: به چه علت ممکن است فردی را، حتی یک بیگانه، که دست کم تا حدّ گوش دادن، به پیام حضرت بهاءالله جذب شده است دوست نداشته باشیم؟ هنگام تأمل بر این پرسش، به حضرت عبدالبهاء و عشق ایشان به بشریت بیندیشید. آیا ایشان عشق و محبت خود را نثار هر فرد انسانی که با ایشان در تماس بود نمی‌کردند؟

برای افزایش درک خود از نیروی عشق در تبلیغ امر الهی، مشخص کنید که آیا عبارات ذیل صحیح هستند یا اشتباه:

_____ حرف، حرف است. چه در زمان گفتنش عشق در قلب داشته باشید و چه نه، اثرش یکی است.

_____ زمانی که کلمات با عشق بیان شود اثر عمیق‌تری بر شنونده می‌گذارد.

_____ ما فقط کسی که می‌شناسیم را می‌توانیم دوست بداریم، مانند پدر یا مادر و یا یک دوست صمیمی.

_____ دوست داشتن فردی که به خوبی نمی‌شناسیم امکان‌پذیر است.

_____ عشق و محبت نشان دادن به هر انسانی غیرممکن است مگر اینکه قدّیس باشید.

_____ عشق به بشریت یعنی دوست داشتن همه افراد بشر به یک اندازه.

_____ اینکه فردی که نمی‌شناسید، وقت صرف می‌کند و با شما درباره امر گفتگو می‌کند، به خودی خود در قلب شما عشقی نسبت به او ایجاد می‌کند.

_____ جمله «من بشریت را دوست دارم اما تمایل ندارم کسی را تبلیغ کنم و مواهب عظیم ناشی از شناسایی حضرت بهاءالله، یعنی مظهر ظهور الهی زمان را با او به اشتراک گذارم» تناقض دارد.

_____ اگر به تبلیغ امرالله نمی‌پردازیم، به جهت آنست که عشق کافی به بشریت نداریم.

_____ چنین نیست که علت اینکه بعضی به تبلیغ امر الهی نمی‌پردازند، بشریت را دوست ندارند. شاید موانع دیگری مانند ترس، عدم اعتماد به نفس و یا خجالت، فردی که عاشق بشریت است را از تبلیغ بازدارد.

_____ فقط باید دوستان خود را تبلیغ کنیم، نه کسانی که نمی‌شناسیم.

_____ باید همه افرادی را که تبلیغ می‌کنیم دوست داشته باشیم.

_____ اگر احساس کنیم که عالم انسانی را به حدّ کافی دوست نداریم نباید تبلیغ کنیم.

_____ عمل تبلیغ عشق ما را به هموعان افزایش می‌دهد. بنا بر این نباید عدم عشق کافی را بهانه‌ای برای تبلیغ نکردن قرار داد.

_____ عشق ما به خداوند است که ما را وادار به انجام وظیفه مقدّس تبلیغ می‌کند، و عشق ما به او، عشق به بشریت را نیز در قلبمان ایجاد می‌کند.

بخش بیست و هفتم

گفتیم که هنگام تبلیغ عشق خود به عالم بشری را به صورت عشق به یک یا چند نفر از اعضای آن بیان می‌کنیم. نیروی عشق وقتی ظاهر می‌شود که به سوی چیزی یا فردی هدایت شود. ولی باید به خاطر داشته باشیم که خود عشق محدود نیست. عشق، نامحدود، بدون مرز و بی‌منتهاست. اگر انگیزه‌های تنگ‌نظرانه و محدودکننده، عشق بی‌منتها را محدود کنند، عشق نمی‌تواند به اندازه کافی ابراز شود. حضرت عبداله‌اء در باره عشق ما به دیگران می‌فرمایند: «بگذار محبت تو آکنده از پرتوی از عشق بی‌منتی باشد، بگذار مرتبط با خدا و برای خدا باشد». عشق به خدا «مقدّس از اوهام و

افکار ناس» است. حضرت عبدالبهاء می فرمایند ما باید «هر انسانی» را که ملاقات می کنیم «در پرتو محبت بی حدّ و حصر قرار دهیم». بیایید نصّ زیر را از بر کنیم:

«ای شعله محبت الله، اشعه باید نور دهد، شمس باید طلوع کند، ماه کامل باید بتابد و ستاره باید بدرخشد. چون تو اشعه هستی، از خدا بخواه که نور و روشنی بخشی و آفاق را نورانی کنی و عالم را به نار محبت الله بسوزی. امیدوارم به این مقام اعلی و افضل از آن فائز شوی.»^{۲۸} (ترجمه)

بخش بیست و نهم

در پایان این واحد، باید یک حقیقت مهم را که در زندگی فراگرفته ایم به خاطر داشته باشیم: اینکه هیچ موقّیّتی بدون تأیید الهی حاصل نمی شود. هنگامی که امرالله را تبلیغ می کنیم باید به تأیید الهی آگاه باشیم و از جنود ملاً اعلی طلب قدرت کنیم. ذیلاً تنها به چند نمونه از بیانات متعدّد مرتبط با این موضوع در آثار اشاره می کنیم. فرصت خوبی است که اگر تا به حال این نصوص را از بر نکرده اید، آنها را حفظ نمایید.

«تالله الحقّ من یفتح الیوم شفتاه فی ذکر اسم ربّه لینزل علیه جنود الوحی عن مشرق اسمی الحکیم العلیم و ینزلنّ علیه اهل ملاً الأعلی بصحاف من النور و کذلک قدر فی جبروت الأمر من لدن عزیز قدیر.»^{۲۹}

مضمون: قسم به خدا کسی که امروز به ذکر نام پروردگار خویش لب بگشاید، لشکریان وحی بر او نازل خواهد شد و اهل ملاً اعلی با صحیفه هایی از نور بر او نازل می شوند. چنین است تقدیر الهی در عالم جبروت.

«انه ینصر من نصره و یدکر من ذکره یشهد بذلک هذا اللوح الذی لاح من أفق عنایة ربکم العزیز الجبار.»^{۳۰}

مضمون: او یاری می نماید هر که او را یاری نماید و یاد می کند هر کس که او را یاد کند. گواه این امر همین لوح مبارکی است که از افق عنایت پروردگار عزیز ظاهر گشته.

«بگو ای اهل بهاء مبدا سطوت اقویا قوّت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد بحق توکل کنید و امور را بحفظ او سپارید. خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت آنّه هوالمقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام القدرة و الاقتدار.»^{۳۱}

مضمون قسمت عربی: همانا او بر آنچه می خواهد تواناست و زمام قدرت و اقتدار در قبضه اوست.

«فوالله الذی لا اله الاّ هو لو یقوم احد منکم علی نصره امرنا لیغلبه الله علی مائة الف و لو ازداد فی حبه لیغلبه الله علی من فی السموات و الارض کذلک نفخنا روح القدرة فی کلّ الاشطار.»^{۳۲}

مضمون: قسم به خدا اگر یکی از شما به یاری امر ما به پا خیزد، خداوند او را بر صد هزار نفر غلبه خواهد داد و اگر بر محبت خود بیفزاید، خداوند او را بر کلّ اهل آسمان ها و زمین غالب خواهد نمود.

«سیؤیدکم بجنود لم تروها و ینجدکم بجیوش الالهام من الملاء الاعلی و یرسل الیکم نفحات جنّته العلیا و یعطر مشامکم بانفاس طیب تعبق من ریاض الملاء الاعلی و ینفخ فی قلبکم روح الحیات و یدخلکم سفینه النّجات و یریکم آیاته البینات انّ هذا لهو الفضل العظیم انّ هذا لهو الفوز المبین.»^{۳۳}

مضمون: به زودی خداوند با لشگریانی که دیده نمی شوند شما را کمک می نماید و با سپاه ملاء اعلی شما را پیروز می کند. بوی خوش بهشت را بر شما می فرستد و مشامتان را با نسیم های خوشبویی که از گلستان ملاء اعلی می وزد معطر می کند، در دل هایتان روح حیات می دمد و شما را در کشتی نجات داخل می کند و آیات بیناتش را به شما نشان می دهد. به راستی که این همان سعادت آشکار است.

«ای بندگان آستان مقدّس، جنود ملاء اعلی در اوج علا صف بسته و مهیا و منتظر و مترصد مرد میدان و فارس عرفان که بمحض جولان نصرت نمایند و تأیید کنند و قوّت الظّهر گردند.

پس خوشا بحال فارسی که اسب جولان دهد و طوبی از برای دلیری که بقوّت عرفان در
میدان برهان بتازد و صفِ جَهل بدرد و سپاه ضلالت شکست دهد و عَلمِ هُدی بلند کند و
کوسِ غلبه بنوازد تالله الحقّ انه لفی فوز عظیم و ظفر مُبین»^{۳۴}

مضمون قسمت عربی: به خدا سوگند به پیروزی بزرگ و آشکار دست یافته است.

مراجع

۱. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شمارهٔ ۱۷۷، ص ۱۹۹.
۲. الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی).
۳. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شمارهٔ ۱۴۲، ص ۱۶۴.
۴. از رقیمة مورّخ ۲۷ مارچ ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی محلی (انگلیسی).
۵. الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی).
۶. از لوح سید مهدی دهجی، منتشر شده در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۱.
۷. نامهٔ مورّخ ۳۰ جون ۱۹۳۷ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند (انگلیسی، چاپ استرالیا).
۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شمارهٔ ۱۴۴، ص ۲۱.
۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شمارهٔ ۱۵۸، ص ۲۱۵.
۱۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شمارهٔ ۱۵۴، ص ۲۱۲.
۱۱. از لوح سید مهدی دهجی، منتشر شده در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۲.
۱۲. لوح حضرت عبدالبهاء (یادنامهٔ مصباح منیر ص ۱۹۴).
۱۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شمارهٔ ۱۱۵، ص ۱۵۵.
۱۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شمارهٔ ۱۳۹، ص ۱۵۵.

۱۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۹، ص ۱۸۰.
۱۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۹۹، ص ۱۳۱.
۱۷. از لوح حکمت، منتشر شده در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۸۳.
۱۸. المناجات، ص ۱۷۳.
۱۹. از لوح حکمت، منتشر شده در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۸۳.
۲۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۷۴، ص ۹۶.
۲۱. از لوح مقصود، منتشر شده در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷.
۲۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۴۷، ص ۲۳.
۲۳. حضرت بهاءالله، نقل شده توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۶۹.
۲۴. از لوح سید مهدی دهجی، منتشر شده در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۳.
۲۵. از رقیمة مورّخ ۱۶ فوریه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از یاران (انگلیسی).
۲۶. از رقیمة مورّخ ۲۵ اپریل ۱۹۲۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از یاران (انگلیسی).
۲۷. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۱-۱۹۱۲ (انگلیسی).
۲۸. لوحی به قلم حضرت عبدالبهاء (انگلیسی).
۲۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۹، ص ۱۷۹.
۳۰. حضرت بهاءالله، نقل شده توسط حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵۹.
۳۱. نصّ حضرت بهاءالله مذکور در کتاب ظهور عدل الهی، ص ۱۶۸ (چاپ امریکا).

۳۲. حضرت بهاءالله، نقل شده توسط حضرت ولی امرالله، دور بهائی، ص ۱۷.

۳۳. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شمارهٔ ۱۵۷، ص ۱۸۲.

۳۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۵۴.



صفات و منش‌های ضروری برای تبلیغ

هدف

تأمّل بر صفات و منش‌های لازم
برای تبلیغ مؤثر امرالله

بخش اوّل

با گام برداشتن در مسیر خدمتی که تسلسل دوره‌ها ترسیم می‌کنند، شما نه تنها دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را به دست آورده‌اید، بلکه بصیرت‌هایی در باره برخی صفات روحانی و منش‌های لازم برای پیشرفت مستمر را نیز کسب کرده‌اید. در دوره‌های قبل بر برخی از صفات و منش‌ها تأمل کردیم، اما در اینجا بر چند مورد مشخص که به عمل مقدّس تبلیغ مرتبطند تفکّر می‌کنیم. بدین منظور، همان‌گونه که در واحد اوّل تأکید شد، چیزی که هرگز نباید فراموش کنیم این است که «بودن» و «عمل کردن» دو بُعد مکمل و جدایی‌ناپذیر یک حیات روحانی هستند. تلاش‌های ما برای به کمال رساندن حالت درونی و پرورش صفات روحانی که برای حالت بودنمان ضروری‌اند، باید در میدان خدمت بروز یابد. باید به تبلیغ قیام کنیم و اطمینان داشته باشیم که در این حین، صفات روحانی ممیّزه این عمل مقدّس، در ما بیشتر تقویت می‌گردند. با در نظر داشتن این مطلب، صفاتی را فهرست کنید که اگر بنا باشد به ابزار هر چه مؤثرتری برای انتشار امر تبدیل شویم، باید تلاش کنیم تا هر چه بیشتر در ما ظاهر شود.

نصوص کوتاهی مربوط به چندین صفت روحانی در بخش‌های بعدی ارائه خواهد شد که بدون شک مواردی از آن را در بالا ذکر کرده‌اید. سوالات و تمرینات هر بخش به شما در بررسی این موضوع کمک می‌کند که چگونه پرورش یک صفت خاص اثربخشی شما در تبلیغ امر را افزایش می‌دهد. تذکّر به این نکته ضروری است که موضوع بحث ما دستیابی به کمال نیست، بلکه تلاش در جهت حرکت به سوی کمال است. برای مثال، در بخش بعدی در باره این موضوع تفکّر خواهیم کرد که چگونه افزایش پاکی قلب، تلاش را در میدان تبلیغ افزایش می‌دهد و به این معنا نیست که فردی تا جوهر پاکی نباشد نمی‌تواند تبلیغ کند. طبعاً آثار مقدّسه ما را به سوی کمال سوق می‌دهند، زیرا اگر از هدف اصلی آگاه نباشیم چگونه می‌توانیم برای رسیدن به آن جهد کنیم؟

بخش دوم

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواحشان که ما را به انتشار تعالیم فرامی خواند چنین می فرماید:

«مقصود این است که باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همّت بلند و در محبّت الله شعله افروخته باشد.»^۱

در لوحی دیگر چنین نصیحت می فرمایند:

«... از این جهان و جهانیان منزّه و مقدّس شوید. نیت را خیر نمایید و تعلق به این عالم را قطع کنید و چون جوهر روح لطیف و خفیف گردید و با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق به ترویج تعالیم الهی پردازید...»^۲

فکر می کنید چرا پاکی قلب و خلوص نیت برای امر تبلیغ تا این حد ضروری هستند؟ چه می شود اگر نیت ما خالص نباشد ولی به خوبی بتوانیم با تظاهر دیگران را متقاعد کنیم که نیتمان خالص است؟ بعضی از افکار ناخالص که در رابطه با تبلیغ به آسانی به ذهن می رسد احساس برتری، میل به شناخته شدن و جاه طلبی است. آیا می توانید توضیح دهید که چگونه هریک از موارد زیر بر عمل تبلیغ تأثیر می گذارد؟

۱. احساس برتری: _____

۲. میل به شناخته شدن: _____

بخش سوم

در توقیعی از جانب حضرت ولی امرالله نوشته شده است:

«حضرت عبدالبهاء به ما اطمینان داده‌اند که وقتی خود را فراموش می‌کنیم و با تمام قوا سعی می‌کنیم به خدمت و تبلیغ امرالله قیام کنیم، تأییدات الهی شامل حالمان می‌شود. این ما نیستیم که آن خدمت را انجام می‌دهیم بلکه ما وسیله‌ای هستیم که خداوند در آن زمان برای انجام اهداف تبلیغی خود استفاده نموده است.»^۳ (ترجمه)

در توقیعی دیگر چنین توضیح می‌فرمایند:

«فقط یک نفس بالغ با درک روحانی و آگاهی عمیق از امر می‌تواند یک کشور را مشتعل سازد. چقدر عظیم است قدرت امرالله که از طریق مجراهای پاک و خالص عمل می‌کند.»^۴ (ترجمه)

در تلاش برای همسو نمودن حیاطمان با روح تعالیم، همه ما نهایت سعی خود را به کار می‌بریم تا از نفس رهایی یابیم و از خود بگذریم. در مسیرمان به سوی ازخودگذشتگی باید درک کنیم که حتی با نیت خالص نیز ممکن است در دام خودمحوری افتاد. شاید یک نفر خالصانه به ترقی و رفاه دیگران علاقه داشته باشد اما در عین حال انگیزه‌ای که او را به پیش می‌راند آن باشد که خودش محور همه چیز قرار گیرد. فکر «من به دیگران کمک می‌کنم» فرد را در دامی می‌اندازد که به جای «دیگران» و یا عمل کمک کردن، بر «من» متمرکز می‌شود. تصوّر کنید با یکی از دوستان در باره امر صحبت می‌کنید. اگر هشیارانه در احتراز از خودمحوری کوشش کنید، یعنی از قرار دادن خود به عنوان محور همه چیز بپرهیزید، کدام گزاره‌های زیر بیانگر احساسات و افکار شما خواهد بود؟

_____ انشاءالله خداوند ابواب قلبش را بگشاید و او را به درک حقیقی فائز نماید.

_____ امیدوارم که نقایص من او را از شناخت حقیقت امرالله محروم نکند.

_____ تبلیغ احساس خوبی دارد. وقتی حقیقت را برای شخصی اثبات می‌کنم، احساس خوبی به من دست می‌دهد.

_____ بعد از تمام کارهایی که برایش کردم و به این خوبی همه‌چیز را توضیح دادم، باید هم بهائی می‌شد.

_____ امیدوارم که دوستم حضرت بهاءالله را بشناسد و سروری را که من هنگام خدمت به امرالهی احساس کرده‌ام، احساس کند.

_____ خدایا، افکار صحیح را به ذهنم الهام کن و کلمات درست را در اختیارم قرار ده تا بتوانم تعالیم را طوری با او در میان گذارم که بر قلبش تأثیر بگذارد.

بخش چهارم

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«قلوب خود را از تعلق به شئون حالیه فارغ نمایید و به آینده به دیده ایمان بنگرید. امروز بذر کاشته شد، دانه بر زمین افتاد، اما آگاه باشید یومی خواهد رسید که شجری باشکوه با شاخه‌هایی پر ثمر بروید. مسرور و شادمان باشید که این صبح دمید، قدرت آن را که البته بی نظیر است ادراک نمایید! خداوند دیهیم افتخار بر شما ارزانی داشته و در قلوبتان ستاره درخشان نهاده، به راستی که آن نور تمام عالم را روشن خواهد نمود!»^۵ (ترجمه)

حضرت ولی امرالله به ما چنین توصیه می‌فرمایند:

«بنا بر این باید سعی نمایید که شعله ایمان و ایقان در وجود شما همیشه مشتعل باشد، زیرا یقیناً فقط از این طریق است که هدایت، قدرت و موفّقیت نهایی را حاصل خواهید نمود.»^۶ (ترجمه)

مطمئنأً موافقید که وقتی فردی حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر ظهور عصر حاضر بشناسد، شعله ایمان در قلبش روشن شده است. همچنین می پذیرید که مبلّغ وسیله ای است برای روشن شدن این شعله. اما اگر شعله امر الهی در قلب خود ما فروزان نباشد چه؟ چگونه می توانیم شعله را در قلب شنونده روشن کنیم؟ ما می توانیم جذّاب ترین مکالمه را شروع کنیم و فصیح ترین عبارات را بیان نماییم، اما بدون ایمان، اثرات سخنان ما بر شنونده ناچیز خواهد بود، چه که او می تواند احساس کند آیا ما به گفته هایمان حقیقتاً معتقدیم یا خیر. هر قدر شعله ایمان الهی در قلب ما بیشتر بیفزود، امکان کمک به نفوس برای شناخت حضرت بهاءالله فزونی می یابد. اما وقتی وارد میدان تبلیغ می شویم باید به چه چیز ایمان داشته باشیم؟ می توانید به چند مورد اشاره کنید؟ چند مثال برای کمک به شما در زیر آورده شده است.

۱. ایمان به قوّه تأییدات الهی
۲. ایمان به اینکه تعالیم الهی نیاز حقیقی بشر امروز است
۳. ایمان به اینکه هر فرد استعداد شناخت حضرت بهاءالله را دارد
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.
- ۸.
- ۹.
- ۱۰.

بخش پنجم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«پس زبان بگشائید و به کمال شجاعت در هر محفلی صحبت بدارید در وقت خطاب اوّل
توجّه به بهاء الله نمائید و تأییدات روح القدس بخواهید و زبان بگشائید و آنچه بر قلب شما
القاء می شود بیان نمائید ولی در نهایت شجاعت و متانت و وقار»^۷
در توقیعی که از جانب حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده است چنین می خوانیم:

«مبلغ بهائی باید اطمینان کامل داشته باشد. سرّ موفقیّت و قدرت او در این است. در این
صورت حتّی اگر به تنهایی قیام نمایی و هر چقدر بی اعتنایی اطرافیان توزیاد باشد، باید ایمان
داشته باشی که جنود ملاّعلی با تو هستند، و با کمک آنها مطمئنّاً بر لشکر ظلمت که با امرالله
مقاومت می کند غلبه خواهی کرد. پس مستقیم، خوشحال و مطمئن باش...»^۸ (ترجمه)

روبرو شدن با موقعیّت های تازه، نادیده گرفتن محدودیت هایمان، صحبت کردن در باره امر با
کسانی که تازه ملاقات کرده ایم، سهمیم کردن هموعان در نفیس ترین دارایی مان با علم به اینکه
ممکن است آن را رد کنند - همه اینها نیازمند شجاعت است. البتّه که ما شجاعت خود را از اعتماد
و توکل کامل به خداوند می یابیم. دانستن اینکه خدای مهربان همواره ما را مساعدت و راهنمایی
می کند، به ما نیرو می دهد تا کارهایی را انجام دهیم که بدون تأیید او هرگز از عهده انجامشان
بر نمی آمدیم. اگر هنگام تبلیغ امرالله شجاعت نداشته باشیم چه خواهد شد؟ آیا فرصت ها را از دست
می دهیم؟ چند مثال بزنید که چگونه شجاعت لازمه تبلیغ است.

چیزی که باید درک کنیم این است که هر چند برای تبلیغ به شجاعت نیاز داریم، اما نفس عمل تبلیغ شجاعت ما را افزایش می دهد. برای به خاطر سپردن این موضوع، ممکن است مایل باشید نصّ زیر را اگر تاکنون از بر نکرده اید حفظ نمایید.

«رأس القدرة و الشّجاعة هی اعلاء كلمة الله و الاستقامة علی حبه.»^۹

مضمون: سرچشمه قدرت و شجاعت اعلاّی کلمه الله و استقامت در محبّت اوست.

بخش ششم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«بساط تبلیغ باید در جمیع احوال ممدود گردد زیرا تأیید الهی موکول بر آن اگر نفسی به جان و دل در نهایت همّت کمر بر تبلیغ امرالله نبندد البتّه از تأیید ملکوت ابهی محروم ماند ولی باید که به حکمت باشد و حکمت اینست که به مدارای الهی و محبّت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه اینکه به صمت و سکوت پردازد و به کلی فراموش نماید.»^{۱۰}

و در جایی دیگر می فرمایند:

«لا كلّ ما يعلم يقال ولا كلّ ما يقال حان وقته ولا كلّ ما حان وقته حضر اهله، انّ ذلك من الحكمة البالغه في الامور فلا تغفل عنها ان كنت من اهل العزم في جميع الشؤون بل

شخصّ العلل و الأمراض و العیاء و الأعراض ثمّ العلاج و هذا منهاج المهرة من حذاق الأطباء»^{۱۱}

مضمون: نه هر چه دانستنی است قابل گفتن است و نه هر چه گفتنی است زمانش فرا رسیده و نه هر چه زمان گفتنش رسیده اهلش حاضر، این از حکمت‌های بالغه الهی در امور است. اگر می‌خواهی در همهٔ شئون زندگی از اهل عزم و اراده باشی، از این حقیقت غافل مشو. ابتدا باید امراض را تشخیص دهی بعد به معالجه پردازی. این است راه و روش طبیبان حاذق.

شجاعت باید با حکمت تعدیل شود. بیان فوق بدین معنا نیست که حکمت مانع بروز شجاعت می‌گردد. این دو باید با یکدیگر همگام باشند. وقتی که شجاعت و حکمت داشته باشیم، شجاعانه به میدان عمل وارد می‌شویم و با تشخیص صحیح و فکر روشن به پیش می‌رویم. اینکه چه بگوییم و چه نگوییم، چگونه با موقعیت‌های حسّاس برخورد کنیم و چگونه به سؤالات پاسخ دهیم – تمامی این تصمیمات باید با حکمت گرفته شوند. لکن حکمت نباید عذری برای انفعال باشد. نباید دچار این عادت شویم که مرتّب بگوییم: «این کار حکمت نیست، آن کار حکمت نیست». در زیر موقعیت‌هایی ذکر گردیده که بعضاً با آن روبرو می‌شوید. فکر می‌کنید حکیمانۀ‌ترین روش برای هر موقعیت چیست؟

۱. شما در بارهٔ امر با دو نفر صحبت می‌کنید. ضمن صحبت متوجّه می‌شوید که یکی از آن دو نفر به امر علاقه‌مند است، امّا دیگری نه. شما چه می‌کنید؟

۲. با شخصی در جلسه آشنا می‌شوید و صحبت در بارهٔ امر را آغاز می‌کنید. با اینکه با دقت به شما گوش می‌دهد، چیز زیادی نمی‌گوید و سؤالی نمی‌پرسد. شما چه می‌کنید؟

۳. یک نفر که به نظر می‌رسد بسیار به امر علاقه‌مند است شما را به منزلش دعوت می‌کند تا بتواند اطلاعات بیشتری کسب کند. شما جوانب مختلف امر و تعالیم را برایش توضیح می‌دهید و ملاقات در ظاهر به خوبی پیش می‌رود. او می‌گوید از آنچه شنیده بسیار خوشنود است و فکر می‌کند امر الهی پاسخ مشکلات دنیای امروز است. از شما می‌خواهد تعدادی جزوه امری به او بدهید تا بتواند در یک راه‌پیمایی سیاسی که روز بعد قرار است در آن حاضر شود توزیع کند. شما چه می‌کنید؟

۴. در یک کمپین دو هفته‌ای در دهکده‌تان شرکت می‌کنید. هدف، افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در مجهودات جامعه‌سازی و دعوت از نفوس مستعد برای پیوستن به امر است. البته بسیاری از خانواده‌ها قبلاً از اقدامات جامعه بهائی در دهکده مطلع شده‌اند و یا حتی به نوعی به آنها متصل هستند. شما طول مدّت کمپین را به ملاقات منازل و گفتگو با اعضای خانواده در باره مضامین متناسب با استعدادشان می‌گذرانید. شب‌ها جلساتی برای همه اهالی دهکده ترتیب داده می‌شود و در آنجا در مورد جوانب مختلف تعالیم امر و دلالت‌های آن برای حیات جامعه بحث می‌شود.

یک شب یکی از شرکت‌کنندگان از شما سؤالی در باره یکی از احکام بهائی می‌پرسد. شما پاسخ می‌دهید ولی او جواب شما را نمی‌پذیرد. چند نفر دیگر از شرکت‌کنندگان کمپین تلاش می‌کنند تا به سؤال او جواب دهند ولی بعد از مدّتی واضح می‌شود که قصد او بی‌اعتبار کردن امر در نظر حضّار است. شما چه می‌کنید؟

۵. شما عضوی از تیمی هستید که منازل یک محله را ملاقات می‌کند، به این امید که تعداد شرکت‌کنندگان در کلاس‌های آموزش روحانی کودکان افزایش یابد. بیشتر خانواده‌ها از کلاس‌هایی که تا به حال تشکیل شده مطلعند و به این رشد در محله به دیده مطلوب می‌نگرند و مایلند بیشتر در این باره بدانند. در ملاقات‌ها عمدتاً بر برخی مفاهیم مرتبط با تعلیم و تربیت در آثار بهائی تمرکز می‌کنید که باعث ایجاد مباحثاتی پرشور با والدین می‌شود. اما در یکی از منازل، خویشاوندی که مهمان است، این نگرانی را ابراز می‌کند که شما در این کلاس‌ها تلاش می‌کنید دین کودکان را تغییر دهید. شما چه می‌کنید؟

۶. جوانی که مدّتی است در دوره‌های مؤسسه شرکت می‌کند و به عنوان مشوّق گروه نوجوانان خدمت می‌کند، تصمیم می‌گیرد تسجیل شود. اما والدینش با تصمیم پسر راحت نیستند. شما چه می‌کنید؟

بخش هفتم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید به کمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند.»^{۱۲}

در مقامی دیگر چنین نصیحت می فرمایند:

«ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد شما کلمه و یا جوهریست که دون شما از آن محروم، بلسان محبت و شفقت القاء نمائید و بنمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل والاّ او را باو گذارید و در باره او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائده روح و بمثابه معانیست از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی.»^{۱۳}

همه ما سعی می کنیم در روابط خود با دیگران محبت و صبر نشان دهیم. اما نباید چیزهای دیگری را به اشتباه محبت قلمداد کنیم. مثلاً گاهی اوقات، چیزی که محبت به نظر می رسد ممکن است در اصل پدرمآبی باشد. فردی که تشخیص ظرفیت های دیگران برایش دشوار است و اغلب با آنان با محبت اما مانند کودکان رفتار می کند، رفتاری پدرمآبانه دارد. ریا نیز گاهی در جامه محبت جلوه می کند؛ فرد می تواند نهایت محبت را نشان دهد اما در واقع به فکر منافع شخصی باشد. صبر

هم مثل محبت ممکن است گاهی نابجا استفاده شود. مثلاً شاید بهانه‌ای باشد برای غفلت. برای تفکر بیشتر در باره این نکات تمرین زیر را انجام دهید.

۱. با نهایت محبت تعالیم امرالله را برای فردی توضیح می‌دهید. اما وقتی که دست آخر او با حرف‌های شما مخالفت می‌کند، ناراحت می‌شوید. آیا محبت شما خالصانه بوده است؟

۲. هنگام معرفی امر به کسانی که نسبت به شما تحصیلات رسمی کمتری دارند بین صحبت‌های خود مرتب مکث می‌کنید و می‌پرسید: «عزیزم متوجه می‌شوی؟» این محبت است یا پدرمآبی؟

۳. امر الهی را به فردی با سطح پایین تحصیلات رسمی ابلاغ می‌کنید. فکر می‌کنید که درک بسیاری از مفاهیم عمیق موجود در آثار برای او خیلی مشکل است، از این رو پیام حضرت بهاءالله را به چند تعلیم ساده تقلیل می‌دهید. این عمل محبت است یا پدرمآبی؟

۴. امر الهی را به فردی با سطح پایین تحصیلات رسمی ابلاغ می‌کنید. گرچه این کار وقت لازم دارد، ولی شما به طور کامل حقایق اساسی امر را به او معرفی می‌کنید، قسمت‌هایی از آثار مربوطه را با او می‌خوانید و در باره اهمیت‌شان گفتگو می‌کنید. این عمل ناشی از صبر است یا پدرمآبی؟

۵. به نظر می‌رسد که یکی از همسایگان شما مستعد است، بنا بر این تصمیم می‌گیرید که مجموعه‌ای از گفتگوها را با او داشته باشید. بعد از چندین گفتگو با محبت زیاد او را یاری می‌کنید تا اهمیت تعالیم بهائی را درک کند و فهم او را تا جایی پرورش می‌دهید که حضرت بهاءالله را بشناسد. بعد از تسجیلی باز هم به تزئید معلومات او کمک می‌کنید تا بیشتر در باره تعالیم پیام‌مزد و در میان گذاشتن آنها با دیگران را آغاز کند. آیا این کار پدرمآبی است؟

۶. در طول کمپینی برای ملاقات خانگی در دهکده‌ای نزدیک، با پدری ملاقات می‌کنید که به نظر می‌رسد مشتاق است در باره امر بدانند. بعد از گفتگویی مختصر، به شما می‌گوید که از

آنچه شنیده خوشش آمده است و میل دارد کتاب‌هایی در این مورد بخواند. به او جزوه کوتاه معرفی امر را می‌دهید و چون فرد مشغولی به نظر می‌رسد، تصمیم می‌گیرید تا ملاقات بعدی چند ماه به او وقت بدهید. این عمل نشان‌دهنده صبر است یا غفلت؟ _____

آیا می‌توانید به موقعیت‌های دیگری فکر کنید که پدرمآبی یا ریاکاری در جامعه محبت، یا غفلت در لباس صبر ظاهر شود؟

بخش هشتم

حضرت بهاء الله اظهار می‌فرماید:

«اگر به تبلیغ مشغول شونید باید به توجه خالص و کمال انقطاع و استغناء و علوهت و تقدیس فطرت توجه به اشیاء به نفحات مختار نمایند ینبغی لهؤلاء ان یکون زادهم التوکل علی الله و لباسهم حب ربهم العلی الابهی تا کلمات آن نفوس مؤثر شود.»^{۱۴}

مضمون قسمت عربی: بر آنها واجب است که توکل بر خدا زاد و توشه‌شان باشد و لباسشان محبت پروردگار بلندمرتبه و باشکوه

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آلام نبینند و فراغت نجویند در مضجع راحت نیارمند آسوده نشینند آلوده نگردند اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمة الله.»^{۱۵}

از مطالعه کتاب دو می‌دانیم که انقطاع، لازمه تبلیغ سرور انگیز است. در حالی که امیدواریم خدمات ما نتایج ارزشمندی به بار آورد، می‌دانیم که اگر زیاد به نتیجه وابسته شویم، اگر بیش از حد تحت تأثیر تحسین یا انتقاد قرار گیریم، سروری که می‌تواند گام‌های ما را سرعت بخشد از دست می‌دهیم. تکمیل جملات ذیل به شما کمک می‌کند تا در باره این سؤال فکر کنید که منقطع بودن در میدان تبلیغ به چه معناست.

۱. وقتی به تبلیغ مشغول می شویم، باید به توجّه _____ اقدام کنیم.
۲. وقتی به تبلیغ مشغول می شویم، باید به کمال _____ اقدام کنیم.
۳. وقتی به تبلیغ مشغول می شویم، باید به تقدیس _____ اقدام کنیم.
۴. وقتی به تبلیغ مشغول می شویم، باید توجّه به _____ اقدام کنیم.
۵. باید زاد و توشه مان _____ باشد.
۶. باید لباسمان _____ باشد.
۷. پس از ورود به میدان خدمت، شب و روز _____.
۸. ما باید _____ بنشینیم و _____ نجویم و در _____ نیاریم و _____ ننشینیم.
۹. ما باید آلوده نگردیم، _____ را صرف _____ کنیم و ازمان را وقف _____.

بخش نهم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«بخوان ناس را به شطر پروردگار عالمیان به حرارت و جذبی که جمیع را مشتعل نماید.»^{۱۶}

حضرت ولی امرالله تسریع می نمایند:

«...بیایید قیام کنیم و با تخلّق به اخلاق حسنه و ایقان و درک و شور به تبلیغ امرش پردازیم. بگذارید این مهم ترین و ضروری ترین وظیفه هر شخص بهائی باشد و شور و شوق تبلیغ سایر امور زندگی ما را تحت الشعاع قرار دهد.»^{۱۷} (ترجمه)

اگر بخواهیم در مساعی خود جهت هدایت تعداد زیادی از نفوس به اقیانوس ظهور حضرت بهاء الله موفق گردیم، آنچه ما را به حرکت وامی دارد باید شوق تبلیغ باشد. قلوب ما باید از شدّت

اشتیاق مشتعل باشد. چگونه می‌توان سرور بهائی بودن را ابراز کرد اگر خودمان پرشور و مسرور نباشیم؟ البته وقتی که با اشتیاق پیام حضرت بهاءالله را با دیگران در میان می‌گذاریم، باید مراقب باشیم که از حدّ و مرز مناسب پا فراتر نگذاریم و کسانی که می‌خواهیم تبلیغ کنیم را از خود نرانیم. عبارتی که اغلب به کار می‌رود «تحمیل مذهب» است؛ بدین معنا که برای تغییر عقیده فشار زیادی به افراد وارد گردد. بهائیان به شدّت از این کار منع شده‌اند، ولی در عین حال که از تحمیل مذهب اجتناب می‌کنیم، نباید هنگام تبلیغ آنقدر با لحنی بی‌تفاوت و غیرقابل پذیرش صحبت کنیم که مساعی مان بی‌اثر باشند.

برای کمک به شما جهت تفکّر در باره تفاوت بین شوق تبلیغ و تحمیل مذهب عبارات ذیل را بخوانید و مشخص کنید که در کدامیک از حدّ مناسب خارج شده‌اید. آنها را با «خ» مشخص کنید. در کدامیک به علّت بی‌تفاوتی و عدم اشتیاق مؤثر نخواهید بود؟ آن را با «ب» مشخص کنید. در کدامیک اقدام شما توأم با اشتیاق و در حدّ مناسب خواهد بود؟ آن را با «الف» مشخص کنید.

_____ آنقدر شیفته امر الهی هستید که در هر فرصت مناسبی در مکالمات خود به طور طبیعی و با حکمت اصول و تعالیم دیانت بهائی را ذکر می‌کنید. در موقعیتهای مناسب اشاره می‌کنید که این عقاید از تعالیم حضرت بهاءالله سرچشمه گرفته‌اند.

_____ آنقدر مشتاقید که حتّی اگر مردم نخواهند به معرفی شما در باره امر گوش دهند، عملاً مجبورشان می‌کنید.

_____ میل ندارید دیگران شما را یک متدین افراطی بدانند، از این رو اگر در باره امر سؤالی هم از شما بپرسند به پاسخ کوتاهی اکتفا می‌کنید. اگر خیلی اصرار کنند و دوباره سؤال نمایند نهایتاً کتابی به ایشان می‌دهید و پیشنهاد می‌کنید که خودشان آن را مطالعه کنند.

_____ کمپینی برای تبلیغ در تعدادی از دهکده‌ها که مردم بسیار مستعد هستند ترتیب داده شده است. تیم شما به این نتیجه می‌رسد که معرفی امر به صورت خانه به خانه بهترین رویکرد است. در واقع بیشتر مردم ناراحت می‌شوند اگر به خانه همسایه بروید ولی به منزل آنها سرزنزید.

_____ اخیراً کمپین فشرده‌ای در دهکده مجاور برای تزئید معلومات امری مسجّلین جدید شروع شده است. شما به چند خانه می‌روید امّا دیگر اعضای خانواده هر بار به شما می‌گویند که افرادی که برای ملاقاتشان رفته‌اید آنجا نیستند. شما ناامید بازمی‌گردید.

_____ اخیراً کمپین فشرده‌ای در دهکده مجاور برای تزئید معلومات مسجّلین جدید شروع شده است. با اینکه اکثر افرادی که می‌خواستید ملاقات کنید در منزل نیستند، با دیگر اعضای خانواده احوال‌پرسی می‌کنید و از آنجایی که می‌دانید مردم دهکده مستعد هستند، از آنها می‌پرسید که آیا مایلند در باره امر مبارک با یکدیگر گفتگو کنید؟

_____ شما عضوی از یک تیم تبلیغی در دهکده مجاور هستید که مردم آنجا به آموزش رسمی و خدمات بهداشتی دسترسی کمی دارند. بنا بر این تیم به این نتیجه می‌رسد که بهترین رویکرد، تأکید بر تمام کارهای خوبی است که امر می‌تواند برای آنها انجام دهد. به آنان قول می‌دهید که اگر بهائی شوند کمک می‌کنید تا یک مدرسه رسمی برای کودکان و یک کلینیک کوچک بهداشتی تأسیس کنند.

_____ شما عضوی از یک تیم تبلیغی در دهکده مجاور هستید که مردم آنجا به آموزش رسمی دسترسی کمی دارند. با این حال به قوای روحانی آنها ایمان دارید و از داشتن گفتگوهای عمیق در باره تعالیم حضرت بهاءالله پرهیز نمی‌کنید. برای اعضای شورای دهکده توضیح می‌دهید که چگونه دوره‌های مؤسسه که بر اساس تعالیم هستند، می‌توانند به ساخت قابلیت برای کوشش در ساخت جامعه‌ای بهتر کمک کنند. به آنها می‌گویید که می‌توانید بازگردید و به گروه کوچکی از جوانان در مطالعه اولین دوره مؤسسه کمک کنید.

_____ در تمام جلساتی که افراد علاقه‌مند حضور دارند، جلسه را با دادن کارت تسجیلی شروع می‌کنید و افراد را دعوت می‌نمایید که هرگاه تحت تأثیر تعالیم قرار گرفتند به جامعه بهائی بپیوندند.

_____ جلساتی که افراد علاقه‌مند حضور دارند را اغلب با این جمله آغاز می‌کنید که پیام حضرت بهاءالله برای تمام بشریت است و این افتخاری است که برخی از تعالیم آن

حضرت را با ایشان در میان بگذارید. همچنین می‌گویید که نباید در پرسیدن سؤالات ذهنی‌شان تردید کنند و شما تلاش می‌کنید در حدّ توانتان به آنها پاسخ دهید. در صورت مناسب در انتهای جلسه توضیح می‌دهید که وارد شدن به امر چه معنایی دارد، البته با ذکر اینکه این موضوع شخصی است و هر فرد باید فارغ از احساس فشار بدان بیندیشد.

_____ تمام جلساتی که افراد علاقه‌مند حضور دارند را با توضیح اینکه هدف از انعقاد این جلسات بهائی کردن آنها نیست شروع می‌کنید. قصد شما فقط در میان گذاشتن تعدادی از باورهاست. مهم است ایشان قبل از اینکه احتمال پیوستن به جامعه بهائی را در نظر گیرند، زمان زیادی را برای جستجوی حقیقت صرف کنند.

_____ مدّتی است که مشغول تبلیغ دوستی هستید و احساس می‌کنید که شعله ایمان در قلبش روشن شده است، بنا بر این یک روز او را دعوت می‌کنید که به جامعه بهائی پیوندد.

_____ مدّتی است که مشغول تبلیغ دوستی هستید و احساس می‌کنید که شعله ایمان در قلبش روشن شده است، بنا بر این او را به فعالیت‌های متعدّد بهائی دعوت می‌کنید با این فکر که یک روز بهائی خواهد شد.

_____ شما عضو تیمی هستید که در کمپینی برای تبلیغ امر در محله تان شرکت می‌کند. مشارکت زیادی در مباحثات و برنامه‌ریزی‌ها نمی‌کنید و در عوض بیشتر اوقات به گوشی موبایل خود زل زده‌اید. وقتی کمپین آغاز می‌شود، هر از گاهی سرتان را از گوشی موبایلتان بلند می‌کنید تا ببینید چه خبر است و در موافقت با دیگر اعضای تیم که در حال گفتگو با مردم محله هستند سری تکان دهید.

_____ شما عضو تیمی هستید که در کمپینی برای تبلیغ امر در محله تان شرکت می‌کند. تیم به یک محلّ عمومی می‌رود و شما هر کسی که از مقابلتان می‌گذرد را متوقّف می‌کنید و می‌پرسید: «چیزی در باره حضرت بهاء الله شنیده‌ای؟»

_____ شما در کمپینی برای تقویت اقدامات جامعه‌سازی در یک محله شرکت می‌کنید. به عنوان بخشی از فاز اول کمپین، گروه شما - که از تعدادی از دوستان که اخیراً به آنجا نقل مکان کرده‌اند تشکیل شده است - محله را قرائت کرده و با فضاهایی مانند مدارس، پارک‌ها و مراکز جامعه که ممکن است در آنجا جوانانی را بیابید که مایلند به بشریت کنند آشنا می‌شود. گروه بر اساس یادگیری خود، برنامه‌ای می‌ریزد تا اقدامات متنوعی را انجام دهد: گذراندن وقت در این فضاها، ارائه‌هایی در دبیرستان محلی، برگزاری گردهمایی‌هایی در شب‌ها و ملاقات منازل افرادی که به فرایند آموشی مؤسسه علاقه نشان می‌دهند. همچنان که با جوانان ملاقات می‌کنید، در باره ویژگی‌های خاص دوره جوانی و اهمیت گام برداشتن در مسیر خدمت با آنها صحبت می‌کنید - مسیری که در آن یاد می‌گیرند تا به یکدیگر و به خصوص به آنان که از خود جوان‌ترند مساعدت کنند تا دانش، مهارت‌ها و صفات روحانی کسب کنند. شما تمام افرادی که مایل به دریافت اطلاعات بیشترند را دعوت می‌کنید تا برای ادامه گفتگو در گردهمایی‌هایی که شب‌ها برگزار می‌کنید شرکت کنند. خود را آماده می‌کنید تا هر کس را که مایل بود در شروع مطالعهٔ تسلسل اصلی دوره‌ها مساعدت کنید و آنها را برای انجام خدماتی که می‌خواهند انجام دهند همراهی نمایید. همچنین آگاهید که ممکن است بعضی از آنها به زودی امر را بپذیرند و از دعوت آنها برای پیوستن به جامعهٔ بهائی اجتناب نمی‌کنید.

_____ شما در کمپینی برای تقویت اقدامات جامعه‌سازی در یک محله شرکت می‌کنید. به عنوان بخشی از فاز اول کمپین، گروه شما - که از تعدادی از دوستان که اخیراً به آنجا نقل مکان کرده‌اند تشکیل شده است - زمان بسیار زیادی را در پارک‌ها، مدارس و مراکز جامعه صرف گفتگو با جوانان و دعوت آنها به گردهمایی‌هایی در شب‌ها می‌کند. تأکید می‌کنید که بیشتر زمان به موسیقی و دورهمی اختصاص خواهد داشت و هدف گردهمایی که صحبت با آنها در بارهٔ هدایت انرژی‌شان به سمت خدمت به جامعه است را کم‌رنگ می‌کنید. فکر می‌کنید که اگر بتوانید علاقه‌شان را به این صورت جلب کنید و پیوندهای دوستی شکل دهید، شروع گفتگو در بارهٔ خصوصیات خاص دوران جوانی و اهمیت حرکت در مسیر خدمت آسان خواهد بود. در گردهمایی شب، بعد از اینکه می‌فهمند به چه چیز دعوت

شده‌اند، فقط تعداد کمی از حاضرین می‌مانند. به این نتیجه می‌رسید که اگر می‌خواهید به اهداف تعیین شده برسید باید تعداد بیشتری را جذب کنید.

_____ شما در کمپینی یک هفته‌ای برای ملاقات تعداد زیادی از خانواده‌های دهکده‌تان که فرزندانشان در کلاس‌های کودکان یا گروه‌های نوجوانان هستند شرکت می‌کنید. تیم شما برنامه‌ریزی می‌کند تا به تعدادی از منازل برود و خانواده‌هایی که مستعد به نظر می‌رسند را به پیوستن به جامعه بهائی دعوت کند. به نتیجه می‌رسید که بهترین رویکرد این است که تنها چند مطلب که جمعیت محلی طالب آن است را ذکر کنید و از موضوعاتی که هر چند مهم، اما سؤال‌برانگیزند دوری کنید؛ سپس تمام اعضای هر خانه را به تسجیلی دعوت کنید.

_____ شما در کمپینی یک هفته‌ای برای ملاقات تعداد زیادی از خانواده‌های دهکده‌تان که فرزندانشان در کلاس‌های کودکان یا گروه‌های نوجوانان هستند شرکت می‌کنید و نفوس مستعد را به پیوستن به جامعه بهائی دعوت می‌کنید. تیم شما متوجه می‌شود که اکثر خانواده‌های ملاقات شده مشتاق صحبت در باره تعالیم بهائی هستند، بعضی به سرعت امر را می‌پذیرند و بعضی دیگر سؤالاتی برای بحث بیشتر مطرح می‌کنند. شما آگاهید که این کمپین بخشی از فرایند جاری و بلندمدت ترویج و تحکیم است و بنا بر این زمان لازم را با هر خانواده می‌گذرانید، به سؤالات پیش‌آمده پاسخ می‌دهید، و به افزایش درک آنها از اصول امر مبارک کمک می‌کنید. به این شکل، و رای مشارکت در رشد عددی و چند برابر کردن تعداد اقدامات، هر ملاقات ریشه‌های امر مبارک را در جامعه تقویت می‌کند.

بخش دهم

همان‌گونه که قبلاً یادآوری گردید، تأکیدی که بر صفات روحانی در مباحث مربوط به تبلیغ نمودیم دلیل بر این نیست که ما برای تبلیغ امرالله باید کامل باشیم. ما فراخوانده شده‌ایم که برخیزیم و به امرالله خدمت کنیم، و در عین حال دائماً بر حالات درونی خود تأمل نماییم و برای بروز هر چه بیشتر صفات روحانی بکوشیم - صفاتی از قبیل پاکی قلب، از خودگذشتگی، ایمان، شجاعت،

حکمت، محبّت و انقطاع. البتّه بسیاری از صفات دیگر نیز هستند که نیازمند توجّه می باشند، مثل سخاوت، بلندی همّت و ثابت قدم بودن. امّا غفلت خواهد بود اگر در این مرحله از تأملاتمان در باره صفت تواضع صحبت نکنیم.

البتّه شیوه های تواضع نامحسوسند. هر چه بیشتر شیفته حق شویم، «نفس خود» را فراموش کنیم و تسلیم اراده او گردیم، اقوال و اعمال ما از قدرت سرشار می شوند. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«خود مبلّغ باید در وقت تبلیغ بی نهایت متأثر باشد تا بیانش مانند شعله آتش تأثیر کند و پرده حجابات نفس و هوی بسوزاند و باید در نهایت خضوع و خشوع باشد تا دیگران متنبّه گردند و باید در نهایت محویت و فنا باشد تا به آهنگ ملأ اعلی تبلیغ کند و الا تأثیر ننماید.»^{۱۸}

و در مورد مساعی ما برای کمک به دیگران در شناخت حقیقت امرالله حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و به جهالت نسبت داد که توندانی و من دانم بلکه باید به جمیع نفوس به نظر احترام نظر کرد و در بیان و دلالت به طرز تحرّی حقیقت مکالمه نمود که بیائید مسائلی چند در میانست تا تحرّی حقیقت نمائیم و ببینیم چگونه و چسانست. مبلّغ نباید خویش را دانا و دیگران را نادان شمرد. این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثر بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران به نهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد. این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیت نفوس شود.»^{۱۹}

چه تفاوتی بین هوای نفسانی که در نصّ اوّل مطالعه کردیم با اشتیاق ذکر شده در بخش قبل وجود دارد؟

با دیگر اعضای گروه خود بحث کنید که چگونه توافق نفوذ کلام ما را افزایش می دهد.
بعضی از افکار خود را در زیر بنویسید.

بخش یازدهم

بحث ما در بخش قبل نکته دیگری را در رابطه با توافق مطرح می کند که شایان توجه است.
کاملاً درست است که ما باید دائماً در جهت کمال شخصیت و ارتقاء حالت دورنی مان تلاش کنیم و
در عین حال آگاه باشیم که مؤثر بودن تلاش هایمان برای تبلیغ بستگی به صفاتی دارد که از خود ظاهر
می سازیم. با این حال نباید حتی برای یک لحظه تصوّر کنیم که کامیابی در میدان تبلیغ پیامد
شایستگی ما بوده است. توافق ما را از احساس خودمهم بینی حفظ می کند.

همواره باید موفقیت در تبلیغ را از نفس خود جدا بدانیم. هر نقشی که ما در یاری افراد در
شناسایی حضرت بهاء الله داشته ایم فضل الهی بوده که شامل حال ما شده است. او نفوس را برای
اجرای اوامرش انتخاب می کند. ما فقط می توانیم امیدوار باشیم تا وسیله ای گردیم که خداوند از طریق
آن نقشه های خود را عملی می سازد و سعی کنیم خصایلی که به ما امکان وسیله بودن را می بخشد
کسب نماییم. در کلمات مکنونه می خوانیم:

«کن لی خاضعاً لأکونَ لک متواضعاً وکن لأمری ناصراً لِتکونَ فی الملک منصوراً.»^{۲۰}

مضمون: در برابر من خاضع باش تا در برابر تو متواضع باشم و امرم را نصرت کن تا در ملک پیروز باشی.

در توقیع ذیل از جانب حضرت ولی امرالله چنین انداز شده ایم:

«شاید علت عدم موفقیت شما در میدان تبلیغ اینست که بیشتر به ضعف و عدم لیاقت خود برای اعلاء کلمه الله ناظر می باشید. حضرت بهاء الله و حضرت عبدالهء به کرات تأکید فرموده اند که نظر به عجز خود ننماییم بلکه جمیع توکل و اعتمادمان را به خدا واگذاریم به محض اینکه قیام نمودیم و واسطه فعال فیض و نزول رحمت الهی گشتیم، عون و عنایت حق شامل حال می گردد. آیا تصوّر می کنید این مبلغین هستند که عقاید را تغییر می دهند و یا قلوب را تقلیب می نمایند حاشا و کلاً آنها فقط نفوس مجردی هستند که خود را تسلیم نموده تا روح حضرت بهاء الله به هر نحو که اراده فرماید ایشان را به حرکت آورده، مورد استفاده قرار دهد. اگر نفسی از آنها ولو برای یک ثانیه فکر و یا تصوّر کند که خدمات او نتیجه لیاقت شخصی او بوده کارش تمام و سقوطش شروع می گردد. این است منتهی علتی که عده ای از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بغتاً خود را به کلی عاجز یافتند و چه بسا که روح دافع امر آنها را چون نفوس عاطله متروک ساخت. میزان موفقیت حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق به وسیله ما عملی گردد.

«نگذار ضعف خود بر شما غلبه کند، توکل کامل به خدا کن، بگذار قلبت از شعله عشق به خدمت و تبلیغ امر او مشتعل شود، و خواهی دید که چطور قوتی که بتواند قلوب را تقلیب نماید ظاهر می شود.

«اگر قیام به تبلیغ کنی مطمئناً حضرت شوقی افندی برای موفقیت شما دعا خواهند نمود. در حقیقت نفس قیام به تنهایی مشمول نصرت و تأییدات حق است.»^{۲۱} (ترجمه)

آیا می توانید چند مثال بنزید که چطور غرور و تکبر ما را در تبلیغ امر بی اثر می کنند؟

اکنون برای تفکر بیشتر در باره انواع مختلف غرور در رابطه با تبلیغ، تمرین زیر را انجام دهید:

۱. یک تلاش جمعی برای تبلیغ امر مبارک به افراد و خانواده‌های متصل به اقدامات جامعه‌سازی در محله در جریان است. شرکت‌کنندگان به تیم‌هایی تقسیم شده و از آنها خواسته می‌شود تا رویکردی را اتخاذ کنند که کارآمدی آن در تجربیات قبلی ثابت شده است. با این حال یکی از شرکت‌کنندگان احساس می‌کند که این رویکرد، آنطور که باید، اجازه نمی‌دهد که او از آنچه که ممتازترین استعداد خود می‌داند استفاده کند. کدامیک از عکس‌العمل‌های زیر نشان‌دهنده عدم غرور است؟

_____ در اقدام شرکت نمی‌کند، به این دلیل که به او اجازه استفاده از استعدادهایش را آنطور که مایل است نمی‌دهد.

_____ با خشنودی در اقدام شرکت می‌کند، با شرکت‌کنندگان دیگر در هر زمینه‌ای که لازم باشد کار می‌کند و از توانایی‌های دیگر خویش تا حد امکان بهره می‌گیرد.

_____ سعی می‌کند نقصی در اقدام جمعی پیدا کند و می‌گوید که این رویکرد خوب نیست برای اینکه از استعدادها و توانایی‌های شرکت‌کنندگان استفاده نمی‌کند.

۲. گروهی از دوستان که در یک محله خدمت می‌کنند در باره یک رویکرد تبلیغی که در محله دیگری از منطقه نتایجی عالی به بار آورده است می‌شنوند. کدامیک از گزاره‌های زیر می‌تواند مناسب‌ترین عکس‌العمل گروه باشد و نشانی از غرور و یا بی‌حکمتی نیست؟

_____ بدون بررسی نتیجه می‌گیرند که رویکرد احتمالاً در محله ایشان جواب نخواهد داد چرا که شرایط متفاوت است.

_____ نتیجه می‌گیرند که چون این رویکرد در یک محل موفق بوده است پس باید در جاهای دیگر هم موفقیت‌آمیز باشد و بلافاصله و بدون تغییر مورد استفاده قرار گیرد.

_____ رویکرد را به دقت بررسی می‌کنند تا ببینند آیا می‌توان یک قسمت و یا همه آن را در محیط جدید اجرا نمود؟ بر این اساس از رویکرد استفاده می‌کنند و بر مبنای تجربه هر نوع تغییری که لازم باشد را اعمال می‌کنند.

۳. فردی از یک محله که فرایند جامعه‌سازی در آن پیشرفت قابل‌توجهی داشته است، بنا به درخواست مؤسسات امری از محله مجاور دیدن می‌کند. کار در آنجا در حال رشد است اما خیلی پیش نرفته، و از او خواسته شده تا دوستان را در مجهوداتشان مساعدت کند. کدامیک از اقدامات زیر نشان‌دهنده عدم غرور است؟

_____ برای دوستان ساکن در محله واضح می‌کند که مؤسسات او را فرستاده‌اند و فهرستی طولانی از کارهایی که باید انجام دهند ارائه می‌کند.

_____ مستمراً و با تعریف و تمجید در باره پیشرفت‌های محل سکونت خود صحبت می‌کند و فرصتی نمی‌دهد تا دیگران نیز تجربیاتی از واقعیت خود را به اشتراک گذارند.

_____ به صحبت‌های دوستان ساکن در محله در باره تجربیاتشان گوش می‌دهد، با آنها در برنامه‌ریزی و اقدام همراه می‌شود و در جای مناسب یادگیری‌های محل سکونت خویش را که شاید در برداشتن گام‌های بعد به آنها کمک کند به اشتراک می‌گذارد.

۴. به زودی کمپینی در یک محله برای گفتگو با تعداد هر چه بیشتری از جوانان در باره پرورش استعدادها و توانایی‌هایشان و مشارکت در بهبود وضع جامعه برگزار می‌شود. افراد علاقه‌مند به

مطالعه دوره‌های مؤسسه به منظور قابلیت‌سازی برای خدمت دعوت می‌شوند. تمام شرکت‌کنندگان در کمپین به تیم‌های دو نفره تقسیم می‌شوند. در یک تیم، فردی بسیار باتجربه با فردی کم‌تجربه‌تر که هنوز شهادت و اطمینان لازم در میدان عمل را به دست نیاورده هم‌گروهی می‌شود. کدامیک از موارد ذیل نشان‌دهنده عدم غرور عضو باتجربه‌تر تیم است؟

_____ وقتی عضو کم‌تجربه‌تر تیم با جوانان صحبت می‌کند، مدام حرف او را قطع می‌کند و نهایتاً بحث را به دست می‌گیرد.

_____ اجازه می‌دهد که عضو کم‌تجربه‌تر تیم در زمان گفتگو با جوانان بیشتر صحبت را انجام دهد و هم‌زمان اشتباهات او را که به نظرش می‌رسد به ذهن می‌سپارد تا بتواند بعداً با او درباره نقایصش صحبت کند و شیوه انجام این گفتگوها را به او یاد بدهد.

_____ بیشتر مکالمات را شروع می‌کند اما به سرعت عضو دیگر را وارد بحث می‌کند و او را مساعدت می‌کند تا به مرور در گفتگو با جوانان احساس راحتی بیشتری کند.

بخش دوازدهم

در بخش‌های قبل، صفت تواضع را هم به عنوان خصلتی که به کلام نفوذ می‌بخشد و هم به عنوان حفاظی در برابر خطراتی که در مسیر پیشرفت روحانی قرار دارد بررسی کردیم. تواضع تأثیر مهم دیگری بر زندگی ما می‌گذارد که ارتباط ویژه‌ای با تبلیغ دارد. تواضع به ما اجازه می‌دهد که همه فعالیت‌ها، به خصوص مجهودات مرتبط با خدمات امری را با روحیه یادگیری انجام دهیم. بدون روحیه یادگیری نادانی خود را نمی‌بینیم و اشتباهات فکر می‌کنیم چیزهایی را می‌دانیم که در حقیقت نمی‌دانیم. قابل تحسین‌ترین صفت افرادی که متواضعاً در سبیل الهی قدم برمی‌دارند، میل به یادگیری است.

شاید پرسیم چرا داشتن میل شدید به یادگیری تا این حد برای آن دسته از ما که می‌خواهیم امر الهی را به شیوه‌ای مؤثر تبلیغ کنیم مهم است؟ برای پاسخ به این سؤال، باید از خود پرسیم در باره تبلیغ چه می‌دانیم. آیا همیشه مناسب‌ترین راه را برای تبلیغ می‌دانید؟ آیا در هر موقعیتی به خوبی

می‌دانید چه چیزی را چگونه بگویید؟ فکر می‌کنید با گذراندن یک یا دو دوره، آنچه را که لازم است در مورد عملی چنین مقدّس بدانید خواهید آموخت؟ آیا می‌توان تبلیغ را به فرمول تقلیل داد؟ مطمئناً موافقت که پاسخ به تمام این سؤالات منفی است و تنها راه منطقی برای مؤثرتر بودن در تبلیغ، اتخاذ روحیه یادگیری است.

در حالی که کوشش می‌کنیم امر را مؤثرتر تبلیغ کنیم، باید مراقب باشیم که در دام جرّ و بحث با دیگر اعضای جامعه در مورد روش‌ها و رویکردهای تبلیغی نیفتیم. اگر مواظب نباشیم، شاید به آسانی درگیر چنین بحث‌هایی شویم که در آن هر کدام از ما باور داریم که «فرمول» صحیح را یافته‌ایم و اگر تبلیغ به شیوه‌ای که ما می‌گوییم انجام نشود «موقّعیّت» غیرممکن است.

هنگامی از چنین رفتاری احتراز می‌کنیم که متوجّه شویم تبلیغ امر را باید آموخت. با نگرستن به هر موقعیّت تبلیغی به عنوان فرصتی برای کسب بینش و افزایش درک از سازوکارهای روحانی، از محدودیتهایی که به خود تحمیل می‌کنیم آزاد می‌شویم. مکالمه با دوستان بهائی زمانی بیشترین کارایی را خواهد داشت که به تبادل افکار پردازیم، تجاربمان را با یکدیگر در میان گذاریم و عوامل مؤثر بر تبلیغ را تحلیل کنیم. هریک از ما تشویق شده است که:

«متناوباً راجع به طرق مؤثر تبلیغ امرالله در محیط اطراف خود تأمل و تفکر نمایند ... نفوسی که از موهبت ایمان برخوردار شده‌اند طبیعتاً مشتاق اهدای این هدیه به همگان‌اند و همیشه جویای گوشه‌شنوا. محیط‌ها و شرایط مختلف رویکردهای مختلفی را ایجاب می‌نماید و دوستان باید همواره در یک فرایند مستمرّ یادگیری در باره مؤثرترین روش در محلّ زندگی خود مشغول خدمت باشند.»^{۲۲} (ترجمه)

موقّعیّت‌های مطرح شده در زیر را بخوانید. اگر در هر فعّالیّت تبلیغی به دنبال فرصتی برای یادگیری باشید، به هر کدام چگونه پاسخ خواهید داد؟

۱. تصمیم می‌گیرید تا جلسه‌ای هفتگی به منظور صحبت در باره امر در منزلتان منعقد کنید. حدود ده نفر را که در موقعیّت‌های مختلف نسبت به امر بهائی ابراز تمایل کرده‌اند، به جلسه دعوت می‌کنید. برای هر جلسه موضوعی را انتخاب می‌نمایید، صحبت کوتاهی آماده و ایراد می‌کنید و در ادامه، زمانی را به سؤالات اختصاص می‌دهید. سپس بخشی برای

پذیرایی دارید که در آن با یکدیگر بیشتر آشنا می شوید و موسیقی و آواز می خوانید. پس از چند هفته، فقط دو نفر به طور مستمر شرکت می کنند. نتیجه می گیرید که:

_____ باید جلسات بیشتر سرگرم کننده و تفریحی باشد.

_____ بهتر است جلسات هفتگی را از برنامه تبلیغی خود حذف کنید؛ در هر حال ایده خوبی نبود.

_____ باید سعی کنید برنامه را برای چند جلسه بعد عوض نمایید، شاید چند باره موضوعی خاص با مهمانان خود مطالعه کنید، اجازه دهید که با کلام الهی آشنا شوند و بر اساس این تجربه برنامه های بعدی را آماده کنید.

_____ از افرادی که دیگر به جلسه نمی آیند دلیل عدم حضورشان را جویا شوید.

۲. وقتی در باره امر تحقیق می کردید، تعدادی از اصول امری بیشتر توجه شما را جلب می کردند، بنا بر این اکنون تصور می کنید بهترین روش تبلیغ ارائه همین اصول به مردم است. اما متوجه می شوید که عموماً این ایده ها توجه مردمی که با ایشان صحبت می کنید را به طور ویژه ای جلب نمی کنند. شما نتیجه می گیرید که:

_____ نیازمند تمرین بیشتر برای ارائه اصول هستید.

_____ باید افرادی را مانند خودتان پیدا کنید و فقط آنها را تبلیغ نمایید.

_____ شما مبلغ به دنیا نیامده اید و بهتر است در زمینه های دیگر به امر خدمت کنید.

_____ باید در آینده تلاش کنید تا دغدغه هایی که ذهن آنها را مشغول کرده است بفهمید و تعالیم مرتبط با آن دغدغه ها را در مکالمات خود با آنها بگنجانید.

۳. شما عضو تیمی هستید که تصمیم دارد کوشش های خود را بر جمعیت خاصی متمرکز کند و پیام حضرت بهاء الله را به گوش آنان برساند. پس از مدتی، از پرسش های آنان متوجه می شوید که برایشان مشکل است وجود خدا را قبول کنند. تیم شما تصمیم می گیرد که:

_____ بهتر است در این باره صحبت نکنید. اگر موضوع را پیش کشیدند، به سرعت بحث را عوض می‌کنید.

_____ مردمی که اعتقاد به خدا برایشان مشکل است مستعد نیستند، پس نباید وقت صرف تبلیغ آنها کرد.

_____ از فرد باتجربه‌تری بخواهید که شما را همراهی کند و با کسانی که ملاقات می‌کنید در باره وجود خداوند حرف بزند. اگر مؤثر واقع نشد، آنها را به حال خود می‌گذارید و دیگر اصرار نمی‌کنید.

_____ پس از مطالعه برخی از بیانات مبارکه در باره وجود خدا، متن کوتاهی تهیه کنید تا به کسانی که ملاقات می‌کنید در درک تعلیم حضرت بهاءالله در مورد خداوند کمک نمایید. بر عکس العمل آنها متمرکز می‌شوید، به نتایج فکر می‌کنید، جهت یافتن پاسخ به سوالاتشان به آثار مبارکه مراجعه می‌نمایید و با استفاده از بینش‌های حاصله از تجربه و مطالعه آثار مبارکه، متن خود را تغییر می‌دهید. این کار را آنقدر ادامه خواهید داد تا مساعی شما نتایج رضایت‌بخشی داشته باشد.

۴. شما عضو تیمی هستید که در چندین کمپین تبلیغی بسیار موفق در یک محله شرکت کرده است. تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها امر را تصدیق کرده‌اند. با در نظر داشتن اهمیت تزئینات، تیم شما اغلب خانه‌ها را به طور منظم ملاقات نموده و در باره مضامین مطرح شده در واحد سوم کتاب دو روحی با اعضای خانواده‌ها صحبت کرده است. حال تیم شما در این فکر است که چگونه پیش برود تا هم تعهد آنان به امر مبارک افزایش یابد و هم آنان را قادر سازد تا تعالیم حضرت بهاءالله را با دیگران در میان گذارند. تیم تصمیم می‌گیرد که:

_____ فهرستی از سی سخنرانی با موضوعات مختلف را در نظر بگیرید و در هر ملاقات موضوع جدیدی را مطرح نمایید. فهرست مطالب را تا آخر دنبال می‌کنید تا مطمئن شوید که تمام مباحثی که انتخاب کرده‌اید پوشش داده می‌شود.

_____ به هر خانواده یک کتاب کوچک امری بدهید. از ایشان می‌خواهید که چند صفحه تعیین شده را در فاصله زمانی بین ملاقات‌ها بخوانند. سپس اگر سؤالی داشته باشند در ملاقات بعدی مطرح نمایند.

_____ شما نگرانید که استفاده از یک روش بسیار وقت‌گیر باشد. بنا بر این به جای دیدار با تک تک خانواده‌ها، آنها را به جلسه‌ای هفتگی در خانه یکی از دوستان دعوت می‌کنید تا در باره امر صحبت کنید. به یکدیگر می‌گویید: «آنهايي که واقعاً به یادگیری علاقه‌مندند می‌آیند».

_____ یک موضوع اساسی مربوط به امرالله را که آنها مایلند بیشتر در باره‌اش بدانند انتخاب و از آثار مبارکه نصوصی را در مورد همان مطلب پیدا کنید. با یکی از خانواده‌ها ملاقات می‌کنید و نصوصی که انتخاب کرده‌اید را با ایشان در میان می‌گذارید و با آنها در باره نصوص صحبت می‌کنید. سپس نتیجه ملاقات را مورد بررسی قرار می‌دهید، مجدداً به آثار مراجعه می‌کنید، در صورت لزوم نصوص انتخاب شده را تغییر می‌دهید و محتوای بازنگری شده را در ملاقات با خانواده دیگری مورد استفاده قرار می‌دهید. ضمن نظریات مطرح شده در ملاقات خانواده اول، مطالب و آثار مبارکه دیگری را انتخاب خواهید کرد تا در ملاقات دوم با آنها مطالعه کنید. این روش را تا زمانی ادامه می‌دهید که الگویی از ملاقات مستمر متمرکز بر مجموعه‌ای از مضامین را آماده کرده باشید. هم‌زمان با خانواده‌ها مشورت می‌کنید که چگونه می‌توان در باره همان مضامین با همسایه‌ها، اقوام و دوستان صحبت کرد.

بخش سیزدهم

تمرین بخش قبل به ما در درک این موضوع کمک نمود که چگونه در مجهودات تبلیغی فردی و جمعی، هم‌زمان با اقدام و تأمل بر نتایج اقدام، سؤالات مهمی پیش می‌آید. پاره‌ای از سؤالاتی که به تکرار و با اتخاذ حالتی از یادگیری ایجاد می‌شوند مربوط به روش تبلیغ و رویکردهایی است که ما برای انجام این عمل مقدّس انتخاب می‌کنیم. آیا باید جسور باشیم؟ آیا باید محتاطانه و

محافظه کارانه عمل کنیم؟ آیا باید پیام حضرت بهاءالله را بلافاصله به هر کس که برخورد می‌کنیم ابلاغ نماییم و یا باید افراد مناسب را برگزینیم؟ آیا باید مستقیماً در باره امر به عنوان دینانی برای بشر امروز صحبت کنیم؟ یا صحبت خود را به بحث کلی در مورد اصول امر الهی که به آسانی مورد قبول عامه قرار می‌گیرد محدود نماییم؟ آیا باید جنبه‌هایی از تعالیم بهائی که می‌دانیم برای شنونده چالش برانگیزند را مطرح کنیم و یا چنین مطالبی را به زمانی بعد از آنکه شخص امر را پذیرفت موکول کنیم؟ به منظور متقاعد کردن دیگران، آیا باید اظهارات خود را محکم و فراتر از تحمل شنونده بیان نماییم یا با هیجان و شور کم‌تری سخن بگوییم؟

حضرت ولی امرالله در بیان زیر نکته بسیار ارزشمندی را توصیه می‌فرمایند. ممکن است برخی از کلمات برایتان ناآشنا باشند، بنا بر این قبل از مطالعه بیان شاید مایل باشید توضیحات را مرور کنید:

برانگیختن:	سبب عصبانیت یا ناسازگاری شدن
ضعف و سستی:	ناتوانی
متعصّب:	مملو از شور و شوق غلط یا بیش از حد
افراط:	بیش از آنچه طبیعی و یا مناسب است
آزادی خواهی:	داشتن وسعت نظر
بیان وجوه امتیاز:	توضیح معانی و اهداف
محتاط:	هشیار
مماشات:	کسی که حاضر است تسلیم شود
مردم عادی:	شخصی که از طبقه روحانیت نیست
تحقیر:	نشان دادن بی‌احترامی یا اهانت
ذره‌ای کاستن:	اندکی کم کردن
ارائه:	از خود نشان دادن، عرضه کردن
خلل ناپذیر:	اجازه انعطاف و یا تغییر ندادن، انعطاف ناپذیر، تغییرناپذیر

حال نصّ حضرت ولی امرالله را بخوانید:

«در بیان وجوه امتیاز و تعالیم امر باید با آنان نوعی رفتار نمایند که نه حسّ مخالفت آنان برانگیخته شود و نه نشانه ضعف و سستی باشد. نه متعصّب باشند و نه در آزادی خواهی

افراط کنند. بر حسب موقع محتاط باشند یا جسور، سریع العمل باشند یا صبور. روش مستقیم اختیار کنند یا غیرمستقیم، متحدی باشند و یا مماشات نمایند. بر حسب استعداد روحانی مخاطب صحبت دارند، ملاحظه نمایند که شخص از طبقه اشراف است یا از عوام، شمالی است یا جنوبی، از مردم عادی است یا از اصحاب کلیسا، سوسیالیست است یا طرفدار سرمایه داری، سیاستمدار است یا شاهزاده، هنرمند یا گرفتار فقر و فاقه، در ارائه پیام حضرت بهاءالله نه تزلزلی بخود راه دهند و نه احساس ضعف کنند، نه فقیر را به دیده تحقیر بنگرند نه غنی را به چشم تعظیم. در بیان حقائق نه بیش از حدّ اصرار ورزند و نه از حقیقتی که دفاع می کنند ذره ای بکاهند، خواه مستمع از دستگاه سلطنت باشد و یا از ارباب کلیسا، اهل سیاست باشد یا تجارت و یا شخص عادی. باید به جمیع از عالی و دانی، غنی و فقیر علی السویه با دست باز و قلب منیر و نطق فصیح و صبر لانهایه و خلوص تام و کمال حکمت با جرأت و شهامتی خلل ناپذیر این کأس نجات را در این ساعات خطیر بحرانی برسانند...»^{۲۳} (ترجمه)

۱. حضرت ولی امرالله می فرمایند که هنگام تبلیغ، ما در بیان _____ و _____ باید با آنان نوعی رفتار نماییم که نه _____ آنان برانگیخته شود و نه نشانه _____ و _____ باشد.
۲. ما باید نه _____ باشیم و نه در _____ افراط کنیم.
۳. ما باید بر حسب موقع _____ باشیم یا _____، _____ باشیم یا _____، روش _____ اختیار کنیم یا _____، _____ باشیم و یا _____ نماییم و بر حسب _____ مخاطب صحبت داریم.
۴. هنگام تبلیغ باید بر حسب _____ مخاطب صحبت کنیم و ملاحظه نماییم که شخص از طبقه اشراف است یا _____، شمالی است یا _____، از مردم عادی است یا از _____، سوسیالیست است یا _____، سیاستمدار است یا _____، هنرمند یا _____.

۵. در ارائه پیام حضرت بهاءالله ما باید نه _____ و نه _____.
۶. ما باید نه فقیر را _____ نه غنی را _____.
۷. در بیان حقایق امرالله ما باید نه _____ ورزیم و نه از حقیقتی که دفاع می‌کنیم _____، خواه مستمع _____ باشد و یا _____، اهل _____ یا _____ و یا _____.
۸. باید به جمیع علی السویه با دست _____ و قلب _____ و نطق _____ و صبر _____ و خلوص _____ و _____ حکمت با جرأت و شهامتی خلل _____ این کأس نجات را در این ساعات خطیر بحرانی برسانیم.

بخش چهاردهم

اکنون بیاید نصّ بالا را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار دهیم و بکوشیم بعضی از مضامین عملی آن را پیدا کنیم.

۱. بر طبق نصّ بالا در حین ابلاغ امر نباید سخنان تحریک‌آمیز بر زبان آوریم که حسّ مخالفت برانگیزد. موقعیّت‌های زیر را در نظر بگیرید. آنهایی که تحریک‌آمیز محسوب می‌شوند را با «ت» مشخص کنید.

_____ در مکالمه با فردی مؤمن به دینی دیگر، به منظور نشان دادن این واقعیت که بشریّت به ظهور جدید نیاز دارد، صحبت خود را با جلب توجّه وی به تمام مشکلاتی که دیانت او پیدا کرده است شروع می‌کنید.

_____ به فردی مؤمن به دین دیگر توضیح می‌دهید که مظاهر ظهور الهی مانند آینه‌هایی هستند که نور خورشید را منعکس می‌کنند. آنها صفات خداوند را منعکس و خصایل الهیه را آشکار می‌کنند. گرچه ممکن است آینه‌ها متفاوت باشند ولی همگی نور یک خورشید را منعکس می‌نمایند. بدین ترتیب به او کمک می‌کنید

تدریجاً این نکته را درک کند که با پذیرفتن حضرت بهاءالله پیامبران پیشین را نفی نکرده است.

_____ فردی را تبلیغ می‌کنید که مطمئن نیست آیا به خداوند اعتقاد دارد یا خیر. سخن خود را با ذکر این مطلب که حضرت بهاءالله مظهر ظهور کلی الهی هستند آغاز می‌کنید.

_____ گروه کوچکی در خانه شما جمع شده‌اند. بیشتر افراد حاضر، تاکنون علاقه خاصی به امر نشان نداده‌اند و شما امیدوارید تعالیم را به شیوه‌ای به ایشان معرفی نمایید که توجه‌شان را جلب کند. در ضمن صحبت تأکید می‌کنید که در آینده همه مردم بهائی خواهند شد.

_____ صحبت خود را با فردی که همه نوع اسباب آسایش را در زندگی دارد اینگونه آغاز می‌کنید که ثروت حجابی است بین انسان و خداوند.

_____ با یک نفر از روحانیون آشنا شده‌اید که حقیقتاً مشتاق است امر را بیشتر بشناسد و از شما می‌خواهد که برخی از تعالیم حضرت بهاءالله را برای او توضیح دهید. اولین چیزی که می‌گویید اینست که خداوند در این عصر طبقه روحانیت را از میان برداشته است.

۲. هنگام تبلیغ نباید ضعف و سستی نشان دهیم. در کدامیک از موقعیت‌های زیر با سستی رفتار کرده‌اید؟ آنها را با «س» علامت بزنید.

_____ فردی از شما می‌پرسد چه چیز در دیانت بهائی متمایز است. شما پاسخ می‌دهید: «امر مبارک مانند باقی ادیان است. جوهر آن مهربانی و عشق به یکدیگر است».

_____ روش تبلیغی شما اینست که به دیگران نشان دهید امر بهائی مجموعه‌ای از اصول متعالی است که هر فردی می‌تواند بپذیرد. به عنوان مثال می‌گویید: «چه کسی هست که تأسیس صلح را قبول نداشته باشد؟» وقتی که از این طریق به امر جذب شدند، آنان را به خود وامی‌گذارید، بعضی مواقع به ایشان می‌گویید که اگر مایل

باشند می‌توانند کتابی از شما بگیرند و مطالعه کنند. این حداکثر کاری است که انجام می‌دهید.

_____ شخصی که به پذیرش امر نزدیک است از شما در مورد امور مالی و تبرّعات می‌پرسد. کلّ پاسخ شما این است: «مانند هر کار دیگری در زندگی، برای امور مختلف پول نیاز است. اما فقط اگر مایل باشی تبرّع می‌دهی».

_____ شخصی که به پذیرش امر نزدیک است از شما در مورد امور مالی و تبرّعات می‌پرسد. شما به او می‌گویید تبرّع به صندوق وظیفه مقدّس هر فرد مؤمن است و اهمّیت روحانی فداکاری را توضیح می‌دهید، که به معنی گذشتن از چیزی کمتر برای دریافت آنچه بهتر است می‌باشد. می‌گویید: «تبرّع به صندوق جزء جدایی‌ناپذیری از تلاش ما برای ساخت جهانی بهتر است».

_____ دوستی که مدّتی است در باره امر تحقیق می‌کند از شما می‌خواهد که در مورد مفهوم عهد و میثاق ابدی توضیح دهید. به او می‌گویید که این موضوع بسیار ساده‌ای است: «قراردادی بین خداوند و بشر وجود دارد. هر از گاهی خداوند مظهر ظهورش را برای ما می‌فرستد و ما او را می‌شناسیم و سعی می‌کنیم آنچه می‌گوید را اطاعت کنیم».

_____ دوستی که مدّتی است در باره امر تحقیق می‌کند از شما می‌خواهد که مفهوم عهد و میثاق ابدی را برای او واضح کنید. مختصراً برای او توضیح می‌دهید که خداوند بشر را به خاطر عشقش به او آفریده است و وعده داده که هرگز ما را تنها نمی‌گذارد بلکه هر از گاهی اراده و هدف خود را از طریق مظاهر ظهورش برای ما آشکار می‌کند؛ ما نیز در مقابل عهد می‌بندیم که مظهر ظهور زمان را بشناسیم و از تعالیمش پیروی کنیم.

۳. هنگام تبلیغ نباید در معرفّی امرالله متعصّب باشیم. چند موقعیت در زیر مطرح شده است. آنهایی که با تعصّب همراهند را با «ت» مشخص کنید.

_____ شخصی که در باره امر تحقیق می کند از شما می پرسد بهائی بودن چگونه است. به او می گوئید که بهائی شدن کار ساده ای نیست و توضیح می دهید: «باید همه چیز خود را فدای امر کنی. یا زنگی زنگ، یا رومی روم».

_____ در جلسه ای که در منزلتان ترتیب داده اید از گروهی که برای اولین بار است در باره امر می شنوند می خواهید که دست های یکدیگر را بگیرند و با هم شعر «الله ابهی» را بخوانند.

_____ می خواهید فرد مؤمن به دیانت دیگری را تبلیغ کنید. صحبت خود را اینگونه شروع می کنید که دوره دیانت او به پایان رسیده است. او باید دین خود را ترک کند. به او می گوئید: «حضرت بهاء الله پیامبر خداوند برای امروز است. باید گذشته را دور بریزی».

_____ در باره امر با فردی صحبت می کنید. او با یکی از نکاتی که مطرح کرده اید موافق نیست. با او جرّ و بحث می کنید و می گوئید که از کتاب مقدّس دین خودش به او نشان خواهید داد که اشتباه می کند.

_____ در باره امر با کسی صحبت می کنید. او با یکی از نکاتی که مطرح کرده اید موافق نیست. به خوبی می بینید که او نسبت به موضوع حسّاس است. پس از تصدیق دغدغه او می گوئید: «اگر بخواهی می توانیم یک روز دیگر در باره این موضوع با هم صحبت کنیم. امّا مطالب زیادی هست که هر دو با آن موافق باشیم. اجازه بده امروز آن موضوعات را با هم بررسی کنیم».

_____ احکام امر مبارک را برای دوستی شرح می دهید. به او می گوئید: «اطاعت از احکام الهی جوهر دیانت است. علّت نابسامانی جهان امروز عدم پیروی از احکام حضرت بهاء الله است. هر کس که از دستورات ایشان اطاعت نکند در جهان بعد مورد بازخواست قرار می گیرد».

_____ احکام امر را برای دوستی شرح می دهید. می گوئید: «حضرت بهاء الله به ما می فرمایند که احکامشان چراغ های عنایتند. اوامر آن حضرت روشنائی بخش راه

ماست و ما را به سوی سرور حقیقی هدایت می‌کند. با وجود این ما کامل نیستیم و گاهی اوقات اشتباه می‌کنیم. اما وقتی حضرت بهاءالله را می‌پذیریم و به درگاهش دعا می‌کنیم، آن حضرت به ما تأیید می‌رساند تا بر نقایص خود چیره شویم و به ما قدرت اطاعت از اوامرشان را عطا می‌فرماید».

۴. هنگام تبلیغ امر باید از آزادی‌خواهی افراطی احتراز کنیم. تعیین کنید که در کدامیک از موقعیت‌های زیر بیش از حد آزادی‌خواه هستید. آن را با «آ» مشخص کنید.

_____ کسی که در باره امر تحقیق می‌کند از شما می‌پرسد که آیا جامعه بهائی رهبر دارد؟ شما پاسخ می‌دهید: «ما در جامعه بهائی طبقه روحانی و کشیش نداریم که واسطه بین ما و خدا باشند. ما همگی بر طبق وجدان خود عمل می‌کنیم. کسی به ما نمی‌گوید چه کار کنیم».

_____ کسی که در باره امر تحقیق می‌کند از شما می‌پرسد که آیا جامعه بهائی رهبر دارد؟ شما توضیح می‌دهید: «جامعه بهائی امور خود را از طریق نظم اداری جهانی سامان‌دهی می‌کند که شامل شوراهایی در سطح ملی و محلی است که محافل ملی و محلی نامیده می‌شوند. این شوراها بدون نامزد و تبلیغات انتخاباتی، در یک جو روحانی انتخاب می‌شوند. همچنین گروهی از افراد ممتاز منصوب می‌شوند تا به محافل مشاوره دهند و دیگر بهائیان را الهام بخشند و تشویق کنند. همه مؤسسات تحت نظر شورای حاکمه بین‌المللی دیانت بهائی هستند که بیت العدل اعظم نامیده می‌شود».

_____ کسی که تبلیغ می‌کنید از شما می‌پرسد که رابطه فرد با نظم اداری بهائی چگونه است. شما پاسخ می‌دهید: «خب می‌دانی، دیانت بهائی باید سیستمی برای امور اداری داشته باشد، بنا بر این ما چیزی داریم که به آن محافل روحانی می‌گوییم که از نه نفر تشکیل شده است. این نهادهای انتخابی، امور امر در سطوح محلی و ملی را مدیریت می‌کنند اما فقط زمانی باید از آنها اطاعت کنی که وجدانت به تو می‌گوید».

_____ کسی را تبلیغ می‌کنید و او می‌گوید هر آنچه در مورد دیانت بهائی شنیده است را دوست دارد، به جز اینکه بهائیان به تناسخ اعتقاد ندارند. شما می‌گویید: «هیچ اشکالی ندارد چون بهائیان به وحدت در کثرت معتقدند که شامل کثرت عقیده هم می‌شود».

_____ فردی از شما می‌پرسد که چگونه بهائیان دین خود را انتشار می‌دهند. شما تنها می‌گویید که بهائیان تحمیل مذهب نمی‌کنند. می‌گویید: «ما حیات بهائی داریم و وقتی مردم از ما سؤال پرسند در باره امر به آنها می‌گوییم».

_____ شخصی که مطالبی در باره امر خوانده و ابراز اشتیاق نموده است از شما می‌خواهد تا برای او توضیح دهید که از کسانی که در جامعه بهائی تسجیل می‌شوند چه انتظاری می‌رود. شما به او جواب می‌دهید: «دین یک موضوع شخصی است. یک روش زندگی است. چیزی است که در قلب احساس می‌کنی. البته دیانت بهائی تعدادی احکام دارد ولی فقط لازم است از آنچه وجدانت می‌گوید اطاعت کنی».

_____ شخصی که مطالبی در باره امر خوانده و ابراز اشتیاق نموده است از شما می‌خواهد تا برای او توضیح دهید که از کسانی که در جامعه بهائی تسجیل می‌شوند چه انتظاری می‌رود. شما پاسخ می‌دهید: «جوهر دیانت، شناخت خداوند از طریق مظهر ظهور او، استقامت در حبّ او و پیروی از تعالیم اوست. عشق ما به خداوند به مخلوقات او نیز تعمیم می‌یابد؛ ما بشریت را دوست داریم و مسئولیت خود نسبت به امر را با تلاش برای ساختن جهانی بهتر انجام می‌دهیم».

_____ با عده‌ای از دوستان در باره موضوع تعلیم و تربیت کودکان صحبت می‌کنید. سپس می‌گویید: «دیانت بهائی به ما یاد می‌دهد که بچه‌ها معصوم به دنیا می‌آیند و اگر دوستشان داشته باشیم و کمکشان کنیم تا آنچه خداوند در وجودشان قرار داده است را پرورش دهند، آدم‌های خوبی می‌شوند».

_____ با عده‌ای از دوستان در باره موضوع تعلیم و تربیت کودکان صحبت می‌کنید. سپس می‌گویید: «دیانت بهائی به ما می‌گوید که کودکان استعداد خوب بودن را دارند اما تمایلاتی هم دارند که باید کنترل شود. کودکان به تعلیم و تربیت نیاز دارند تا راه

درست را انتخاب کنند و قوایی که در ایشان به ودیعه گذاشته شده است را پرورش دهند».

۵. مشخص کنید که از پاسخ‌های زیر کدام مناسب هر موقعیت در مساعی تبلیغی شماست. ممکن است هر موقعیتی بیش از یک جواب داشته باشد.

الف. محتاط بودن ه. استفاده از روش مستقیم

ب. جسور بودن و. استفاده از روش غیرمستقیم

ج. سریع‌العمل بودن ز. متحدی بودن

د. صبور بودن ح. مماشات نمودن

_____ شخصی با هیجان وارد حظيرة القدس محلی می‌شود و می‌گوید مطالبی راجع به دیانت بهائی در اینترنت خوانده و مایل است بیشتر در باره حضرت بهاءالله بدانند. توضیح می‌دهد که همیشه در اعماق قلب خود احساس می‌کرده است که خداوند هرگز بشریت را رها نمی‌کند و مظهر ظهور دیگری می‌فرستد.

_____ شما و خانواده‌تان به روستایی نقل مکان کرده‌اید که کسی را در آنجا نمی‌شناسید. مدت کوتاهی بعد از ورودتان همسایه به دیدن شما می‌آید تا خودش را معرفی کند و به شما خوش‌آمد بگوید. در همین دیدار او واضح می‌سازد که روستاییان با هم در عقیده مذهبی‌شان بسیار متحدند و خوششان نمی‌آید که ادیان «دیگر» بیایند و بین آنها تفرقه بیندازند.

_____ شما و خانواده‌تان به روستایی نقل مکان کرده‌اید که کسی را در آنجا نمی‌شناسید. مدت کوتاهی بعد از ورودتان همسایه به دیدن شما می‌آید تا خودش را معرفی کند و به شما خوش‌آمد بگوید. او متوجه چند کتاب بهائی روی میز می‌شود و می‌پرسد: «دیانت بهائی چیست؟»

_____ شما به گروهی از مردم علاقه‌مند به ترویج صلح پیوسته‌اید. یکی از افراد مجذوب عقایدی که شما در جلسات بیان کرده‌اید شده است و قویاً اعتقاد دارد که تنها راه

تغییر اجتماعی معنادار، اقدام از طریق احزاب سیاسی است. او پس از هر جلسه سازمانی مایل است درباره این موضوع با شما صحبت کند.

_____ یکی از افرادی که با شما کار می‌کند در موقعیت‌های گوناگون به شما گفته است که به وجود خدا اعتقاد ندارد. با این حال به بسیاری از افکاری که مربوط به مسائل اجتماعی بیان می‌کنید از جمله تساوی حقوق زن و مرد و تعلیم و تربیت عمومی علاقه‌مند است.

_____ در یک جلسه در روستا با شرکت چندین رئیس قبیله از منطقه، شما افکاری در مورد آموزش کودکان را مطرح می‌کنید. بعد از جلسه یکی رؤسای قبایل می‌آید تا با شما صحبت کند. می‌گوید که می‌داند شما بهائی هستید و بسیاری از پیشنهادات شما را می‌پسندد. او می‌خواهد بیشتر در مورد امر بداند.

_____ یکی از دوستانی که به تازگی تسجیل شده است شما را به خانه‌اش می‌برد تا با خانواده‌اش آشنا شوید. آنها با بهائی بودن او مخالفند و سعی دارند او را به ترک دیانت بهائی وادار کنند.

_____ یکی از دوستانی که به تازگی تسجیل شده است شما را به خانه‌اش می‌برد تا با خانواده‌اش آشنا شوید. او می‌گوید آنها خیلی به امر علاقه‌مند هستند و بی‌صبرانه منتظرند بیشتر بدانند.

۶. در هر یک از موارد زیر، چه منش‌هایی موجود و چه صفاتی مفقود است؟

- نگرستن به فقیر به دیده تحقیر: _____

- نگرستن به غنی به چشم تعظیم: _____

۷. مثالی بیاورید که چگونه فردی در بیان حقایق امر ممکن است موارد زیر را انجام دهد:

– بیش از حد اصرار ورزیدن : _____

– کاستن ذره‌ای از حقیقت: _____

بخش پانزدهم

حضرت ولی امرالله در بیان زیر به ما خاطر نشان می‌سازند که مثل همه موارد دیگر، برای تعیین مناسب‌ترین رویکرد تبلیغی در هر موقعیت، باید به حضرت عبدالبهاء ناظر باشیم:

«بگذارید نمونه‌ای را که حضرت عبدالبهاء به وضوح در برابر ما نهاده است در نظر آوریم. آن حضرت با حکمت تام و مهارت کامل عمل می‌نمود، در ملاقات‌های اولیه با نهایت دقت و حضور ذهن بیان مطلب می‌فرمود، در جمیع سخنرانی‌های خود در مجامع عمومی وسیع النظر بود، با صبر و احتیاط به تدریج تعالیم و اصول محکمه امر الهی را تشریح می‌نمود، هنگام دعوت با عاطفه و احساس شدید و در زمان مباحثه با وقار و سکون سخن می‌گفت، با لحنی قاطع و مطمئن و عزمی راسخ و وقاری کامل رفتار می‌نمود. این چنین بود خصایص ممتاز مولای محبوب ما در ارائه امر نازنین حضرت بهاءالله.»^{۲۴} (ترجمه)

۱. وقتی سعی می‌کنید هنگام تبلیغ از الگوی حضرت عبدالبهاء پیروی کنید، چگونه عمل خواهید نمود؟

 ۲. وقتی برای اولین بار با کسی روبرو می‌شوید، سعی می‌کنید چگونه باشید؟

 ۳. خصیصه اظهاراتی که هنگام صحبت در باره امر در مکان عمومی استفاده می‌کنید چه خواهد بود؟

 ۴. چگونه توجه مردم را به حقایق و اصول امرالله جلب خواهید نمود؟

 ۵. سعی دارید در هر کدام از موارد زیر چگونه باشید:
- در دعوت؟
- در مباحثه؟
- در لحن؟
- در عزم؟
- در رفتار؟

- حال نصّ فوق را از بر کنید.

بخش شانزدهم

واحد حاضر را با یادآوری این نکته که «بودن» و «عمل کردن» دو جنبه مکمل و جدایی ناپذیر حیات روحانی هستند آغاز نمودیم. سپس چندین بخش را به بررسی بعضی از صفات روحانی اختصاص دادیم که باید ضمن شرکت در فعالیت‌های تبلیغی مستمر و سیستماتیک پرورش دهیم. بحث در باره تواضع توجه ما را به روحیه یادگیری که برای تبلیغ بسیار ضروری است معطوف نمود. همچنین در باره اینکه چطور منش‌های دیگر می‌توانند شیوه تبلیغ ما را تحت تأثیر قرار دهند

بصیرت‌هایی کسب کردیم. حال اجازه دهید یک قدم پیش‌تر رفته و ماهیت رابطه خود را با کسانی که تبلیغ می‌کنیم بررسی نماییم. این روابط باید چگونه باشند؟ آثار مبارکه در این مورد به ما چه می‌گوید؟

اولین مفهومی که احتمالاً به ذهن می‌آید دوستی است. در بستر مجهودات تبلیغی فردی، توانایی ایجاد پیوندهای دوستی با مردم واضحاً بسیار ضروری است. این توانایی حتی هنگام مشارکت در کمپین‌های جمعی نیز بسیار حیاتی است – مثلاً وقتی جوانان را به مطالعه دوره‌های مؤسسه به عنوان ابزاری برای افزایش قابلیت خدمت دعوت می‌کنیم؛ وقتی کلاس‌های جدیدی برای آموزش روحانی کودکان و گروه‌هایی برای تواندهی روحانی نوجوانان تشکیل می‌دهیم؛ وقتی در محله‌ها و دهکده‌هایمان به منازل کسانی می‌رویم که به تازگی تسجیل شده‌اند تا موضوعات مختلفی را با هم بررسی کنیم؛ وقتی به تلاش‌هایی برای تبلیغ مستقیم پیام حضرت بهاء‌الله میان جمعیت‌های مستعد مشغول می‌شویم. توانایی ما برای ایجاد روابط صمیمی در تمام این موقعیت‌ها، نحوه برخورد ما، نحوه تعامل ما و توانایی ما برای اثرگذاری بر قلوب این افراد را تعیین می‌کند.

سؤالی که باید از خود بپرسیم این است که چگونه این توانایی مهم را پرورش دهیم. خلق و خوی ما البته متفاوت است. بعضی از ما، یا به دلیل تربیت خانوادگی و یا خصوصیات ذاتی، دوست‌یابی برایمان آسان است. برخی به راحتی می‌توانند باب مکالمه را با افراد کاملاً غریبه آغاز کنند. برخی خجالتی هستند و این کار برایشان ساده نیست. با این وجود، فارغ از هر نوع شخصیتی که داشته باشیم، باید درک کنیم که با تلاش آگاهانه می‌توانیم با دیگران با روح و ریحان معاشرت کنیم. آثار مبارکه حاوی نصایح متعدّد و ارزشمندی در این خصوص می‌باشد که چند نمونه آن ذیلاً درج گردیده است. عبارت‌های داخل گیومه مستقیماً از آثار مبارکه گرفته شده‌اند. پیشنهاد می‌شود همه موارد را چندین بار بخوانید و با دیگر اعضای گروه خود در باره آنها بحث کنید.

به ما گفته شده است که «ظلمت بیگانگی» را از میان برداریم و «جمع را آشنا دانیم». از ما انتظار می‌رود که «با جمیع طوائف و ملل یگانگی نماییم». ما باید ناظر به «افق عزّت قدیمه» باشیم و هریک از آفریده‌های خداوند را «آیتی از ربّ الآیات» بدانیم. زیرا از فضل و قدرت اوست که «به عرصه وجود قدم نهادند».

از ما خواسته شده است تا «در نهایت مهربانی و محبت با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نماییم» و نظر به «استعداد و استحقاق» آنها نکنیم.

اگر نفسی «شماست کند» ما باید «محبّت نمایم». اگر او ما را «ملاّت کند» ما باید او را «ستایش فرمایم». اگر به ما «سمّ قاتل» برساند ما باید به او «شهد فائق» بدهیم. اگر او ما را «به هلاکت اندازد» ما باید به او «شفای ابدی» بخشیم. اگر او «درد» شود ما باید «درمان» او گردیم. و اگر او «خار» شود ما «گل و ریحان» گردیم.

باید همّت کنیم تا «جميع ملل و طوائف، حتّى الأعداء» از ما «مطمئن و امین و امیدوار باشند». اگر کسی «صدهزار جفا نماید» باز هم باید بتواند «امیدوار به عفو خطا باشد» و «نومید نگرده» و «دلگیر نشود».

ما باید «یکدیگر را در نهایت قوّت نگهداری نمایم و حیات جاودانی طلبیم» و «رحمت و موهبت» حقّ شویم.

به ما گفته شده است که به همه «دوستی و مهربانی» کنیم و «غم خواری و خوش رفتاری» نشان دهیم. «هر تشنه‌ای را آب زلال» باشیم و «هر گرسنه‌ای را مائده آسمان». ما باید «مظهر محبّت رحمانی» گردیم. باید «محبّت و الفت را جنت نعیم» دانیم و «کدورت و عداوت را عذاب جحیم».

باید مراقب باشیم که مبدا «خاطری» را بیازاریم و «نفسی» را «محزون» کنیم. حتّى اگر نفسی «بدکردار و بدخواه» باشد نباید «خاطری» بیازاریم. به ما دستور داده شده است که به «خلق» نظر نکنیم، بلکه ناظر به «خالق» باشیم.

از ما خواسته شده است که برای «خیر بشر جانفشانی» کنیم و «شب و روز در سعی و کوشش برای اصلاح امم» باشیم. باید گریان از «گریه» مخلوق پروردگار و «محزون» برای اطفال او باشیم. ما باید «از راحت و آسایش خویش» بگذریم «تا سبب آسایش عالم آفرینش» گردیم.

به ما گفته شده است که «یتیمان را پدر مهربان و بیچارگان را ملجأ و پناه و فقیران را کنز غنا و مریضان را درمان و شفا» باشیم. ما باید «معین هر مظلوم و مجیر هر محروم» باشیم. ما باید در همه حال «خدمت به هر نفسی از نوع بشر» نمایم.

ما باید «در تطبیب قلوب بکوشیم» و برای «تسریع نفوس» جهد نماییم. باید «به هر نفسی رسیم خیری» بنماییم و «نفعی» برسانیم. ما باید تلاش کنیم تا «سبب تحسین اخلاق» گردیم و «تعدیل افکار». وظیفه ما این است که مردم را به سوی خدا «بخوانیم» و نوع بشر را «به روش و سلوک ملأ اعلی دعوت» کنیم.

ما فراخوانده شده ایم تا «محرومان را محرم اسرار» کنیم. ما باید «خفتگان را بیدار» و «غافلان» را «هوشیار» نماییم. باید «مردگان را حیات» بخشیم و «خفتگان را بیدار» کنیم. «در ظلمت امکان شعله نورانی» باشیم و «در بادیۀ گمراهی چشمه حیات» و «هدایت ربّانی» گردیم.

شاید مایل باشید نصّ ذیل را از آثار حضرت عبدالبهاء حفظ کنید:

«انتم یا احبّاء الله ثبتوا أقدامکم علی امرالله ثبتوا لا یزلزلہ اعظم حوادث فی الدنیا لا تضطربوا من شیئی فی حال من الأحوال کونوا کالجبال الرّاسیات و نجومها بازغة من افق الکائنات و سرجاً لامعة فی مجامع التّوحید و نفوساً خاضعة لاحبّاء الله بقلب سلیم. کونوا آیات الهدی و انوار التّقی منقطعین عن الدنیا متشبّثین بالعروة الوثقی ناشرین لروح الحیاة راکبین علی سفینه النّجاة مظاهر الجود مطالع اسرار الوجود مهابط الالهام و مشارق الانوار مؤیدین بروح القدس منجذبین الی الحق منزّهین عن کلّ الشّئون مقدّسین عن أوصاف البشر متخلّقین باخلاق ملائکة السّماء حتّی تفوزوا بالموهبة الکبری فی هذا القرن العظیم و العصر الجدید.»^{۲۵}

مضمون: و شما ای احبّای الهی! قدم هایتان را بر امر پروردگار ثابت و استوار بدارید، تا جایی که حتّی بزرگترین پیشامدهای عالم تزلزلی در شما ایجاد ننماید. در هیچ موقعیتی از هیچ چیز مضطرب نشوید، همانند کوه پا برجا باشید، همچون ستاره‌های درخشان از کرانه‌های عالم هستی طلوع نمایید و چون سراج منیر در مجامع توحید پرتو افکنید و با دلی صاف و پاک در برابر احبّای خدا فروتنی نمایید. آیات هدی شوید و انوار تقی گردید. از دنیا و مافیها منقطع شوید و به ریسمان محکم الهی چنگ زنید. ناشر روح حیات و راکب سفینه نجات باشید. مظهر سخاوت و بخشش ایزدی و بیانگر اسرار آفرینش شوید. مهبط الهام و مشرق انوار گردید. مؤید به تأییدات روح القدس شوید. خود را مفتون و مجذوب حقّ نمایید. از همه شئون

عالم پاک شوید. از اوصاف بشر مقدّس گردید و به اخلاق و صفات ملائکه آسمان متخلّق و آراسته شوید تا از موهبت بزرگی که برای این قرن عظیم و عصر جدید مقدّر شده نصیب برید.

بخش هفدهم

در حین آن که با همگان به روح و ریحان معاشرت می‌کنیم و می‌کوشیم حیاتی همسوبا تعالیم داشته باشیم، دیگران را به امر مبارک جذب می‌کنیم. البتّه از ما انتظار نمی‌رود که کامل باشیم و هرگز ادّعا نمی‌کنیم که از هر عیبی مبرا هستیم. ولكن به همان اندازه که صفات ذکر شده در تعالیم را منعکس می‌کنیم، به مجراهایی مؤثر برای انتشار رايحه ملکوتی تبدیل می‌شویم. تحت لوای همین مفهوم است که اغلب صحبت تبلیغ به عمل مطرح می‌گردد. ولی باید مراقب باشیم که عبارت «تبلیغ به عمل» بهانه‌ای برای تبلیغ نکردن نشود. درست است که باید به صفات معنوی، خصوصیات، اعمال و درستی کردار خویش توجّه خاص داشته باشیم، امّا نباید فراموش کنیم که در حقیقت با مفتاح بیان است که مدائن قلوب گشوده می‌گردد. برای روشن شدن موضوع، بیایید به دو دسته از نصوص توجّه نماییم و مفهوم هر دسته را در کنار دیگری درک کنیم. ابتدا نصوص ذیل را بخوانید:

«و منکم من اراد ان یبلّغ امر مولاه فلینبغی له بان یبلّغ اوّلا نفسه ثمّ یبلّغ النّاس لیجذب قوله قلوب السّامعین و من دون ذلک لن یؤثّر قوله فی افئدة الطالبین.»^{۲۶}

مضمون: کسی از شما که قصد تبلیغ امر مولای خود را دارد، شایسته است که قبل از هر چیز ابتدا به تبلیغ خویش پردازد، پس از آن مردم را تبلیغ کند تا کلامش قلوب سامعین را جذب کند، و در غیر این صورت کلام او در دل‌ها تأثیری نخواهد گذاشت.

«فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بالاترید و به تنهایی پیروزی بی‌چون و چرای این امر مقدّس را تضمین کند و آن این است که بینیم حیات معنوی و صفات و سجایای خصوصی ما تا چه درجه تعالیم سرمدی شریعت حضرت بهاءالله را در جلوه‌های گوناگون آن منعکس می‌سازد.»^{۲۷} (ترجمه)

«هر نفسی الیوم بجنود اخلاق و تقوی نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند البتّه آثارش در اشتهار ظاهر و هویدا گردد.»^{۲۸}

«اعمالشان فریاد بر آورد که من بهائی هستم تا سبب ترقّی عالم انسانی شوند. اگر انسان باعمال بهائی قیام و رفتار کند هیچ قول لازم ندارد. اعمال است که جهان را ترقّی داده. اعمال است که این مدنیّت را ترویج کرده. اعمال است که این صنایع را آشکار کرده. اعمال است که این اکتشافات را ظاهر کرده. اعمال است که عالم مادی را به این درجه رسانده. اگر چنانچه اعمال نبود اقوال بود آیا ممکن بود این مدنیّت مادی حاصل شود. پس باین برهان میتوانیم استدلال کنیم که روحانیّات هم نظیر مادیّاتست. اعمال اهل ملکوت سبب حیات قلوب میشود نه اقوال. اعمال خیریّه سبب مسرّت وجدان میشود فضائل عالم انسانیّه سبب نورانیّت بشر میشود.»^{۲۹}

حال بیانات زیر را مطالعه کنید:

«چنین اوقات یاران الهی فرصتی یابند و وقت غنیمت شمرند و جولان کنند و از این میدان گوئی بریابند و اگر کار ایشان منحصر به حُسن سلوک و موعظه حَسنه باشد، کاری از پیش نرود باید لسان به بیان برهان گشود و اقامه ادلّه واضح و حجت قاطعه بر ظهور شمس حقیقت نمود.»^{۳۰}

«پس نظر به استعداد خود نکن نظر به فضل بی منتهای جمال ابهی نما که فیضش شامل است و فضلش کامل.»^{۳۱}

«توجّه به ملکوت الهی کن و استفاضه از فیض روح القدس و زبان بگشا تأییدات روح می رسد.»^{۳۲}

«ان یا احبّاء الله لا تستقرّوا علی فراش الرّاحة و اذا عرفتم بارءکم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النّصر ثمّ انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و ان هذا خیر لکم من کنوز ما کان و ما یكون لو انتم من العارفين»^{۳۳}

مضمون: ای احبّای الهی بر بستر راحت نیارمید و در آن لحظه که پروردگار خود را شناختید و از آنچه بر او گذشته آگاه شدید بی درنگ بر نصرت امر او قیام کنید. زبان بگشایید و آنی ساکت ننشینید. این از تمام گنجینه‌هایی که از قبل بوده و من بعد خواهد بود برای شما با ارزش تر است، اگر واقف باشید.

«اگر یاران الهی همیشه منتظر می‌شدند تا کاملاً شایسته انجام کار خاصّی شوند، کار امر تقریباً دچار وقفه می‌گردید. اما همین کوشش برای خدمت، با وجود احساس عدم شایستگی و لیاقت، تأییدات الهی را جذب می‌کند و فرد را قادر می‌سازد تا برای انجام وظیفه آماده گردد.

«امروز نیاز بشریت به شنیدن پیام الهی آنچنان شدید است که احبّاء باید، هر کجا و هر طور که بتوانند، بدون در نظر گرفتن نقایص خاصّ خود بلکه با در نظر گرفتن نیاز مبرم هم‌نوعان برای استماع تعالیم الهی در این تاریک‌ترین ساعات حیات عالم انسانی کاملاً در این وظیفه غرق شوند.»^{۳۴} (ترجمه)

اگر دسته اول را از سایر آثار مبارکه در مورد تبلیغ - که فقط چند مثال از آن در دسته دوم ذکر گردید - جدا نماییم و فقط بر آنها تمرکز کنیم، شاید آنها را بهانه خوبی برای تبلیغ نکردن قرار دهیم. وقتی در این دام می‌افتیم که اشتباهاً به این نتیجه برسیم که وظیفه اولیّه ما بهبود حالات درونی و شخصیت خودمان است تا به مرحله‌ای از کمال برسیم که برای تبلیغ نیازی به کلمات نباشد زیرا دیگران چنان مجذوب ما می‌گردند که برای تحقیق در امر مبارک خودشان اقدام خواهند کرد. در عین حال می‌دانیم که گرچه حضرت عبدالبهاء مثل اعلاّی حیات بهائی بودند، اما از قدرت بیان مبارک بهره جسته و در هر فرصت مناسبی در باره امرالله صحبت می‌کردند.

نکته‌ای که دانستن آن اهمّیت دارد این است که مفهوم دسته اول از بیانات راجع به روش تبلیغ نیست. این بیانات حقایق عمیق روحانی را در مورد اهمّیت حالت درونی مان آشکار می‌سازند. آنها به ما یادآوری می‌کنند که شخصیت پسندیده و حسن اخلاق به اعمال ما قوّت می‌بخشند، و به ما هشدار می‌دهند که اعمال ما نباید با اقوالمان متناقض باشد. مثلاً اگر نفسی به دیگران در باره صداقت تعلیم می‌دهد، باید صمیمانه بکوشد که صادق باشد.

به طور کلی حکیمانه نیست که برای موضوع گسترده و عمیقی همچون تبلیغ، براساس یک یا دو نص نتایج کلی گرفت.

با در ذهن داشتن این افکار، بیاید به آیات مبارکه فوق بازگردیم و همچنان که جاهای خالی در جملات زیر را با کلمات مناسب پر می‌کنیم، بر آنها تأمل نماییم.

۱. کسی از شما که قصد تبلیغ امر مولای خود را دارد، شایسته است که _____

۲. و در غیر این صورت _____

۳. فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بالاتر دید و به تنهایی پیروزی بی‌چون و چرای این امر مقدّس را تضمین کند و آن این است که _____

۴. هر نفسی الیوم به _____ و _____ نصرت نماید و لله وفی سبیل الله البتّه آثارش در _____ گردد.

۵. اعمالشان فریاد برآورد که من بهائی هستم تا سبب _____ .

۶. اگر انسان به اعمال بهائی قیام و رفتار کند، _____ . اعمالشان فریاد برآورد که _____ .

۷. اعمال است که _____ . اعمال است که _____ . اعمال است که _____ . اعمال است که _____ .

۸. اگر چنانچه اعمال نبود اقوال بود آیا ممکن بود _____ .

۹. اعمال _____ سبب _____ نه اقوال. فضائل _____ می‌شود.

۱۰. اگر کار ایشان منحصر به حسن سلوک و موعظه حسنه باشد
_____ باید _____ برهان گشود و
_____ واضح و _____ بر ظهور شمس حقیقت نمود.
۱۱. ما نباید به استعداد خود نظر کنیم، بلکه باید نظر به
_____ نماییم.
۱۲. ما باید توجّه به ملکوت الهی کنیم و _____ و زبان
_____ بگشاییم، _____.
۱۳. نباید در بستر راحت بیارامیم بلکه باید در آن لحظه که پروردگار خود را شناختیم و از آنچه بر
او گذشته آگاه شدیم _____.
۱۴. ما باید زبان بگشاییم و _____ نشینیم. این از تمام
_____ برای ما با ارزش تر است.
۱۵. اگر همیشه منتظر می شدیم تا کاملاً شایسته انجام کار خاصی شویم
_____.
۱۶. اما همین کوشش برای خدمت، با وجود احساس عدم شایستگی و لیاقت
_____.
۱۷. امروز نیاز بشریت به شنیدن پیام الهی آنچنان شدید است که ما باید، هر کجا و هر طور که
بتوانیم، بدون در نظر گرفتن _____ بلکه با در نظر گرفتن نیاز
_____ در این تاریک ترین ساعات حیات عالم انسانی
کاملاً _____ شویم.

بخش هجدهم

این واحد به صفات روحانی و منش‌هایی پرداخت که باید وجه تمایز تلاش‌های ما برای تبلیغ باشند؛ بیایید آن را با به خاطر آوردن سرمشق حضرت عبدالبهاء در سفرهایشان به غرب خاتمه دهیم. در بیان زیر از حضرت ولی امرالله روش حضرت عبدالبهاء هنگام ابلاغ پیام پدر بزرگوارشان با کسانی که ملاقات می‌نمودند توصیف شده است. این بیان ما را برای واحد بعد که در آن به نفس عمل تبلیغ می‌پردازیم آماده می‌کند.

«در طیّ این اسفار از هیکل مبارک چنان روح حیات و استقامت و انقطاع و فعّالیت و توجّه تامّ و حصر افکار در اجرای منظور مقدّسی که لأجل آن قیام فرموده بود ظاهر و باهر گردید که ملازمان حضور و کافّه نفوس که از نزدیک افتخار ملاحظه اطوار و افعال آن وجود اقدس را داشتند در دریای بهت و حیرت مستغرق شدند. در احیان سفر و گردش بلاد حضرتش به هیچ وجه به مناظر و مواقع بدیعه و ابنیه و جهات عالیّه که انظار واردین و مسافرین را به خود معطوف می‌ساخت و ملتزمین رکاب اکثر از لحاظ تنوّع و رفع خستگی و انبساط خاطر مبارک مایل بودند که هیکل اکرم آن مواضع و مواقع را دیدن نمایند توجّهی نمی‌فرمود به صحّت و سلامت خویش اهمّیت نمی‌داد و با وجود ضعف و نقاهت به آسایش و راحت خود نمی‌پرداخت. شب و روز به نشر نفحات الله مشغول بود و روز و شب به تبشیر ملکوت الله مألوف. امر دیگر که موجب جلب انظار و توجّه نفوس از خاصّ و عامّ گردید مراتب استغنا و استقلال آن مظهر لطف و عطا و معدن جود و سخا بود. آن وجود اکرم از قبول هدایا و تحف یاران و اعانات دوستان که جهت مصاریف مبارک به طیب خاطر و شعف وافر تقدیم می‌نمودند امتناع می‌ورزید و از تفقّد حال ملهوفین و دلجویی مظلومین و عیادت مرضی و بذل به فقرا و مستمندان آن دیار خودداری نداشت. چون ابر رحمت بر اراضی قلوب کئیه می‌بارید و چون آفتاب مکرم بر ارواح و عقول مستعدّه پرتو می‌افکند. به اعتراضات رؤسا و پیشوایان متعصّب مذهبی اعتنا نمی‌فرمود و به حملات مغلّین و تحریکات مخالفین واقعی نمی‌گذاشت. از کرسی خطابه و نطق حقّانیت امر حضرت مسیح را در معابد یهود و حقّیت رسالت حضرت سید المرسلین را در کنائس ابناء کلیم و ملّت روح به نهایت صراحت و صرامت اثبات و مدلّل می‌فرمود و همچنین وحدت ظهورات الهیه و

لزوم اتباع تعالیم ربّانیه را نزد مادّیّون و زناده و معترضین و مرتابین تشریح و توضیح می نمود. در تجلیل و تکریم مقام حضرت بهاءالله در مجامع و محافل و هیاکل و صوامع مرکّب از اجناس و طبقات و مذاهب مختلفه من دون ستر و حجاب می کوشید و از قبول طرفداری و پشتیبانی اهل ثروت و قدرت و ارباب نفوذ و مکانت که در موارد عدیده چه در انگلستان و چه در آمریکا نسبت به انجام هرگونه خدمت و بذل هر نوع مساعدت در راه انتشار و تقویت پیام آن منادی بقا اظهار میل و اشتیاق می نمودند شدیداً استنکاف می فرمود. برتر و بالاتر از همه این مراتب سجدیه محبت و عطوفتی بود که آن قدوة اهل بهاء و مرکز عهد اتمّ اوفی به کمال خلوص و صمیمیت نسبت به کافّه ناس از بیگانه و آشنا و ضعیف و شریف علی حدّ سوی ابراز می داشت. و این اظهار عنایت و بذل مرحمت به مکان و زمان مخصوص محدود نبود و به افراد معدود اختصاص نداشت بلکه جمیع نفوس در هر مقام و رتبت و از هر طبقه و ملت که به محضر انورش مشرف و به فیض زیارتش مفتخر مشمول الطاف بی کران و مورد فضل و احسان بی پایانش واقع می گشتند. بدین طریق آن مشرق مواهب سبحانی و مطلع انوار رحمانی در مدت سه سنه اهل عالم را که در دریای اوهام و افکار مادّیه مستغرق و در بادیه اغراض و تعصّبات جاهلیّه سرگردان و بسبات غفلت و دوری از حقّ و حقیقت گرفتار بودند نصیحت و ارشاد نمود و آنچه مایه نجات عباد و آسایش من فی البلاد است تشریح و جامعه انسانی را به ورود در شریعه ربّانی و دخول در سراپرده وحدت و یگانگی دعوت فرمود.»^{۳۵} (ترجمه)

پس از مطالعه مجدد بیان بالا، صفات و منش های حضرت عبدالبهاء در مراوداتشان با مردم و رویکردشان در مکالمات امری با دیگران را در چند جمله توصیف کنید. به عنوان مثال: «روح حیات و استقامت و انقطاع از ایشان ظاهر گردید».

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

_____	۶.
_____	۷.
_____	۸.
_____	۹.
_____	۱۰.

مراجع

۱. فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۶۰ (چاپ آمریکا).
۲. فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۷۲ (چاپ آمریکا).
۳. نامه مورّخ ۸ نوامبر ۱۹۵۶ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند (انگلیسی، چاپ استرالیا).
۴. نامه مورّخ ۶ نوامبر ۱۹۴۹ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند (انگلیسی، چاپ استرالیا).
۵. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس، ص ۱۰۹ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی، عربی، آلمان).
۶. نامه مورّخ ۱ سپتامبر ۱۹۳۳ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند (انگلیسی، چاپ استرالیا).
۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۶، ص ۲۵۹.
۸. نامه مورّخ ۳۰ جون ۱۹۳۷ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند (انگلیسی، چاپ استرالیا).
۹. اصل کل خیر، منتشر شده در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۹۳.
۱۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۳، ص ۲۵۸.
۱۱. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۴، ص ۲۵۹.
۱۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۵، ص ۱۴.
۱۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۲، ص ۱۸۵.

۱۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۰۰، ص ۱۳۲.
۱۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۰۴، ص ۲۴۳.
۱۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۴۲، ص ۱۹۹.
۱۷. منتخباتی از توقیعات مبارک ۱۹۲۲-۱۹۳۲ مذکور در *Bahá'í Administration* (انگلیسی، ص ۶۹).
۱۸. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱۷، ص ۲۶۰.
۱۹. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵، ص ۲۸.
۲۰. حضرت بهاءالله، کلمات مکنونه عربی، شماره ۴۲، ص ۴۳.
۲۱. نامه مورّخ ۸ نوامبر ۱۹۵۶ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند (انگلیسی، چاپ استرالیا).
۲۲. پیام مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای.
۲۳. حصن حصین شریعت الله، صص ۳۱-۳۲ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان).
۲۴. منتخباتی از توقیعات مبارک ۱۹۲۲-۱۹۳۲ مذکور در *Bahá'í Administration* (انگلیسی ص ۷۰).
۲۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۹۹، ص ۲۳۴.
۲۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۸، ص ۱۷۷.
۲۷. منتخباتی از توقیعات مبارک ۱۹۲۲-۱۹۳۲ مذکور در *Bahá'í Administration* (انگلیسی ص ۶۶).

۲۸. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۱، ص ۱۸۳.
۲۹. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۱-۱۹۱۲، ص ۱۲۸-۱۲۹ (لجنة نشر اثار امری به زبان فارسی و عربی، آلمان).
۳۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۹۹، ص ۲۳۴.
۳۱. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵۳، ص ۱۷۵.
۳۲. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۱۵۳، ص ۱۷۵.
۳۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۵۴، ص ۲۱۲.
۳۴. نامه مورّخ ۴ می ۱۹۴۲ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند (انگلیسی، چاپ استرالیا).
۳۵. حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ص ۵۶۵.



عمل تبلیغ

هدف

تقویت قابلیت تشخیص و پرورش استعداد پذیرش
امرالله، و توسعه قابلیت برای ارائه‌ای مستدل از امر
مبارک متناسب با شرایط، به عنوان بخشی از یک
تلاش تبلیغی فردی یا در بستر یک کمپین جمعی

بخش اوّل

پس از تعمّق در ماهیت روحانی تبلیغ در واحد اوّل و صفات و منش های لازم برای کسانی که تبلیغ می کنند در واحد دوم، حال بیابید توجّه خود را به نفس عمل تبلیغ معطوف نماییم. معمولاً عمل مقدّس تبلیغ را در دو بستر انجام می دهیم: در تلاش های فردی مان به عنوان افراد و در مجهودات جمعی در سطح مردمی. البته به عنوان عضوی از هسته مرکزی در حال تزاید از دوستان در محله ها و دهکده هایمان که به اقداماتی برای ساخت جوامع پویا اشتغال دارند، با افراد بسیار زیادی از پیشینه های مختلف ارتباط گرفته ایم - برای مثال دانش آموزان دبیرستان، دانشجویان، والدین و خویشاوندان کودکان و نوجوانانی که در برنامه های آموزش روحانی مؤسسه شرکت می کنند، معلّم ها، کشاورزان، رؤسای قبایل و دیگر رهبران محلی. همچنین دریافته ایم که برخی از آنان مایلند بیشتر در باره امر بدانند. مشارکت ما در فرایند مؤسسه نیز به تقویت قابلیت های لازم برای هدایت نفوس به اقیانوس ظهور حضرت بهاءالله کمک کرده است، به خصوص آن دسته از قابلیت هایی که ما را قادر می سازند تا فهم خود از مفاهیم عمیق را بیان کنیم و واقعیت روحانی را در گفتگوهای مهم بررسی نماییم. در کنار قابلیت های مذکور، پرورش یک مورد دیگر ضروری است، چه برای مساعی تبلیغی فردی و چه به عنوان شرکت کننده در مجهودات جمعی، و آن قابلیت تشخیص و پرورش استعداد پذیرش پیام حضرت بهاءالله می باشد. اهمّیت ساختن این قابلیت را در بخش های پیش رو بررسی خواهیم کرد. ابتدا بیابید بر کلمات زیر از حضرت بهاءالله تأمل کنیم. شاید مایل باشید آن را به خاطر بسپارید:

«إذا وجدتم عطشاً فاسقوه من كأس الكوثر والتّسليم و ان وجدتم ذات اذن واعية فاتلوا عليه آيات الله المقتدر العزيز الرحيم. ان افتحوا اللسان بالبيان الحسنه ثمّ ذكروا الناس ان وجدتموهم مقبلاً الى حرم الله...»^۱

مضمون: هر زمان تشنه ای را دیدی از لیوان آب زندگانی به او بنوشان و هنگامی که گوش شنوایی یافتی بر او آیات خداوند مقتدر عزیز مهربان را بخوان. زبان به بیان نیک بگشا سپس مردم مقبل به حرم الهی را به سوی حقیقت ندا کن.

بخش دوم

از جمله مفاهیم مهم برای نفوسی که مایلند قابلیت خود را در تشخیص و پرورش استعداد پذیرش امرالله افزایش دهند، درک این مطلب است که تبلیغ فراتر از ابلاغ کلمه صرف می باشد.

ابلاغ کلمه عملی بسیار شایسته و ضروری است که با درجات مختلفی از رسمیت توسط افراد، جوامع و مؤسسات صورت می گیرد. چنین اقدامی مردم را با اهداف و ایده آل های متعالی امر مبارک آشنا می سازد و به آنها در تقویت نگرشی مثبت نسبت به امر الهی کمک می کند. تبلیغ، عنصر ابلاغ کلمه را نیز دربردارد اما هدف اصلی آن کمک به نفوس برای شناخت حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور این عصر، تزئید معلومات و تحکیم در امری که به تازگی با آن آشنا شده اند می باشد. البته احتمال دارد که از طریق عمل ابلاغ کلمه، نفس مستعدی شیفته امر گردد و بخواهد بعد از قدری تحقیق تسجیل شود. با این حال نباید انتظار داشته باشیم که حداقل در این برهه تاریخی ابلاغ کلمه به تنهایی قلوب زیادی را به حضرت بهاءالله متصل سازد، مهم نیست طراح یک پروژه چقدر مفصل باشد و یا یک رویداد با چه میزان مهارت اجرا شود. تبلیغ فراتر از دادن اطلاعات و رها کردن مردم به حال خودشان است. تبلیغ مستلزم گفتگوی دوطرفه است، مکالمه ای بین مؤمنین راسخ و نفوسی که خواستار شنیدن در باره ظهور حضرت بهاءالله و تحرّی حقیقتند. برای تفکر بیشتر بر این نکته، بیایید مثال زیر را در نظر بگیریم.

یکی از روش های مؤثر تبلیغ امرالله، انعقاد بیوت تبلیغی است. بیوت تبلیغی جلسات گرم و صمیمانه ای هستند که در منزل یک نفر با دعوت از اشخاص علاقه مند تشکیل می شوند. این جلسات فرصت هایی عالی برای تبادل افکار و گفتگوهای پربار به وجود می آورد که ممکن است مردم را به پذیرش حضرت بهاءالله هدایت کند. هر چند اگر دقت لازم به عمل نیاید، بیت تبلیغی به آسانی می تواند به رویدادی برای ابلاغ کلمه تبدیل گردد.

حال فرض کنید که شما یک بیت تبلیغی هفتگی در منزلتان برگزار می نمایید. هر جلسه را با خوش آمدگویی به مهمانان شروع می کنید و از یکی از بهائیان حاضر می خواهید مناجاتی تلاوت کند. سپس سخنران جلسه به مدت سی تا چهل و پنج دقیقه در باره موضوع امری خاص صحبت می کند. در انتها می پرسید که آیا کسی سؤالی دارد و معمولاً یک یا دو سؤال مطرح می گردد که سخنران سعی

می‌کند پاسخ دهد. پذیرایی انجام می‌شود و مهمانان به خانه برمی‌گردند. آیا موافقید که چنین جلساتی، که به‌نفسه مفیدند، بیشتر شبیه به یک رویداد ابلاغ کلمه هستند؟

فرض کنید بعد از مدّتی تصمیم می‌گیرید که برنامه جلسه را تغییر دهید. پس بعد از سخنرانی در هر جلسه بیت تبلیغی، یک یا دو دوست هنرمند را برای اجرای موسیقی دعوت می‌کنید، به این امید که موسیقی جوّ روحانی را افزایش دهد. آیا فکر می‌کنید با چنین کاری بیت تبلیغی را از ابلاغ کلمه به تبلیغ تغییر داده‌اید؟

بعضی از راهکارهایی که بدان طریق می‌توان بیت تبلیغی را بیشتر به فعالیت تبلیغی تبدیل نمود کدامند؟

بخش سوم

حال با در ذهن داشتن تفاوت میان تبلیغ و ابلاغ کلمه، بیاید به شناسایی نفوس مستعد بیندیشیم، نفوسی که قلوبشان در پی حقیقت است. البته باید دائماً دعا کنیم تا خداوند ما را به سمت نفوسی که برای دریافت پیامش آماده نموده است هدایت کند، اما ما نیز باید بتوانیم هنگام برخورد، نفوس مستعد را بشناسیم. این امر همیشه آسان نیست. حتّی در ارتباط با مساعی جمعی برای تبلیغ میان یک جمعیت مستعد، همه افراد علاقه ندارند پیام الهی را بشنوند و حقیقت آن را قبول کنند؛ یافتن نفوسی که آماده‌اند به ندای حضرت بهاءالله پاسخ دهند بر عهده ماست.

فرد مستعد ممکن است ظاهراً در جستجوی امر نباشد و یا اصلاً به دین علاقه نداشته باشد. در حقیقت، درک این نکته حائز اهمیت است که استعداد پذیرش امر با متدین بودن یکی نیست. شرط لازم اینست که شخص مشتاق دانستن درباره تعالیم باشد و حقیقت را با درجه‌ای از وسعت نظر بررسی نماید. همینطور که در عمل تبلیغ تجربه به دست می‌آوریم و قوای روحانی ما تقویت می‌شود، توانایی مان برای یافتن شرط مذکور افزایش می‌یابد.

گرچه نمی‌توانیم قوانین سخت و شدید برای شرایطی که یک فرد را مستعد می‌سازد تعیین کنیم ولی بعضی از عوامل مؤثر را می‌توانیم تشخیص دهیم. این عوامل افراد را در شرایط خاصی از زندگی در یک برهه زمانی مستعدتر می‌سازد. این موضوع هم در مورد افراد و هم جوامع به طور کلی صدق می‌کند. در این باره با دیگر اعضای گروه خود بحث کنید و عواملی که فکر می‌کنید در افزایش استعداد مردم مؤثر است را بنویسید. مانند مثال زیر:

آگاه شدن از شیوع بی‌عدالتی در دنیای امروز

پیشنهاد می‌شود پیش از مطالعه بخش بعد، بر بیان زیر از حضرت ولی امرالله تأمل نمایید که از رابطه میان آشوب عصر حاضر و استعداد شناخت امر الهی سخن می‌گوید.

«و نیز باید فرصت‌های گرانبهائی که انقلاب و التهاب عصر حاضر در دسترس یاران الهی می‌گذارد مع جمیع احزان و آلام و شدائد و اسقام و خوف و دهشت و انزجار و نفرت و عصیان و طغیان و اسف و حسرت و تلاش در راه آزادی و خلاص مورد استفاده واقع گردد

و بهمان قرار در سبیل اعلام و اشاعه قوه ناجیه امر حضرت بهاءالله در جمیع اقطار و استظلال مقبلین جدید در ظلّ شریعة الله و دخولشان در صفوف دائم الاتّساع امرالله به کار افتد.»^۲ (ترجمه)

همه ما به وضوح تمام می بینیم که انقلاب و التهاب جهانی که حضرت ولی امرالله چندین دهه گذشته توصیف کرده اند با گذشت زمان و فروپاشی نظم قدیم شدیدتر شده است. در زیر شرایطی که التهاب ایجاد می کند بیان شده است. با گروه خود درباره دلالت های ضمنی هریک برای امرتبلیغ صحبت کنید.

- احزان و آلام و شدائد و اسقام
- خوف و دهشت
- انزجار
- نفرت
- عصیان
- طغیان
- اسف و حسرت
- تلاش در راه آزادی و خلاص

بخش چهارم

هنگام برخورد با نفوس مستعد، با آنها به گفتگوهای گاهاً کوتاه و گاهاً طولانی می پردازیم که هدفشان کمک به درک مقام حضرت بهاءالله است. اما محتوای این گفتگوها چه باید باشد؟ به نفوسی که تبلیغ می کنیم چه باید بگوییم؟

پاسخ به این سؤال ابداً ساده نیست. از تجربیاتی که تا به حال از صحبت در باره تعالیم و اصول امر با دوستان و خانواده ها در جامعه تان کسب کرده اید، می دانید که فرمول خاصی وجود ندارد که یاد بگیریم و در هر موقعیتی برای هر فردی تکرار کنیم. افرادی که با ایشان چنین گفتگوهای صمیمانه ای داریم هر کدام دارای حالت روحانی خاص با نیازها و سؤال های متفاوتند. به عنوان

کسانی که سعی در تبلیغ امر داریم، باید پیوسته بیندیشیم که چطور می‌توانیم عقاید و مواضع امری را برای هر طالب حقیقت توضیح دهیم. چه باید گفت؟ افکار خود را باید با چه ترتیبی بیان نمود؟

در حالی که باید به تفاوت‌های فردی توجه کنیم، نباید با تأکید بیش از اندازه بر تفاوت‌ها تجربهٔ مشترک انسانی را فراموش کنیم. طریقی که مردم به پیام حضرت بهاءالله پاسخ می‌دهند از الگوی خاصی تبعیت می‌کند که مخصوصاً در میان مردم یک فرهنگ و با سابقهٔ یکسان قابل ملاحظه می‌گردد. مثلاً اگر شما دانشجو هستید و قصد تبلیغ دوستان خود را دارید، تدریجاً یک معرفی مقدّماتی از امر را خواهید یافت که برای اکثر دوستانتان مؤثر خواهد بود. جزئیات آنچه می‌گویید ممکن است براساس موقعیت، سؤالات و علایق گوناگون شنوندگان تغییر کند ولی الگوی اساسی عوض نمی‌شود.

هنگامی که به طور سیستماتیک به راهی برای توضیح امر مبارک به دیگران فکر می‌کنید، ممکن است برای شما مفید باشد به دو جنبهٔ پیام الهی توجه نمایید. اوّل جنبهٔ اطلاعات است که طبعاً شنونده میل دارد در مورد امر بداند. چه زمانی دیانت بهائی تأسیس گردید؟ جامعهٔ بهائی چقدر وسیع است؟ تا چه حد گسترش پیدا کرده است؟ آیا بهائیان به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارند؟ تعالیم اصلی دیانت بهائی چیست؟ همانطور که تصوّر می‌کنید تعالیم و حقایق امر بهائی بی‌نهایت زیاد است. اطلاعاتی که در اختیار شنونده قرار می‌دهید به نوع مکالمهٔ شما بستگی دارد. اما حقایقی وجود دارد که لازم است متحرّی حقیقت در مراحل اوّلیّهٔ تحقیق بداند و اندیشیدن در مورد آنها بسیار آموزنده است. در قسمت پایین بعضی از اطلاعاتی را که ممکن است بخواهید منتقل کنید ذکر نمایید. نیازی نیست که فهرست شما کاملاً دقیق باشد. پس از بحث پیرامون بعضی نکات دیگر در بخش‌های بعد، از شما خواسته خواهد شد که دوباره به فهرست خود مراجعه کنید و آن را تغییر دهید.

بخش پنجم

اکنون به جنبه دیگری از این حقیقت توجه کنید که صرفاً اطلاعات نیست، یعنی مفهوم «حضرت بهاء الله مظهر ظهور الهی در این دور هستند». درحالی که اطلاعات صرفاً نیازمند دادن و

گرفتن است اما جذب یک مفهوم مستلزم درک و فهم است. منظور حضرت بهاءالله از «خدا» و «مظهر ظهور» چیست؟ ماهیت ادّعای آن حضرت که مظهر ظهور خداوند برای امروز هستند چیست؟

مثال دیگر بیان این مطلب است که «بهائیان احکام حضرت بهاءالله را اطاعت می کنند». این جمله واضحاً اطلاعات و البته بسیار مهم است. اما اظهار این مطلب نقش کوچکی در توضیح این نکته دارد که با پذیرفتن امر بهائی فرد باید از احکام مشخصی اطاعت کند. برای درک این مفهوم لازم است به فرد کمک کنیم تا حداقل بعضی از جوانب مربوط به اطاعت از احکام را تا حدّی درک کند؛ مثلاً مفهوم فوق العاده زیبای «احکام» را آنطور که حضرت بهاءالله توصیف فرموده اند: «انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی» (مضمون: به درستی که اوامر من چراغ های عنایت منند بین بندگان و کلیدهای رحمت من برای آفریدگان من).

زمانی که تفاوت بین اطلاعات و مفاهیم را متوجّه شوید، یافتن برخی از مفاهیمی که درکشان به متحرّی حقیقت کمک خواهد نمود تا حضرت بهاءالله را بشناسد و به جرگه پیروانش درآید برای شما مشکل نخواهد بود. سعی کنید فهرستی از کلیّه مفاهیمی که به ذهن می رسد تهیه نمایید، بدون اینکه نگران طول فهرست یا بی نظمی آن باشید. دوباره به این قسمت بازگشته و فهرست را مرور خواهید کرد.

حال فهرست خود را با دیگر شرکت کنندگان دوره مقایسه کنید.

بخش ششم

با در نظر گرفتن تفاوت میان مفاهیم و اطلاعات، حال بحث خود را بر این موضوع متمرکز می‌کنیم که در گفتگوهای اولیه با فردی که مشتاق شنیدن درباره امر است اما چیز زیادی نمی‌داند، چه خواهید گفت. به یاد آورید که هدف شما کمک به متحرّی حقیقت است تا ابواب مدینه قلب خود را به روی حضرت بهاء الله بگشاید. البته باید اطلاعاتی را در اختیار او بگذارید تا به او در درک چند مفهوم اساسی کمک کند. مسلماً اصلی‌ترین مفهومی که باید درک شود اینست که حضرت بهاء الله مظهر ظهور الهی برای عصر حاضرند. بر اساس درک این مفهوم است که فرد تصمیم می‌گیرد به جامعه بهائی بپیوندد. با در نظر گرفتن این مفهوم اصلی، باید مطالب دیگر را به نحوی بازگو کنید که به روشن شدن این مفهوم کمک کند و متحرّی حقیقت را به شناسایی مقام حضرت بهاء الله هدایت نماید.

در انتخاب مفاهیم، اطلاعات و ترتیبی که آنها را ارائه می‌دهید، لازم است به پیام زیر از بیت العدل اعظم توجه دقیق نمایید:

«نفوسی که خود را بهائی می‌دانند باید مجذوب زیبایی تعالیم الهی و مهتر به عشق حضرت بهاء الله شوند. لازم نیست شخص مقبل تمام ادله و براهین و تاریخ و احکام و

اصول امری را بدانند اما در مراحل اقبال باید علاوه بر جرقهٔ ایمان راجع به طلعات مقدسه و همچنین قوانین و احکامی که باید تبعیت کند و نظم اداری که باید اطاعت نماید آگاه شده باشد.^۳ (ترجمه)

اکنون به دو فهرست مفاهیم و اطلاعات که در بخش‌های قبل تهیه نمودید مراجعه کنید. بر اساس پیام فوق از بیت العدل اعظم تصمیم بگیرید چه اطلاعاتی را می‌خواهید به فهرست بیفزایید و چه مطالبی را می‌خواهید حذف کنید. فهرست جدیدی تهیه نمایید و موضوعات را به ترتیبی که هنگام معرفی امر ارائه خواهید کرد تنظیم کنید. همین کار را با فهرست مفاهیم انجام دهید.

اطّلاعات:

مفاهيم:

[illegible]

بخش هفتم

به منظور کمک به شما برای تفکر بیشتر راجع به مفاهیم و اطلاعاتی که هنگام معرفی امر به شخصی برای اولین بار ارائه می‌دهید، یک موقعیت فرضی را در نظر خواهیم گرفت و آنچه بیان می‌شود را تحلیل خواهیم نمود.

آنایک جوان هفده ساله است که با خانواده اش در روستای کوچکی زندگی می کند و در شهر مجاور به مدرسه می رود. او در یک خانواده کاتولیک بزرگ شده است. چهار سال پیش از طریق

برادر بزرگ‌ترش با دیانت بهائی آشنا شد. از آن زمان در دوره‌های مؤسسه شرکت می‌کند و به اقدامات خدمتی مشغول است، مثلاً یک کلاس کودکان را با کمک یکی از مادران جوان دهکده هفته‌ای یک بار اداره می‌کند.

امیلیا نیز در مدرسهٔ آنا درس می‌خواند. او هم در یک خانوادهٔ کاتولیک بزرگ شده است. امیلیا قبلاً راجع به دیانت بهائی مطالبی شنیده است ولی معلومات اندکی در این باره دارد. امیلیا به لحاظ اعتقادی شخصاً خیلی درگیر دین نیست اما عشق حضرت مسیح را در قلب دارد و انسان مهربانی است. وقتی آنا از او می‌پرسد که آیا مایل است همراه او به کلاس کودکان برود، امیلیا با خوشحالی به او می‌پیوندد. او مشارکت در ادارهٔ کلاس و همچنین کمک به خردسالان در حفظ بیانات مبارکه از آثار بهائی را دوست دارد. کلام حضرت بهاءالله به قلب او می‌نشیند و به آنا می‌گوید: «می‌توانی بیشتر راجع به دیانت بهائی برایم بگویی؟»

در بخش‌های بعدی توضیحات مقدّماتی آنا را در مراحل ابتدایی تبلیغ دوستش می‌خوانید. آنها را به دقت مطالعه کنید و تمرین‌های مربوطه را با توجه زیاد انجام دهید. تمرینات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که شما بتوانید معرفی امر به گروه‌های مختلف را بیاموزید و از آنها نتایج حاصل کنید. پیش از آغاز بخش‌های بعد شاید مایل باشید پیشینهٔ بعضی از افرادی که می‌خواهید تبلیغ کنید را در زیر بنویسید.

بخش هشتم

آنا این چنین توضیحات خود را دربارهٔ امر برای امیلیا شروع می‌کند:

می‌دانی که دیانت بهائی یک دیانت جهانی است و محوریت تعالیمش وحدت نوع بشر است. بهائیان پیروان حضرت بهاءالله هستند و معتقدند که آن حضرت موعود جمیع اعصار می‌باشند. همانطور که می‌دانی روایات تقریباً همهٔ ملل به آینده‌ای وعده داده‌اند که صلح و هماهنگی در کرهٔ ارض استقرار یابد و بشر سعادت‌مندانه زندگی کند. ما معتقدیم که ساعت موعود فرا رسیده و حضرت بهاءالله همان شخصیت عظیم و برجسته‌ای هستند که تعالیمشان بشر را قادر خواهد ساخت دنیای تازه‌ای تأسیس کند. حضرت بهاءالله در یکی از آثار خود می‌فرمایند:

«الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ الدَّرِيَاقَ الْأَعْظَمَ وَالسَّبَبَ الْأَتَمَّ لَصَحَّتِهِ هُوَ اتِّحَادُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ عَلَى امْرِ
وَاحِدٍ وَ شَرِيعَةٌ وَاحِدَةٌ...»^۴

مضمون: آنچه که خداوند آن را به عنوان داروی اعظم (پادزهر) و وسیلهٔ اتم برای بهبودی عالم مقرر فرمود، اتحاد اهل ارض بر امر واحد و شریعت واحد است.

اگر موافق باشی، ابتدا چند کلمه‌ای را دربارهٔ تعلیم دیانت بهائی راجع به خداوند و رابطهٔ ما با او برای بگویم. حضرت بهاءالله به ما می‌آموزند که ذات خداوند غیر قابل درک است. به این معنا که هر تصویری از خداوند در ذهن خود بیاوریم - برای مثال او را به شکل یک انسان مجسم کنیم - حاصل تصوّرات خود ماست. به طور کلی هیچ آفریده‌ای نمی‌تواند آفرینندهٔ خود را بشناسد. برای مثال یک میز قادر نیست سازندهٔ خود را که یک نجار است بشناسد. وجود نجار برای اشیایی که می‌سازد ابداً قابل درک نیست.

خداوند خالق همه چیز است. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله انسان به خاطر عشق و محبت خداوند خلق شده است. ایشان می‌فرمایند:

«يا ابن الانسان! أحببت خلقك فخلقتك فاحببني كي اذكرک و في روح الحياة
اثبتک.»^۵

مضمون: ای پسرانسان! دوست داشتم تو را خلق کنم، پس تو را آفریدم. مرا دوست بدار تا یادت کنم و تو را در روح حیات پاینده سازم.

بنا بر این اگرچه وجود پروردگار بسی دور از درک و فهم ماست ولی عشق و محبت الهی همواره زندگی و وجود ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این عشق از طریق عهد و میثاق الهی به سمت ما جریان می‌یابد. بر اساس همین پیمان ابدی، خداوند هرگز ما را تنها و بدون هدایت رها نمی‌کند. در هر عصر، وقتی نوع بشر از او فاصله می‌گیرد و تعالیمش را فراموش می‌کند، یک مظهر ظهور الهی ظاهر می‌شود و اراده و مشیت خداوند را بر ما آشکار می‌سازد.

کلمه «ظهور» به معنی آشکار کردن یا نشان دادن چیزی است که شناخته شده نبوده است. مظاهر ظهور الهی وجودات برگزیده‌ای هستند که اراده و کلام خداوند را بر ما آشکار می‌سازند؛ از این رو وقتی که ما از امر ایشان پیروی می‌کنیم، به ندای الهی پاسخ داده‌ایم.

مثالی در عالم مادی وجود دارد که به ما کمک می‌کند مفهوم «مظهر ظهور» را آنگونه که حضرت بهاءالله به ما آموخته‌اند درک کنیم. در این عالم، خورشید منبع تمام حرارت و روشنایی است، بدون خورشید زندگی بر روی کره زمین غیرممکن خواهد بود. با این حال خورشید هیچ‌گاه به زمین نزول نمی‌کند و اگر ما به آن نزدیک شویم به کلی نابود می‌شویم.

اما تصوّر کن که آینه تمیز و شفاف را برداریم و مقابل خورشید قرار دهیم. در آینه تصویر خورشید را می‌بینیم و هرچه آینه شفاف‌تر باشد، تصویر خورشید در آن کامل‌تر دیده می‌شود. مظاهر ظهور الهی همانند آینه‌های شفاف هستند که نور خداوند را با تمام عظمتش برای بشر منعکس می‌کنند. تمامی این آینه‌ها منعکس‌کننده یک نور هستند. در حالی که دسترسی به خداوند برای ما ممکن نیست، این وجودات مقدّسه به تدریج برای ما ظاهر می‌شوند، بین ما زندگی می‌کنند، ما را هدایت می‌کنند و سرشار از قوای لازمه برای پیشرفت مادی و روحانی می‌سازند.

تو سعادت آن را داشته‌ای که بر اساس تعالیم آسمانی که خداوند حدود دو هزار سال پیش توسط مظهر ظهورش حضرت مسیح فرستاده - پیامبری که مقامش ابن‌الله است - تربیت شوی. حال می‌توانی تعالیم الهی را از طریق مظهر ظهور جدید یعنی حضرت بهاءالله که به معنای «شکوه و جلال خداوندی» است دریافت کنی. تعالیم حضرت بهاءالله با تعالیم

حضرت مسیح هماهنگ است، ولی مطابق با شرایط امروزه بشر می‌باشد. اگر لحظه‌ای به شرایط اسف‌بار بشر امروز فکر کنی، مطمئنم موافق خواهی بود که زمان اظهار امر مظهر ظهور الهی دیگری رسیده است. اجازه بده یکی از آثار حضرت بهاءالله را در مورد یومی که در آن زندگی می‌کنیم برای بخوانم. می‌فرمایند:

«امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است باید کل بکمال اتحاد و اتفاق در ظلّ سدره عنایت الهی ساکن و مستریح باشند.»^۶

بهبتر است قبل از ادامه مطلب کمی صبر کنیم تا اگر سؤالی داری بررسی. نظرت در باره مطالبی که بیان کردم چیست؟

بخش نهم

اکنون بیایید آنچه که آنا تا به حال گفته است را بررسی کنیم. پنج جنبه از توضیحات او در ضمن تمرین‌های زیر تجزیه و تحلیل شده است. گزاره‌هایی که قبول دارید را علامت بزنید. تمرین‌ها به بحث‌های طولانی نیاز ندارد. باید هریک را بخوانید، بررسی کنید و تصمیم بگیرید که آیا با آن موافقت یا خیر. چیزی که مهم است به خاطر داشته باشید اینست که تبلیغ باید با روحیه یادگیری همراه باشد.

۱. آنا صحبت خود را با بیان این مطلب که دیانت بهائی یک دیانت جهانی و محور تعالیمش وحدت بشر است آغاز می‌کند. سپس بلافاصله حضرت بهاءالله را به عنوان موعود جمیع اعصار معرفی می‌نماید.

_____ معرفی فوری حضرت بهاءالله به عنوان موعود روشی عالی برای معرفی دیانت بهائی به مردم تمام ادیان، اعمّ از مسیحی، مسلمان، هندو، بودایی و غیره می‌باشد، از آن جهت که مفهوم موعود در همه ادیان قبل به عناوین مختلف وجود دارد.

_____ امروزه اغلب مردم علاقه‌ای به دین ندارند، حتی اگر به یکی از آنها متعلق باشند. بنا بر این بهتر است که نفس مقدّس حضرت بهاءالله را در ابتدا معرفی نکنیم. اگر اول

راجع به اعتقادات بهائی صحبت کنیم و اصول گوناگون مثل تساوی حقوق زن و مرد، ترک تعصّبات و صلح عمومی را به تفصیل بیان نماییم، تأثیر بیشتری خواهد داشت.

_____ اگر فردی را تبلیغ می‌کنید که اعتقاد به خدا برایش مشکل است، همچنان می‌توانید نفس مقدّس حضرت بهاءالله را در ابتدای صحبت خود معرفی کنید. البتّه در این صورت ابتدا ایشان را به عنوان یکی از مریّان عالم که در زمان‌های مختلف برای بشر می‌آیند معرفی می‌کنید. بعداً می‌توانید مفهوم «مظهر ظهور الهی» را بیان نمایید.

_____ کلام آنا مؤثّرتر می‌بود اگر بعد از معرفی حضرت بهاءالله به عنوان موعود جمیع اعصار به چندین بشارت استناد می‌کرد تا به امیلیا ثابت کند که ایشان تحقّق تک تک این وعده‌ها هستند.

_____ در بیشتر موارد استفاده از بشارات برای قانع کردن مردم به صحت مقام حضرت بهاءالله با مشکلاتی مواجه خواهد گردید و به جای آنکه آنها را به تفکّر وادارد، موجب گرایش به بحث و جدل می‌شود. آنا این باور مهم که حضرت بهاءالله موعود جمیع اعصارند را بیان می‌کند و تصمیم به اینکه وارد جزئیات نشود توجیه‌پذیر است.

۲. بعد از صحبت در باره نفس حضرت بهاءالله، آنا مختصراً راجع به مفهوم خداوند و رابطه انسان‌ها با او صحبت می‌کند. به ویژه نحوه‌ای که وی این عقاید را ابراز می‌دارد از اهمیّت زیادی برخوردار است. آنا صحبتش را با جملاتی نظیر «بهائیان معتقدند که ...» و یا «من اعتقاد دارم که ...» آغاز نمی‌کند. او از ابتدا به وضوح نشان می‌دهد که تعالیم حضرت بهاءالله را تشریح می‌نماید و بدین ترتیب محور کلامش را به آن حضرت معطوف می‌کند.

_____ در دنیای امروز، صحبت راجع به خدا و رابطه انسان با او در مرحله اوّل گفتگو در باره امر باعث دلزدگی مردم می‌شود. بیشتر مردم به مسائل اجتماعی بیش از مسائل روحانی علاقه نشان می‌دهند. بهتر است که آنا این مطلب را عنوان نکند.

_____ ذکر تعالیم حضرت بهاءالله در مورد ذات خداوند که غیب منبع لایدرک است برای جویندگان حقیقت از هر پیشینه مذهبی و حتّی برای کسانی که اعتقاد به خداوند برایشان سخت است بسیار مفید می باشد. این روش بلافاصله دیانت بهائی را از انواع خرافات و عقاید غیرمنطقی دور می سازد. در عین حال پاسخگوی عطش روح متحرّی حقیقت است که می خواهد منبع وجود خود را بشناسد.

۳. _____ آن‌ها هر بار که در صحبتش به حضرت بهاءالله و حضرت مسیح اشاره دارد دقّت می کند که عبارت «مظهر ظهور» را به کار برد. مثال آینه در تشریح این مفهوم به امیلیا کمک می کند.

_____ عبارت «مظهر ظهور» بسیار دشوار است. آن‌ها باید به جای آن از کلمه «پیامبر» که هم ساده تر و هم درکش آسان تر است استفاده نمایند.

_____ برای فردی با پیشینه کاتولیک، به کار بردن کلمه پیامبر برای حضرت مسیح ممکن است بی احترامی محسوب شود. به همین نحو اگر آن‌ها از حضرت بهاءالله به عنوان «پیامبر» یاد کند، برای امیلیا این تصوّر پیش می آید که مقام حضرت بهاءالله از حضرت مسیح پایین تر است.

_____ هنگام تبلیغ یک فرد مسلمان، استفاده از کلمه «رسول» مؤثر است زیرا مسلمانان حضرت محمّد را رسول الله خطاب می کنند، امّا مفهوم «مظهر ظهور الهی» نیز باید توضیح داده شود.

_____ اینکه آن‌ها صراحتاً ظهور حضرت بهاءالله را رجعت مسیح معرفی نمی کند کار صحیحی است زیرا اصطلاح «رجعت» در اذهان مردم آنقدر ناواضح است که نمی توان فهمید امیلیا چه درکی از این کلمه دارد. با استفاده از مثال آینه، آن‌ها مفهوم را بدون پیچیده کردن مسئله به امیلیا منتقل می کند.

_____ اینکه آن‌ها در باره مفهوم «مسیح، پسر خدا» توضیح اضافی نداد تصمیم درستی بود. او فقط به مفهوم پسر خدا اشاره می کند و سپس می گوید که حضرت بهاءالله شکوه و جلال خداوندی است. آن‌ها از این طریق بدون خارج شدن از مسیر اصلی بحث حقیقت مسلّمی را می پذیرد.

_____ اگر قرار بود فردی با پیشینه هندو را تبلیغ کنید همچنان از مثال آینه برای مفهوم عبارت «مظهر ظهور» استفاده می‌کردید. اما به جای اشاره به حضرت مسیح بیان حضرت کریشنا را ذکر می‌کردید: «ای بهارات، هر وقت عدالت و حق انحطاط پیدا کرد و بی‌دینی شیوع یافت، آن وقت روح خود را می‌فرستم برای برانگیختن خوبی‌ها و از بین بردن اعمال شیطانی و به منظور تأسیس عدالت در هر عصر خود را ظاهر می‌کنم».

_____ با معرفی خداوند به عنوان ذات غیب منیع لایدرک، آنا تصدیق می‌کند که راه معرفت خداوند برای ما بسته است. با این حال، خداوند از سرفضل خود مظاهر ظهور الهیه‌اش را برای ما می‌فرستد که مانند آینه‌هایی کامل و بی‌نقص، تمام صفات او را منعکس می‌کنند و هدف او را بر ما آشکار می‌سازند. این توضیح از مفهوم «مظهر ظهور الهی» برای هر فردی مناسب است، حتی برای کسانی که اعتقاد به خداوند برایشان مشکل است - مشکلی که اغلب از روشی که خداوند به طور رایج به تصویر کشیده می‌شود نشأت می‌گیرد.

۴. آنا ضمن صحبت‌هایش با امیلیا چندین مرتبه مستقیماً از آثار حضرت بهاء‌الله نقل می‌کند.

_____ کلمات استفاده شده در نصوص بسیار مشکل هستند. بهتر است آنا از نقل نصوص به طور مستقیم به خصوص در اوایل صحبتش خودداری کند. به علاوه، احتمال دارد شبیه یک واعظ به نظر برسد.

_____ آنا نصوص را به طور طبیعی با کلام خود می‌آمیزد، همانطور که حضرت بهاء‌الله توصیه فرموده‌اند. حتی اگر دوستش امیلیا نصوص را به طور کامل نفهمد، باز کلام الهی بر قلبش تأثیر خواهد گذاشت.

۵. آنا از دو تشبیه استفاده می‌کند تا مفاهیم مشکل را برای امیلیا توضیح دهد. همانطور که در بالا گفته شد، مثال خورشید و آینه به آنا کمک کرد تا عبارت «مظهر ظهور الهی» را تشریح کند. مثال دیگر، نجار و میز بود که از آن برای توضیح این مفهوم که خداوند فوق ادراک بشر است استفاده نمود.

_____ اگر شما از تشبیه برای توضیح امر استفاده کنید، مردم تصوّر می‌کنند که شما به آنها نگاه از بالا به پایین دارید. مردم دوست ندارند با آنها مثل کودک رفتار شود.

_____ استفاده از تشبیه برای تبلیغ همه مردم - اعمّ از پیر و جوان، بی سواد و تحصیل کرده - مؤثر است. در واقع، گاهی بدون استفاده از تشبیه، درک بعضی از حقایق بسیار عمیق موجود در تعالیم مبارکه بسیار دشوار خواهد بود.

بخش دهم

آنا مکث می‌کند و به دوستش فرصت می‌دهد تا احساسات خود را بیان نماید و اگر سؤالی دارد مطرح کند، ولی امیلیا در این مرحله مطلب زیادی برای گفتن ندارد. او فقط به آنا می‌گوید که آنچه تا به حال شنیده برایش جالب بوده است. مخصوصاً تحت تأثیر منطق روشنی که دیانت بهائی برای توضیح مسائل استفاده می‌کند قرار گرفته است، چرا که بسیاری از مسائلی که امروزه مردم را نسبت به دین سردرگم کرده برطرف می‌کند. آنا تصمیم می‌گیرد ادامه دهد:

حال اجازه بده برخی مواضع مربوط به تعلیم اصلی دیانت بهائی یعنی یگانگی نوع بشر را با تو در میان بگذارم. حضرت بهاءالله می‌فرمایند که همه ما میوه‌های یک درخت و برگ‌های یک شاخساریم. گرچه هریک از ما دارای طبیعت جسمانی متفاوتی هستیم، گرچه دارای استعدادهای گوناگون و شایستگی‌های مختلفی می‌باشیم، ولی همگی از یک اصل به وجود آمده‌ایم: همگی به خانواده بزرگ بشری تعلق داریم.

جامعه انسانی را می‌توان به گلستان بزرگی تشبیه نمود که گل‌های مختلف با شکل‌ها، رنگ‌ها و عطرها گوناگون در کنار یکدیگر رویده‌اند. زیبایی و جذّابیت باغ در این تنوع است. نباید اجازه دهیم که تفاوت‌های موجود بین ما، مانند ظاهر، خلق و خو، پیشینه، افکار و نگرش‌ها، سبب اختلاف و نزاع گردد. ما باید اعضای نژاد بشر را گل‌های زیبای گلستان بشریت بدانیم و از اینکه به این باغ تعلق داریم مسرور باشیم.

گرچه وحدت نوع بشر یک حقیقت غیر قابل انکار است ولی افراد انسانی به قدری از این حقیقت دورند که متحد کردن آنها کار آسانی نیست. اگر تصمیم‌گیری به دیانت بهائی

پیوندی که برای من بسیار باعث خوشحالی خواهد بود، تو حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر ظهور الهی برای این عصر پذیرفته‌ای و تلاش خواهی کرد تا تعالیم ایشان را نه فقط در زندگی شخصی، بلکه در تلاش‌هایت در کنار همه ما برای ساختن جوامعی پویا و متحد به کار بندی. ما همگی سعی می‌کنیم که افکار و اعمالمان را با اعتقادمان به یگانگی نوع بشر همسو کنیم. ما تعلیم دیده‌ایم که هنگامی که فکر جنگ به ذهنمان می‌رسد، آن را به سرعت با فکر صلح جایگزین کنیم و زمانی که احساس نفرت در قلبمان شکل می‌گیرد، آن را به سرعت با احساس عشق جایگزین کنیم. ما باید نهایت کوشش خود را به کار بندیم تا بر تعصبات خود فائق شویم. تعصب نژادی، رنگ پوست، ملی، فرهنگی، مذهبی و جنسی، اینها همه برای ساخت دنیای بهتر موانع بزرگی به شمار می‌آیند. بسیاری از آثار مبارکه به ما می‌آموزند که چگونه در سبیل وحدت گام برداریم و چگونه دیگران را یاری کنیم تا آنان نیز همین طریق را بیمایند. بیان زیبایی از حضرت عبداله‌بهاء که بعداً در باره ایشان صحبت خواهم کرد را به یاد دارم که می‌فرمایند:

«حضرت بهاءالله دائره وحدت را ترسیم فرموده‌اند و طرحی برای وحدت مردمان و اجتماع ایشان در ظلّ سراپرده وحدت ارائه نموده‌اند و این از عنایات الهی است. همه ما باید با جان و دل بکوشیم تا حقیقت وحدت در بین ما جلوه نماید و هر چه بکوشیم، قوت بیشتری نصیب ما خواهد شد.»^۷ (ترجمه)

بخش یازدهم

تمرین‌های زیر به شما کمک می‌کند تا دو جنبه از سخنان آنا را تجزیه و تحلیل کنید:

۱. در این مورد خاص، آنا ابتدا راجع به خداوند و مظهر ظهور الهی و سپس درباره اصل وحدت صحبت می‌کند. می‌توانست دقیقاً برعکس عمل نماید، یعنی با اصل وحدت شروع کند و صحبت خویش را با بحث راجع به خدا و مظهر ظهور الهی ادامه دهد. احتمالاً ترتیب اول را به این دلیل انتخاب کرد که امیلیا را می‌شناسد و می‌داند که ارائه مطلب به این شکل برای او مناسب‌تر است. به نظر شما یکی از دو روش به دیگری برتری دارد؟ آیا ترتیب صحبت شما

در باره امر به طرز تفکر فردی که تبلیغ می‌کنید بستگی دارد؟ از چه لحاظ؟ می‌توانید چند مثال بزنید؟

۲. آن در طول صحبت ابراز می‌کند که امیدوار است امیلیا بهائی شود و بیاموزد که چگونه از تعالیم برای رشد خود به عنوان فرد و همچنین در فعالیت برای ساخت جوامعی پویا و متحد استفاده کند. با کدامیک از عبارات زیر موافق هستید؟ لطفاً علامت بزنید.

_____ دعوت فردی برای عضویت در جامعه بهائی وقتی که او اطلاعات کمی از امر دارد کار عاقلانه‌ای نیست. امیلیا احتمالاً از اینکه دوستش می‌خواهد دیانت او را تغییر دهد رنجیده است.

_____ با ابراز امیدواری به بهائی شدن امیلیا، آن از حد اعتدال خارج شده و عقیده‌اش را تحمیل کرده است.

_____ با ابراز امیدواری به اینکه دوستش بهائی خواهد شد، آن در مراحل اولیه مشخص می‌کند که از عضویت امیلیا به جامعه بهائی در هر زمان استقبال خواهد شد. ولی این موضوع را به نحوی بیان می‌کند که امیلیا احساس نکند تحت فشار قرار گرفته است.

_____ دلیلی ندارد که آنها امید خود برای پیوستن امیلیا به دیانت بهائی را بیان کنند. کافی است که به دوست خود کمک کند تا هرچه بیشتر در اقدامات موجود برای خدمت به جامعه مشغول شود، چرا که موضوع اصلی همین است.

_____ اگر می‌خواهیم مردم به جامعه بهائی بپیوندند، تا موقعی که به امر نزدیک نشده‌اند نباید به آنها بگوییم که وظایفشان بعد از ایمان به امر چیست. حتی بهتر است صبر کنیم تا اول ابراز ایمان کنند.

_____ متأسفانه اکثر مردم فقط به مطالبی علاقه‌مندند که به آنها نفع می‌رساند. به اینکه برای کمک به دنیای اطراف خود چه خدمتی می‌توانند انجام دهند توجهی ندارند. به جای اینکه آنها به امیلیا بگویند که چگونه در مجهوداتی برای ساخت جوامع پویا و متحد شرکت خواهد کرد، باید به او بگویند که وقتی افراد امر را می‌پذیرند، چقدر احساس دوستی و محبت را تجربه می‌کنند.

_____ آنها خوب توانست این احساس را در دوستش به وجود بیاورد که بهائی بودن در عمل به چه معناست. او این مطلب را به گونه‌ای ادا کرد که چالش برانگیز به نظر برسد، ولی نه همراه با احساس فشار. مخصوصاً نصوصی که آنها انتخاب می‌کند مؤثرند، زیرا امیلیا متوجه می‌شود که در کوشش‌هایش جهت وحدت و پیشرفت دهکده‌اش قوی‌تر خواهد شد. وقتی امیلیا به جامعه بهائی بپیوندد، احتمالاً یک عضو غیرفعال و بی‌تفاوت نخواهد بود، بلکه به فردی فعال و خدوم برای امر تبدیل خواهد شد.

بخش دوازدهم

مانند بیشتر مردم امروز، امیلیا کاملاً به تعالیم بهائی در مورد وحدت جذب شده است. از آنچه در باره مجهودات بهائیان در بسیاری از نقاط عالم برای ایجاد جوامعی متحد شنیده به شوق آمده است و در مورد مضرات و صدماتی که انواع مختلف تعصب به وجود می‌آورد با آنها صحبتی مختصر ولی پرهیجان می‌کند. آنها صحبت‌هایش را چنین ادامه می‌دهد:

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ در طهران، پایتخت ایران، متولّد شدند. از اوان طفولیت آثار بزرگی از ایشان پدیدار بود. با اینکه در منزل تعلیم مختصری دیدند ولی نیازی به مدرسه و مکتب نداشتند، زیرا خداوند علم لدنی در ایشان به ودیعه گذاشته بود. حضرت بهاءالله از خانواده‌ای اصیل و شریف بودند. در جوانی مقام والایی در دربار شاه به ایشان پیشنهاد شد، ولی نپذیرفتند. ایشان مایل بودند اوقات خود را صرف کمک به ستمدیدگان، بیماران و مستمندان نمایند و از حقّ و عدالت دفاع کنند.

دو جنبه از حیات حضرت بهاءالله را مایلم برایت بیان کنم. یکی زحمات و مشقّاتی است که تحمّل فرمودند و دیگری نفوذ فوق‌العاده شدیدی است که در قلوب و اذهان مردم داشتند. این دو در واقع از خصوصیات حیات همه مظاهر ظهور الهی می‌باشد.

مشقّات حضرت بهاءالله از لحظه‌ای که برای اعلان امر الهی قیام نمودند آغاز گردید. زندگی‌شان مملو از تبعید، حبس و تحمّل ظلم بود. آن حضرت در زیر سلاسل در سیاهچالی تنگ و تاریک در طهران مسجون شدند. چهار بار ایشان را از محلّی به محلّ دیگر تبعید کردند. در یکی از الواح ایشان که در طیّ این تبعید طولانی نازل شد چنین می‌خوانیم:

«ذکّر ایّامی فی ایّامک ثم کربتی و غربتی فی هذا السّجن البعید و کن مستقیماً فی حبّی
بحیث لن یحوّل قلبک و لو تضرب بسیوف الأعداء و یمنعک کلّ من فی السّموات
والارضین.»^۸

مضمون: روزهای زندگی مرا در روزهایت و مشقّاتی که بر من وارد گشته و غربتم در این زندان دور را به خاطر آور و در محبّت من مستقیم و ثابت باش تا جایی که قلبت ادنی تحوّل پذیرد، حتّی اگر با شمشیرهای دشمنان مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منعت قیام کنند.

حضرت بهاءالله سرانجام به زندان شهر عکا که تحت حکمفرمایی امپراطوری عثمانی بود فرستاده شدند. به قدری مصائب ایشان در آنجا شدید بود که به شهر عکا لقب «سجن اعظم» را دادند. من همیشه در کیفم دفتر یادداشتی دارم که بعضی از بیانات و نصوص مورد علاقه‌ام را که تأثیر خاصی بر قلبم داشته‌اند در آن می‌نویسم. بگذار قسمتی از بیانات حضرت بهاءالله را که در مورد مشقّات خود می‌فرمایند برایت بخوانم:

«قد قيّد جمال القدم لاطلاق العالم و حبس في الحصن الاعظم لعنق العالمين واختار لنفسه الأحزان لسرور من في الاكوان هذا من رحمة ربك الرحمن الرحيم. قد قبلنا الذلّة لعزكم و الشّدائد لرخائكم يا ملأ الموحّدين. انّ الذي جاء لتعمير العالم قد اسكنه المشركون في اخب البلاء...»^۹

مضمون: جمال قدم حبس و زندان را در سجن اعظم برای آزادی عالم و عالمیان قبول فرمود و به فضل و رحمت خود، حزن را به خاطر سرور جهانیان و ذلّت را برای عزّت مردمان و شدّت را برای راحتی موحّدان اختیار کرد. همانا مشرکان کسی را که برای بازسازی عالم آمده در خراب‌ترین شهرهای جهان مسکن دادند.

هرگونه مخالفت و کوششی از سوی دو دولت مقتدر زمان، سلطان ایران و امپراطور عثمانی، نسبت به حضرت بهاءالله و برای متوقّف کردن انتشار تعالیم آن حضرت به عمل آمد. اما نور حقیقت را نمی‌توان به آسانی خاموش کرد. آبی که برای خاموشی شعله آتش الهی ریخته شود به روغن تبدیل می‌شود و آن را شعله‌ورتر می‌کند. هیچ چیز نمی‌توانست تأثیر روزافزون حضرت بهاءالله را متوقّف کند. هرچه صاحب منصبان او را به نقاط دورتری می‌فرستادند، تعداد نفوسی که به تعالیم مبارک جذب می‌شدند و به قدرت و عظمتش پی می‌بردند بیشتر می‌شد. با وجود آزار و اذیت مداوم، حضرت بهاءالله به مدّت بیش از چهل سال به نزول آیات ادامه دادند و چنان قوای روحانی عظیمی را آزاد ساختند که نهایتاً تمام عالم را از نو خواهد ساخت.

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۹۲ میلادی صعود فرمودند. مرقّد مطهرشان که برای ما بهائیان مقدّس‌ترین نقطه روی زمین است در نزدیکی شهر عکا قرار دارد. اینها عکس‌هایی از در ورودی مرقّد مقدّس و باغ‌های اطراف آن است. نمی‌دانی چقدر دوست دارم برای زیارت به ارض اقدس بروم. امیدوارم که یک روز تو هم موفّق به زیارت شوی.

بخش سیزدهم

تمرین‌های زیر جنبه‌های گوناگون توضیحات آنا از شرح حیات حضرت بهاءالله را بررسی می‌کند:

۱. در بیان داستان حیات حضرت بهاءالله، آنا دو مفهوم اصلی را که می‌خواهد به وضوح شرح دهد انتخاب می‌کند. ضمن معرفی به چند واقعیت از حیات ایشان اشاره می‌کند ولی واضحاً هدف اصلی‌اش انتقال اطلاعات زیاد نیست. به خوبی می‌داند که اگر امیلیا همانطور که وی امیدوار است بهائی شود، تاریخ حیات حضرت بهاءالله را به طور مفصّل خواهد خواند. دو مفهوم اصلی که او سعی دارد تفهیم نماید چیست؟

الف. _____

ب. _____

۲. به نظر شما چرا او این دو مفهوم را انتخاب کرده است؟ _____

۳. آیا با آنا هم عقیده‌اید که این دو مهم‌ترین مفاهیمی هستند که امیلیا در این مرحله باید درک کند؟ اگر نه، آیا پیشنهاد دیگری دارید؟

۴. فهرستی از چند نمونه از اطلاعاتی که آنها در شرح حیات حضرت بهاءالله ارائه نمود بنویسید.

[illegible]

۵. آیا اطلاعات دیگری هست که به نظر شما ارائه آن در این مرحله ضروری باشد؟

۶. گذشته از کوشش برای بیان دو مفهوم اصلی و برخی اطلاعات ضروری، آنا به طور واضح امیدوار است که بتواند احساسات و عواطف خاصی را به امیلیا منتقل نماید. این احساسات چه هستند؟ آیا موفق می‌شود؟

۷. حال که بر صحبت‌های آنا در باره حیات حضرت بهاءالله تأمل کردید، فکر می‌کنید اگر با فردی با سابقه مذهبی متفاوت یا حتی فردی بدون هیچ نوع سابقه مذهبی صحبت می‌کردید، آیا باید این مطالب را تغییر می‌دادید؟ اگر اینطور است، می‌توانید چند مثال از تغییرات مورد نظر خود را بیان کنید؟

بخش چهاردهم

شنیدن بیانات نفس حضرت بهاءالله در مورد مشقّات وارده بر ایشان آشکارا امیلیا را تحت تأثیر قرار داده است. البتّه او به یاد می آورد که حضرت مسیح جان خود را برای رستگاری بشریت فدا نمودند. بنا بر این دو دوست مدّتی راجع به اهمّیت سختی ها و مشقّات مظاهر مقدّسه الهی صحبت می کنند، مظاهر مقدّسه ای که در عین بهره مندی از قدرت الهی با میل و اراده خود مصائب را برای دستیابی ما به آزادی حقیقی می پذیرند. آنا از دوستش می پرسد که اگر اشکال ندارد ادامه بدهد و یکی دیگر از طلعات مقدّسه دیانت بهائی یعنی حضرت باب را معرفی کند. سپس او بدین ترتیب ادامه می دهد:

چند سال پیش از اظهار امر حضرت بهاءالله، پروردگار پیامبری برای بشارت به ظهور ایشان فرستاد. این شخصیت برجسته که خود نیز مظهر ظهور الهی بود «باب» به معنای «دروازه» لقب گرفت. آن حضرت در واقع دروازه ای به سوی عرفان الهی و به سوی عصری جدید در تاریخ بشریت بودند. حضرت باب به مدّت شش سال مرتّباً به مردم تعلیم دادند که ظهور مظهر الهی عظیم تری نزدیک است و راه را برای آمدن ایشان آماده نمودند. ایشان به مردم فرمودند که شاهد سپیده عصر جدید، طلوع یوم موعود خداوندی خواهند بود. آن حضرت از مردم خواستند که قلوب خود را از زخارف عالم فانی پاک کنند تا «من یظهره الله» را بشناسند.

هزاران هزار نفر از مردم پیام ملکوتی حضرت باب را پذیرفتند و از تعلیمش پیروی نمودند. اما دولت ایران و پیشوایان مذهبی قدرتمند که بر توده مردم حکمرانی می کردند به مخالفت ایشان برخاستند. پیروان آن حضرت مورد آزار شدید قرار گرفتند و تعداد بی شماری از آنها به قتل رسیدند. نفس مقدّس حضرت باب نیز در سنّ ۳۱ سالگی به وسیله سربازان ارتش به

دستور دولت، در حالی که در میدان عمومی شهر به ریسمان آویخته شده بودند، تیرباران گردیدند.

برای اینکه بدانی کلام حضرت باب تا چه اندازه مؤثر است، دو مناجات از ایشان را برای تلاوت می‌کنم:

«هل من مفرجٍ غير الله قل سبحان الله هو الله كلُّ عبادٍ له وكلُّ بامرٍ قائمون.»^{۱۰}

مضمون: آیا گشاینده‌ای جز خداوند وجود دارد؟ بگو پاک و منزّه است خداوند، او الله است، همه بندگان او هستند و به امر او برپا ایستاده‌اند.

«قل الله يكفي كل شيء عن كلّ شيء ولا يكفى عن الله ربك من شيء لا فى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما انه كان علاماً كافياً قديراً...»^{۱۱}

مضمون: بگو تنها خداوند است که همه چیز را از همه چیز بی‌نیاز می‌سازد ولى چیزی در آسمان و زمین و مابین آنها نیست که از خدا بی‌نیاز باشد. همانا او بسیار دانا و کفایت‌کننده و قدرتمند است.

بسیاری از بهائیان، به خصوص مناجات اول را از حفظ می‌دانند و هنگام بروز مشکلات آن را تلاوت می‌کنند. اگر بخواهی می‌توانیم قدری مکث کنیم تا بتوانی آن را حفظ کنی. یاد گرفتنش واقعاً ساده است.

بعد از حفظ بیان، آنا چنین ادامه می‌دهد:

مدّت کوتاهی بعد از شهادت حضرت باب، پیروان آن حضرت جسد مطهرشان را باز یافتند؛ از محلی به محلّ دیگر منتقل کردند و همیشه از انظار دشمنان امر مخفی نگاه داشتند. سرانجام جسد مطهر به کوه کرمل در ارض اقدس منتقل شد. من اینجا چند عکس از مقام حضرت باب در حيفا و چند مکان مقدّس دیگر در شهر عکا که در آن سوی خلیج قرار گرفته است دارم. امروزه این دو شهر مرکز روحانی و اداری دیانت بهائی هستند - مرکز روحانی، زیرا مراقب حضرت باب و حضرت بهاء الله و همچنین اماکن مقدّسه دیگری در آن قرار گرفته‌اند؛

مرکز اداری، چون برکوه کرمل قرار دارد که مقرر عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیری امر بهائی، یعنی بیت العدل اعظم، واقع شده است.

بخش پانزدهم

تمرین‌های زیر به شما کمک می‌کند که دربارهٔ این قسمت از صحبت‌های آنا تفکر نمایید.

۱. فهرستی از مفاهیم و اطلاعات مهمی که آنا در صحبتش راجع به حیات حضرت باب ارائه می‌دهد فراهم کنید.

مفاهیم:

اطّلاعات:

۲. چرا صحبت در باره طلعت مقدّس حضرت باب در مراحل اوّلیه معرفّی دیانت بهائی مانند اقدام فعلیّ آنا اهمّیت دارد؟

بخش شانزدهم

آنا بعد از توضیح مختصری از حیات دو مظهر ظهور، به معرفّی حضرت عبدالبهاء و عهد و میثاق حضرت بهاءالله می پردازد:

محور اصلی زندگی ما بهائیان عهد و پیمانی است که با حضرت بهاءالله بسته ایم. همانطور که می دانی در همه ادیان، پس از صعود مظهر ظهور، بین پیروان اختلافات پایان ناپذیری به وجود می آمد و در نتیجه دین به فرقه های مختلف تقسیم می شد. علّت عدم اتّحاد گاهی اوقات این بود که برخی از افراد جاه طلب میل به رهبری داشتند. امّا وقتی که بین حتّی مؤمنین مخلص ادیان در باره منظور و معنی آیات اختلاف آراء به وجود می آمد هیچ کس از

طرف آن مظهر ظهور تعیین نشده بود که این اختلافات را حل نماید و این خود باعث بروز اختلاف و جدال می شد. نهایتاً هر دسته از تفاسیر سبب ایجاد فرقه های مختلف می گردید.

حضرت بهاء الله دیانت خویش را با ایجاد قوه عهد و میثاق در برابر چنین انشعابات می محافظت فرمودند. ایشان قبل از صعود، به روشنی و وضوح کتباً مرقوم فرمودند که بعد از ایشان تمام احباء باید به حضرت عبدالبهاء رجوع نمایند. بنا بر این، حضرت عبدالبهاء، فرزند ارشد ایشان، به عنوان تنها مبین آیات و مرکز میثاق الهی منصوب شدند. حضرت بهاء الله به نفسه آن حضرت را تربیت فرمودند؛ حضرت عبدالبهاء از همان کودکی مقام پدر بزرگوارشان را شناختند و در رنج های ایشان شریک بودند. حضرت عبدالبهاء گرانباترین هدیه به عالم بشری هستند و مثل اعلای تعالیم دیانت بهائی به شمار می آیند.

حضرت عبدالبهاء ۷۷ سال در این جهان زندگی کردند. ایشان در همان شب اظهار امر حضرت باب در سال ۱۸۴۴ متولد شدند و در نوامبر سال ۱۹۲۱ صعود فرمودند. حیات آن حضرت مملو از مصائب بود اما هر نفسی که به حضورشان مشرف می شد به او شادی و سرور بی منتها عنایت می کردند. پس از صعود پدر ارجمند، مسئولیت اداره جامعه بهائی بر دوش ایشان افتاد و آن حضرت شب و روز تمام هم خود را صرف انتشار امر الله در شرق و غرب عالم نمودند. حضرت عبدالبهاء هزاران لوح به افراد و گروه ها در نقاط مختلفه عالم نگاشتند و در آنها تعالیم حضرت بهاء الله را توضیح دادند. تبیینات آن حضرت هم اکنون بخشی اساسی از آثار مبارکه بهائی می باشد.

با تمرکز بر مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز عهد و میثاق حضرت بهاء الله، بهائیان در کوشش های خویش جهت داشتن حیات بهائی و مشارکت در تحول اجتماعی متحد می مانند. ما به یاد می آوریم که به عنوان بخشی از عهد و میثاقمان با حضرت بهاء الله باید یکدیگر را دوست بداریم و در وجود حضرت عبدالبهاء بروز کامل این محبت را مشاهده می کنیم. ما به یاد می آوریم که باید بر اساس عدالت رفتار کنیم، سخاوتمند باشیم و نسبت به خطاهای دیگران دیده خطاپوش داشته باشیم. از مثل اعلای حضرت عبدالبهاء انصاف، سخاوت و بخشش را می آموزیم. بیش از هر چیز دیگر، با توجه به حضرت عبدالبهاء به عهد و میثاقی که با حضرت بهاء الله بسته ایم ناظر خواهیم بود و اجازه نخواهیم داد وحدت

پیروانش گسسته گردد. متحداً به عنوان جامعه جهانی کوشش خواهیم کرد تا وحدت عالم انسانی استقرار یابد.

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خویش، نوه خود، شوقی افندی را به عنوان ولی امرالله منصوب فرمودند که بعد از صعود ایشان مبین موثق کلام حضرت بهاءالله شدند. حضرت ولی امرالله به مدت سی و شش سال وظایف پدر بزرگشان را ادامه دادند، تعالیم مظهر ظهور را تبیین نمودند و امرش را در کمال استحکام در اکناف عالم مستقر ساختند. پنج سال و نیم پس از صعود ایشان، بهائیان جهان بیت العدل اعظم را مطابق با دیدگاه حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس و همان گونه که توسط حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله به وضوح تشریح شده بود انتخاب کردند. بیت العدل اعظم عالی ترین مؤسسه دیانت بهائی است که امروزه مرجع تمام بهائیان عالم است.

بخش هفدهم

احتمالاً متوجه شده اید که این قسمت از صحبت های آنا تا حدی سنگین است زیرا او در چند جمله مفاهیم بسیار عمیقی را برای امیلیا توضیح می دهد. تمرین زیر به شما کمک می کند تا مطالب آنا را مفصل تر بررسی کنید.

۱. تا این مرحله، آنا بر طبق پیام بیت العدل اعظم در بخش ششم، راجع به مقام مبشر دیانت بهائی، حضرت باب، و شارع و مؤسس آن، حضرت بهاءالله، با امیلیا صحبت کرده است. او اکنون می خواهد به امیلیا کمک کند مقام حضرت عبدالبهاء را بشناسد. برای انجام این کار، آنا راجع به مفهوم عهد و میثاق حضرت بهاءالله صحبت می کند. او به منظور کمک به امیلیا برای درک این دو مفهوم مربوط به هم میزانی از اطلاعات را انتقال می دهد.

در قسمت زیر، برخی از اطلاعات مزبور فهرست شده است. هدف هر عبارت، بالا بردن درک امیلیا از یکی از دو مفهوم می باشد. مقابل جملاتی که بیشتر مقام حضرت عبدالبهاء را نشان می دهند با شماره (۱) و مقابل جملاتی که بیشتر به مفهوم عهد و میثاق حضرت بهاءالله

اشاره می‌کنند با شماره (۲) علامت بگذارید. اگر احساس می‌کنید که جمله‌ای به طور یکسان به درک هر دو مفهوم کمک می‌کند با شماره (۱) و (۲) علامت بگذارید.

_____ همهٔ ادیان به علّت نداشتن مبینّ منصوص به فرقه‌های متعدّد تقسیم شده‌اند.

_____ حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق حضرت بهاءالله هستند.

_____ حضرت عبدالبهاء مبینّ بیانات حضرت بهاءالله هستند.

_____ تأسیس بیت العدل اعظم مطابق با دیدگاه حضرت بهاءالله بوده است.

_____ حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا نوّه خود را به عنوان ولی امرالله منصوب فرمودند.

_____ حضرت عبدالبهاء هزاران لوح در توضیح تعالیم بهائی به رشتهٔ تحریر درآوردند.

_____ حضرت بهاءالله دیانت خود را با القای قوّهٔ میثاق از تقسیم به فرقه‌های مختلفه محافظت فرمودند.

_____ حضرت عبدالبهاء مَثَلِ اعلای تعالیم حضرت بهاءالله می‌باشند.

_____ حضرت عبدالبهاء به همهٔ کسانی که به حضورشان مشرّف می‌شدند شادی و سرور می‌بخشیدند.

_____ حضرت بهاءالله به طور واضح و کتبی فرمودند که بعد از صعودشان تمام بهائیان باید به حضرت عبدالبهاء توجّه نمایند.

_____ میل به رهبری می‌تواند عامل عدم اتّحاد در دین باشد.

_____ حضرت عبدالبهاء شب و روز می‌کوشیدند تا امرالله را در شرق و غرب انتشار دهند.

_____ بهائیان جهان مدّت کوتاهی پس از صعود حضرت ولی امرالله بیت العدل اعظم را انتخاب کردند.

_____ عدم وجود مبینّ منصوص در دین، باب اختلاف و تفرقه را می‌گشاید.

بخش هجدهم

آنا ضمن توضیحاتش در مورد عهد و میثاق حضرت بهاءالله و مقام حضرت عبدالبهاء متوجّه می‌شود که امیلیا کمی گیج شده است. او به سرعت در ذهنش دوراه را می‌سنجد: یا با صرف وقتِ بیشتر موضوع را عمیق‌تر مورد بررسی قرار دهند یا صحبت‌هایش را ادامه دهد و مطمئن شود که در فرصت دیگری به زودی دوباره موضوع عهد و میثاق را مطالعه می‌کنند. آنا تصمیم می‌گیرد راه دوم را انتخاب کند و بدین ترتیب ادامه می‌دهد:

بسیاری از مطالبی که درباره موضوع اخیر بیان کردم به تفکر زیاد احتیاج دارد. اگر موافق باشی در یک فرصت دیگر و با تعمّق بیشتر در این باره صحبت خواهیم کرد. برای آن بحث، فقراتی از کتاب عهدی حضرت بهاءالله و نیز الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را خواهم آورد تا با هم مطالعه کنیم. اجازه بده ادامه بدهم و به ارائه برخی دیگر از عقاید دیانت بهائی که مهم است از ابتدا دانسته شوند بپردازم.

امیلیا موافقت می‌کند و با مهربانی می‌گوید که بسیار از این توضیحات استفاده نموده و تا حدودی به اهمّیت عهد و میثاق حضرت بهاءالله پی برده است و بی‌صبرانه منتظر است تا بیشتر درباره این موضوع بداند. آنا خوشحال و با آرامش ادامه می‌دهد:

یکی از جنبه‌های مهم هر دیانت احکامی است که مظهر ظهور برای هدایت بشر به راه راست نازل می‌کند. برخی از این احکام و اوامر جاودانی هستند، بعضی دیگر با پیشرفت و تکامل بشر تغییر می‌کنند. در این امر به ما تعلیم داده می‌شود که نباید احکام بهائی را به عنوان مجموعه‌ای از قوانین یا مجموعه‌ای از اوامر و نواهی در نظر بگیریم. حضرت بهاءالله در مورد احکامشان می‌فرمایند: «اِنَّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی» (مضمون: به درستی که اوامر من چراغ‌های عنایت من بین بندگان و کلیدهای رحمت من برای آفریدگان هستند). همچنین اطاعت از این دستورات و احکام نباید از روی ترس از مجازات باشد. در کتاب مستطاب اقدس به صراحت می‌فرمایند: «اعملوا حدودی حبّاً لجمالی» (مضمون: احکام مرا به خاطر محبّت به جمال من عمل کنید).

برای روشن شدن این موضوع چند مثال از احکام بهائی را برایت می‌گویم. در عالم جسمانی انسان‌ها باید هر روز غذا بخورند. این نیاز جسم انسان است. اگر غذا نخوریم بیمار می‌شویم و به سرعت می‌میریم. پس می‌توان گفت که غذا خوردن روزانه، قانون وجود جسمانی است که باید اطاعت شود. به همین ترتیب یکی از دستورات حضرت بهاءالله این است که ما هر روز باید دعا و مناجات بخوانیم. روح ما هم مانند جسم ما به تغذیه نیاز دارد. دعا و مناجات سبب رشد روحانی ما می‌شود. مناجات‌های زیبای بسیاری به قلم حضرت بهاءالله، حضرت باب و حضرت عبداله‌بهاء نازل گشته‌اند که می‌توان در تنهایی و یا در جلسات آنها را تلاوت نمود. بعضی از این ادعیه واجب هستند و مانند برخی از ادعیه خاص دیگر، قوای به خصوصی دارند. در یکی از نمازهای روزانه می‌گویم:

«اشهد یا الهی بانک خلقتنی لعرفانک و عبادتک اشهد فی هذا الحین بعجزی وقوتک و
ضعفی و اقتدارک و فقری و غنائک لا اله الا انت المهیمن القیوم.»^{۱۲}

مضمون: ای خدای من، گواهی می‌دهم که تو مرا برای شناسایی و عبادت خودت خلق کردی. در این هنگام من به عجز خود و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی‌نیازی تو گواهی می‌دهم. نیست خدایی جز تو که مهیمن و قیوم هستی.

این دعا بسیار کوتاه و زیباست. از آنجایی که دیده‌ام چقدر برای تو حفظ کردن آسان است، مطمئنم بعد از چند بار تکرار آن را حفظ خواهی شد.

در حکم دیگری حضرت بهاءالله غیبت و افتراء را منع می‌فرمایند. این حکم بسیار مهم است چون اگر به آن فکر کنی می‌بینی که یکی از بزرگ‌ترین دشمنان وحدت غیبت است. متأسفانه بین مردم عادت شده است که راجع به عیوب دیگران در غیابشان صحبت کنند. به نظر می‌رسد همه نگران عیوب دیگران هستند، و این عیوب همین‌طور که راجع به آنها صحبت می‌شود بزرگ و بزرگ‌تر می‌گردد. حضرت عبداله‌بهاء به ما می‌آموزند که برعکس رفتار نماییم. باید از نقایص و عیوب دیگران چشم‌پوشی کنیم و با دیده خطاپوش بنگریم. باید انسان‌ها را به خاطر خدا دوست بداریم. حضرت عبداله‌بهاء به ما می‌فرمایند که در هر انسانی نقایصی وجود دارد و اگر به خود انسان‌ها ناظر باشیم همیشه ناراحت خواهیم بود. اما اگر به خدا ناظر باشیم، آنها را دوست داریم و با آنها مهربان خواهیم بود.

امیلیا که با توجّه و علاقه خاصّی به صحبت‌های آخر آنا گوش می‌دهد، اتفاقات اخیر در مدرسه را به یاد می‌آورد که در آنها غیبت باعث رنجش چندین نفر شد. دو دوست مدّتی در باره اینکه چطور غیبت دوستی‌ها را از بین می‌برد صحبت می‌کنند. آنا در دفترچه یادداشتش جستجو می‌کند و متن زیر را می‌خواند:

«ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل برمیار. یعنی بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلّت نفسی مپسند تا ذلّت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدّس و خاطر منزّه در ایّام عمر خود که اقلّ از آنی محسوبست فارغ باش تا بفراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقریابی.»^{۱۳}

سپس ادامه می‌دهد:

حضرت بهاءالله نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال موادّ مخدّر را منع فرموده‌اند. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اجتماعی در دنیای امروز نوشیدن مشروبات الکلی است که یکی از رایج‌ترین دلایل خشونت و سبب تباهی حیات خانواده سالم است. راستش را بگویم هرگز نفهمیدم که چرا مردم باید چیزی مصرف کنند که ذهنشان را مختل نماید و باعث شود توانایی تفکر صحیح را از دست بدهند. مصرف مشروبات الکلی باعث می‌شود انسان اعمال شرم‌آور انجام دهد علی‌رغم آنکه انسان موجودی شریف آفریده شده است. بیان زیبایی از حضرت بهاءالله در باره شرافت انسان به یاد دارم که می‌فرمایند:

«یا ابن الرّوح خلقتک غنیّا کیف تفتقرُ و صنعتک عزیزاً بم تستذلّ و من جوهر العلم اظهرتک لم تستعلّم عن دونی و من طین الحبّ عجتک کیف تشتغل بغیری فارجع البصر الیک لتجدنی فیک قائماً قادراً مقتدرّاً قیّوما.»^{۱۴}

مضمون: ای پسر روح تو را بی نیاز خلق کردم، چگونه است که خود را محتاج می‌نمایی. تو را عزیز آفریدم، به چه سبب طلب ذلّت می‌کنی. تو را از جوهر علم ظاهر ساختم، چرا از غیر من طلب علم می‌کنی. تو را از خاک محبّت سرشتم، چگونه خود را به غیر من مشغول می‌سازی. پس چشم را بگشای و خود را بنگر تا مرا در وجود خویش قائم، قادر، مقتدر و قیوم یابی.

یکی دیگر از دستورات حضرت بهاء الله که بسیار بر قلب من تأثیر گذاشته است، وظیفه والدین و اجتماع برای تربیت کودکان است. در دفتر یادداشت‌م بیانی از آثار حضرت عبداله‌بهاء دارم که این مطلب را به خوبی تشریح می‌فرمایند:

«پس باید احبّای الهی و اماء رحمانی بجان و دل اطفال را تربیت نمایند و در دبستان فضل و کمال تعلیم فرمایند در این خصوص ابدأ فتور نکنند و قصور نخواهند ... اول تکلیف یاران الهی و اماء رحمانی آن است که بایّ وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابدأ فرقی نیست جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو نوع مبعوض. و هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون.»^{۱۵}

مضمون قسمت عربی: ... به هر طریق موجود ... آیا مساوی هستند کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند.

این دستور آنقدر مهم است که جامعه بهائی کلاس‌هایی برای تعلیم و تربیت روحانی کودکان در تمام دهکده‌های منطقه برگزار می‌کند. من در دوره‌ای که مؤسسه آموزشی بهائی برگزار می‌کند شرکت می‌کنم تا به من کمک کند قابلیت‌م را برای تدریس در یکی از این کلاس‌ها افزایش دهم، همان کلاسی که تو هم چندین بار در آن به من کمک کردی. دوره‌های مؤسسه به روی همه بازند و مسیری از خدمت به جامعه را به روی آنها می‌گشایند. اگر مایل باشی می‌توانم یک موقع در باره این دوره‌ها برایت بگویم.

بخش نوزدهم

برای کمک به تفکر بیشتر در باره افکاری که آنا ارائه می‌دهد، تمرین‌های زیر را انجام دهید.

۱. آنا در این قسمت از صحبت‌هایش می‌کوشد که از رهنمود بیت العدل اعظم در مطلع کردن متحرّی حقیقت از وجود احکام و اطاعت از آنها پیروی نماید. با کدام یک از جملات زیر موافق هستید؟

_____ در این مرحله بهتر است آنّا مسئله احکام را مطرح نکند. در جامعه امروز مردم برای آزادی فردی خیلی ارزش قائلند و موضوع «احکام مذهبی» آنها را دلسرد می‌کند.

_____ آنّا باید اکثر احکام بهائی را برای امیلیا بیان کند، مثلاً قوانین ارث، ازدواج، تدفین و حقوق الله. در غیر این صورت امیلیا کاملاً از مفهوم بهائی بودن آگاه نخواهد شد.

_____ مهم‌ترین موضوع برای امیلیا درک این حقیقت است که در امر بهائی حدود و احکامی وجود دارد؛ ماهیت این احکام را تا حدی بداند و به این موضوع واقف باشد که به عنوان یک فرد بهائی باید از آنها پیروی نماید. در این مرحله نیازی نیست که از کلیّه احکام مطلع باشد.

_____ برای هدف آنّا معرفی یک حکم مثل نماز کافیست. آنّا با بیان چهار حکم قدری زیاده روی کرده است.

_____ توضیح آنّا در مورد حکم نماز بسیار مؤثر است. در ابتدا با بیان قانونی که بر وجود جسمانی ما حکم می‌کند، آنّا می‌تواند اهمّیت قوانینی مانند دعا که بر وجود روحانی ما تأثیر می‌گذارند را توضیح دهد. او با این رویکرد از روش معمول که احکام الهی را به مجموعه‌ای از قوانین محدود می‌کند اجتناب می‌نماید.

_____ صحبت کردن با یک متحرّی حقیقت در باره نهی حضرت بهاءالله از مصرف مشروبات الکلی فکر خوبی نیست، مخصوصاً با جوانی که سعی می‌کند استقلال خود را تثبیت نماید و نشان دهد که بالغ شده است. یک فرد جوان طبیعتاً مایل خواهد بود که مشروبات الکلی را امتحان کند و هر ذکری در این مورد او را از امر دور می‌کند.

_____ روشی که آنّا برای تشریح نهی حضرت بهاءالله از نوشیدن مشروبات الکلی اتخاذ می‌کند مناسب است. با بیان تأثیرات الكل بر عقل انسان، آنّا حکمت این حکم را نشان می‌دهد. به علاوه با عنوان کردن شرافت انسان، این حکم را در بستری روحانی و متعالی تر توضیح می‌دهد.

_____ کار آنا اشتباه است که با قاطعیّت بیشتر بر اطاعت از احکام حضرت بهاء الله تأکید نمی‌کند. او در حقیقت باید مسئله مجازات اداری را مطرح کند تا امیلیا بداند که عواقب عدم اطاعت چیست.

_____ در حالی که آنا خیلی محکم راجع به اطاعت از اوامر حضرت بهاء الله بحث نمی‌کند، به امیلیا توضیح می‌دهد که اطاعت از احکام باید ناشی از عشق به خدا و نه ترس از مجازات باشد. وقتی امیلیا بهائی شود اطاعت احکام نتیجه طبعی عشق او به حضرت بهاء الله خواهد بود.

_____ اگر شما فردی را تبلیغ می‌کنید که مشکل نوشیدن مشروبات الکلی دارد توضیح حکم نهی از مصرف الکل بسیار مهم است. در این صورت البتّه باید به او متذکّر شوید که اگر بهائی شود، باید فوراً مصرف مشروبات الکلی را قطع نماید.

_____ اگر شما فردی را تبلیغ می‌کنید که مشکل مصرف مشروبات الکلی دارد توضیح حکم نهی از مصرف الکل بسیار مهم است. با این حال، پس از اطلاع از مشکل فرد می‌توانید بگویید که ادامه استعمال مشروبات الکلی بعد از بهائی شدن برای او بلامانع است، فقط باید مواظب باشد که کسی متوجّه نشود.

_____ اگر شما فردی را تبلیغ می‌کنید که مشکل مصرف مشروبات الکلی دارد مهم است که شما حکم حضرت بهاء الله در مورد نهی از استعمال الکل را در کنار سایر احکام برای او توضیح دهید. همچنین باید به او متذکّر شوید که پیروی از احکام همیشه آسان نیست؛ ما کامل نیستیم و گاهی اوقات اشتباه می‌کنیم. اما وقتی حضرت بهاء الله را می‌پذیریم و دعا می‌خوانیم او خودش کمک می‌کند تا به ضعف‌های خود غالب شویم و به ما قوّت می‌دهد تا احکامش را اجرا کنیم.

۲. فرض کنید در حال تبلیغ کسی هستید که اعتقاد به خدا برایش سخت است. آیا برای چنین فردی حکم نماز را بیان می‌کنید؟ اگر پاسخ شما مثبت است، چگونه این عمل را انجام خواهید داد؟

اولین مکالمهٔ آنا با امیلیا دربارهٔ امریهائی رو به انتهاست. امیلیا علاقهٔ زیادی به توضیحات آنا از تعالیم بهائی نشان داده است و این موضوع آنا را تشویق می‌کند تا بعضی از مطالب را نسبتاً مفصّل‌تر شرح دهد. حال آنا باید توضیحات خود را به اتمام رساند:

خدمت در میدان تبلیغ - ۱۴۹

است. بیت العدل اعظم به ما می فرمایند که در این تلاش سه شرکت کننده وجود دارند که هر کدام نقش بسیار مهمّی برعهده دارند.

اولین شرکت کننده، فرد است. وظیفه فرد است که در عهد و میثاق الهی ثابت قدم باشد؛ روزانه نهایت کوشش خود را به کارگیرد تا زندگی اش را با تعالیم بهائی تطبیق دهد؛ در خدمت به جامعه انسانی بکوشد و همواره بر این حقیقت واقف باشد که زندگی با مرگ پایان نمی پذیرد بلکه رابطه انسان با آفریدگار ابدی است. پس از مرگ روحمان الی الابد به پیشرفت خود به سوی خداوند ادامه می دهد. حیات ما در این دنیا مانند زندگی جنین در رحم مادر است. به مدّت نه ماه جنین قوایی را کسب می کند، مانند چشم، گوش، دست و غیره تا در آینده در این دنیا از آنها استفاده کند. به همین ترتیب ما در این دنیا باید قوای روحانی که برای پیشرفت در سایر عوالم الهی به آنها احتیاج داریم را کسب نماییم. البته فقط با تفکر در این مورد به هدفمان نمی رسیم، بلکه در میدان خدمت، همچنان که برای بهبود وضع اجتماع می کوشیم، از لحاظ روحانی و عقلانی رشد می کنیم.

دومین شرکت کننده جامعه است. انسان برای تنها زیستن خلق نشده است. ما در جامعه زندگی می کنیم و باید با یکدیگر همکاری کنیم تا مدنیّت جدیدی را بسازیم. نزدیک ترین جامعه به ما جامعه محلی است که متشکل از بهائیان دهکده یا شهر ماست. اما صرف نظر از اینکه کجا ساکن هستیم از همه دعوت می کنیم تا به مجهودات ما برای قابلیت سازی برای خدمت و مشارکت در پیشرفت محله ها و دهکده ها پیوندند. در جامعه محلی، همراه با دوستان و همسایگانی که در کنار ما هستند یاد می گیریم تا با یکدیگر همکاری نماییم، پیشرفت کنیم و متحد شویم. در عین اینکه عضو جامعه محلی هستیم، عضو جامعه ملّی و جامعه جهانی بهائی نیز می باشیم که مستمراً گسترش می یابد و مردمی را از ادیان، ملیت ها، قومیت ها، نژادها و قبایل مختلف جذب می کند.

بیت العدل اعظم به ما می فرمایند که مؤسّسات امر سومین شرکت کننده در بنای تمدن جدید هستند. این موضوعی است که بعداً وقتی در مورد عهد و میثاق صحبت می کنیم باید بیشتر راجع به آن حرف بزنیم. فعلاً بگذار فقط بگویم که در میان دستورات حضرت بهاء الله، بسیاری به نحوه سازماندهی اجتماع می پردازد. مظاهر ظهور الهی در گذشته مطالب زیادی راجع به این که پیروانشان چگونه باید امور خود را سازماندهی کنند بیان نکرده اند؛ لذا مردم

باید خودشان طرق مناسب را پیدا می‌کردند. اما در دیانت بهائی، ما موهبت یک نظم اداری الهی را داریم، یعنی حضرت بهاءالله خودشان به ما فرموده‌اند که چه نوع مؤسّساتی را باید تأسیس کنیم، این مؤسّسات باید چگونه عمل کنند و جامعه بشری باید چگونه خود را اداره کند.

در مورد عالی‌ترین مؤسّسه که بیت العدل اعظم است قبلاً صحبت کردیم. در هر کشوری، بهائیان سالی یک بار محفل روحانی ملّی و در هر محل، محفل روحانی محلی را انتخاب می‌نمایند. با این مؤسّسه زودتر از دیگر مؤسّسات آشنا خواهی شد. در امر بهائی، کشیش یا طبقه روحانی وجود ندارد و محفل روحانی محلی امور جامعه خود را اداره می‌نماید و مراقب رفاه افراد این جامعه است. محفل روحانی محلی نه عضو دارد که در جوی آمیخته به نیایش از طریق رأی مخفی توسط افراد بالغ جامعه انتخاب می‌شوند. محافل روحانی اهمّیت فوق‌العاده‌ای برای بهائیان دارند. از طریق آنهاست که ما می‌آموزیم چگونه امور بشری باید اداره شوند و چگونه می‌توان یک نظم جدید را در اجتماع تأسیس نمود، نظامی که به نظم جهانی حضرت بهاءالله شناخته خواهد شد.

تصور می‌کنیم که گفتگوهای آنا و امیلیا در اینجا به پایان می‌رسد. امیلیا واضحاً مشتاق ادامه گفتگو در روزی دیگر است. آنا یک کتاب مناجات کوچک را از کیفش بیرون می‌آورد و به عنوان هدیه به امیلیا می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که قبل از جدا شدن از یکدیگر مناجاتی تلاوت نمایند. امیلیا کتاب را باز می‌کند و می‌خواند:

«قَلْبًا طَاهِرًا فَاخْلُقْ فِيَّ يَا إِلَهِي، سِرًّا سَاكِنًا جَدِّدْ فِيَّ يَا مُنَانِي، وَبِرُوحِ الْقُوَّةِ ثَبِّتْنِي عَلَى أَمْرِكَ يَا مَحْبُوبِي، وَبِنُورِ الْعِظَمَةِ فَاشْهَدْنِي عَلَى صِرَاطِكَ يَا رَجَائِي، وَبِسُلْطَانِ الرَّفْعَةِ إِلَى سَمَاءِ قُدْسِكَ عَرِّجْنِي يَا أُولَى، وَبَارِيَاكِ الصَّمَدِيَّةِ فَأَبْهَجْنِي يَا آخِرَى، وَبِنِعْمَاتِ الْأَزَلِيَّةِ فَاسْتَرِحْنِي يَا مُنْسِي، وَبِغِنَاءِ طَلْعَتِكَ الْقَدِيمَةِ نَجِّنِي عَنْ دُونِكَ يَا سَيِّدِي، وَبِظُهُورِ كَيِّنُونَتِكَ الدَّائِمَةِ بَشِّرْنِي يَا ظَاهِرٌ فَوْقَ ظَاهِرِي وَالبَاطِنُ دُونَ بَاطِنِي.»^{۱۶}

مضمون: قلب پاکی در من خلق بفرما ای معبود من، وجدانی آرام در من تجدید بفرما ای آرزوی من، و به روح قوّت مرا بر امرت ثابت کن ای محبوب من، و به نور بزرگی بر راه خود گواه من باش ای آرزوی من، و به سلطان رفعت و بلندی به مقام ارجمند قدست مرا عروج ده

ای که به امر تو ابتدا یافتم، و به بادهای بی‌نیازی خودت مرا بهجت و سرور بخش ای که رجوع من به سوی توست، و به نغمه‌های ازلیّه مرا راحتی ده ای همدم من، و به بی‌نیازی طلعت قدیمه‌ات از غیر خودت نجاتم ده ای آقای من، و به ظهور وجود و هستی دائمی‌ات مرا مژده ده ای وجودی که ظاهر فوق‌ظاهر من و باطن غیر باطن من را دارا هستی.

گرچه روایتی را که از صحبت‌های آنا و امیلیا نقل کردیم واقعی نبود ولی براساس تجربه هزاران بهائی در سراسر عالم است. در خاتمه داستان با اطمینان می‌توانیم بگوییم که ظرف چند روز و پس از یک یا دو گفتگوی دیگر، امیلیا به جامعه بهائی خواهد پیوست و با کمک آنا در مسیر خدمت به امر مبارک قدم خواهد گذاشت.

بخش بیست و یکم

بیایید به طور کلی نحوه معرفی دیانت بهائی توسط آنا را در دو تمرین زیر بررسی کنیم:

۱. افکاری که آنا با دوست خود در میان می‌گذارد، به خصوص در قسمت‌های آخر، تأثیر زیادی بر درک امیلیا از مسئولیت‌هایش به عنوان عضوی از جامعه، شرکتش در فعالیت‌ها و ارتباط آینده او با مؤسسات امری خواهد داشت.

آنا سعی می‌کند چه تصویری از فرد نشان دهد؟ بعضی از خصوصیات فرد چیست؟

آنا سعی می‌کند چه تصویری از جامعه بهائی نشان دهد؟ بعضی از خصوصیات آن چه هستند؟

آنا سعی می‌کند چه تصویری از مؤسّسات امری ارائه کند؟ برخی از خصوصیات آنها چه هستند؟

۲. آنا در تمام مدّت به وضوح تلاش می‌کند تا باب ورود امیلیا به جامعه بهائی را باز کند. به نظر شما محور اصلی دعوت او کدامیک از موارد زیر است؟

_____ بهائیان افراد خوبی هستند و جامعه بهائی جامعه‌ای متحد است؛ لذا امیدوارم تو هم به ما بپیوندی.

_____ دیانت بهائی پیشرفته‌ترین اصول روحانی و اجتماعی را در بر دارد و از آنجا که تو این تعالیم را پذیرفته‌ای، پس بهائی هستی.

_____ با معرفی اجمالی که من ارائه دادم، حال خودت باید مطالعات عمیقی راجع به دیانت بهائی انجام دهی و تصمیم‌گیری که آیا قرار است بهائی شوی یا خیر.

_____ بر اساس آنچه که ذکر کرده‌ام و توضیحات بیشتری که در پاسخ به سؤال‌های احتمالی تو خواهم داد، امیدوارم حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر ظهور الهی برای این زمان بشناسی و اشتیاق به اینکه یکی از پیروان وفادار ایشان باشی را احساس کنی.

بخش بیست و دوم

این نوع از معرفی امر که در صفحات قبل بررسی کردیم و پیام بیت العدل اعظم در بخش ششم را به تفصیل دنبال می‌کند، مجموعه مناسبی از اندیشه‌ها برای توضیح جنبه‌های اساسی امر بهائی را برای کسی که اطلاعات کمی در باره آن دارد ولی مشتاق به دانستن است، ارائه می‌دهد. ما این بررسی را در بستر تلاشی برای تبلیغ فردی در گفتگویی میان دو دوست انجام دادیم. طبیعتاً موقعیت‌هایی که با آنها روبرو می‌شویم متفاوتند و شما باید در تمام مجهودات تبلیغی خود آماده باشید تا معرفی را با شرایط خاص همسوسازید، یعنی بسته به درجه استعداد افرادی که با آنها در تماسید، وسعت دانش ایشان از امر، میزان آشنایی‌شان با جامعه بهائی و پیشینه خاص آنها. بنا بر این با اینکه تشویق می‌شوید تا معرفی آنها به امیلیا را به خوبی فراگیرید، شناخت منطق زیربنایی آن مهم‌تر است. تنها در این صورت قادر خواهید بود تا به سادگی از آن استفاده کنید، در برابر میل تبدیل آن به یک فرمول مقاومت نمایید و بسته به شرایط آن را تغییر دهید.

ممکن است برای شما مفید باشد که در اینجا مکث کنید و کمی به مسئله اصلی بیندیشید. از زمان ورود به مسیر خدمتی که توسط دوره‌های مؤسسه ارائه می‌شوند، شما به طور پیوسته قابلیت‌های

لازم برای گفتگو با دیگران در باره تعالیم دیانت بهائی و شارع آن را در خود ایجاد کرده‌اید. حال از شما خواسته می‌شود تا پیش‌تر رفته و قابلیت تهیّه معرفّی مناسبی از امر را در خود پرورش دهید که به استعداد و علاقه کسانى که می‌شناسید یا در شرایط مختلف می‌بینید پاسخ گوید. هدف از تمریناتی که همراه با معرفّی در این کتاب ارائه شده‌اند این است که به شما کمک کنند تا در باره ماهیت این قابلیت و آنچه از شما می‌خواهد تفکر کنید. ممکن است مایل باشید برخی از افکار اولیه خود را در زیر بنویسید.

بخش بیست و سوم

همان‌گونه که مطمئناً در بخش قبل متوجّه شدید، قابلیت مورد نظر در میدان عمل پرورش می‌یابد و در طول زمان همچنان که فرد امر را به افراد بیشتری تبلیغ می‌کند افزایش می‌یابد. همه ما مانند آنها در داستان، دوستان، خویشاوندان، همکاران و همسالانی داریم که هر یک به شیوه خود در جستجوی حقیقتند و بعضی از آنها در گفتگویی که تعالیم را به شکلی مناسب و مستقیم ارائه دهد، پذیرای تحقیق در باره پیام حضرت بهاءالله خواهند بود. ممکن است با افرادی که برای اولین بار به

عنوان بخشی از یک کمپین جمعی میان جمعیتی مستعد در دهکده یا محله‌مان ملاقات می‌کنیم نیز گفتگوی مشابهی داشته باشیم. برای آخرین مورد باید هدایت زیر از بیت العدل اعظم را در ذهن داشته باشیم:

«این مسئله که تماس اولیه با این دوستان تازه یافته منجر به دعوت آنان به تسجیل و یا شرکت در یکی از فعالیت‌های جامعه بهائی شود، چندان مهم نیست. آنچه حائز اهمیت بیشتری می‌باشد این است که هر فرد احساس کند که همکاریش با جامعه بهائی در کمک به بهسازی اجتماع با گرمی مورد استقبال قرار می‌گیرد و از این طریق در مسیری از خدمت به بشریت گام می‌نهد که ممکن است در بدایت و یا در مراحل بعدی به تسجیل او بینجامد.»^{۱۷} (ترجمه)

پس باید همواره به خاطر داشته باشیم که در میان کسانی که کنار ما در مجهودات جامعه‌سازی شرکت می‌کنند یا به اشکال مختلف حمایتشان می‌کنیم، افرادی هستند که انگیزه اولیه‌شان میل به خدمت به بشریت بوده است اما اکنون آماده‌اند تا ظهور حضرت بهاءالله را عمیق‌تر بشناسند. بیت العدل اعظم در این رابطه می‌فرماید:

«جامعه نیز البته از هرگونه میزان ارتباطی که یک شخص مایل است داشته باشد استقبال می‌کند. اما شناختن حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی و قبول مسئولیت‌هایی که منحصرأ مربوط به عضویت در جامعه بهائی می‌گردد لحظه‌ای است بی‌ظیر و استثنایی در رشد روحانی هر شخص و امری است کاملاً متمایز از مشارکت مستمر در فعالیت‌های بهائی یا حمایت از اصول آئین بهائی. تجربه نشان داده است که محیط ایجاد شده از طریق مجهودات جامعه‌سازی در یک محل هر شخصی را که مایل است قادر می‌سازد که آن گام را نسبتاً به آسانی بردارد. در هر کجا که این مجهودات جریان دارد احباً باید همواره متوجه باشند که ابواب امر الهی به روی همه باز است و کسانی که در آستانه آن ایستاده‌اند را خوش آمد گویند.»^{۱۸} (ترجمه)

بنا بر این چه در تلاش‌های تبلیغی فردی‌مان و چه در اقدامات جمعی، باید آماده باشیم تا به آن نوع از گفتگوهای ذکر شده در بالا بپردازیم، گفتگوهایی که کسانی که در آستانه ایستاده‌اند را تشویق می‌کند تا به قلعه امن امرالله وارد شوند و از قوه وحدت بخش عهد و میثاق قدرت گیرند.

بخش بیست و چهارم

گفتیم که معمولاً عمل تبلیغ را در دو بستر انجام می‌دهیم: در تلاش‌های فردی و در کمپین‌های جمعی. این دو بستر را به نوبت در چند بخش آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد. بیایید با تفکر در باره مساعی تبلیغی فردی‌مان شروع کنیم. شما قبلاً هنگام مطالعه دوره‌های قبلی با نصّ ذیل آشنا شدید ولی اکنون از شما خواسته می‌شود که به معنی آن دقیق‌تر بیندیشید، زیرا اصول روحانی هر نقشه تبلیغی فردی را می‌توان از آن استخراج نمود.

«ان یا ایها المسافر الی الله خذ نصیبک من هذا البحر ولا تحرم نفسک عما قدّرفیه و کن من الفائزین. و لو یرزقن کلّ من فی السّموات و الارض بقطرة منه لیغنینّ فی انفسهم بغناء الله المقتدر العلیم الحکیم. خذ بید الانقطاع غرفة من هذا البحر الحیوان ثمّ رشح منها علی الکائنات لیطهرهم عن حدودات البشر و یقرّبهم بمنظر الله الاکبر هذا المقرّ المقدّس المنیر. و ان وجدت نفسک وحیداً لا تحزن فاکف برّبک ثمّ استأنس به و کن من الشّاکرین. بلغ امر مولاک الی کلّ من فی السّموات و الارض. ان وجدت مقبلاً فاطهر علیه لثالی حکمة الله ربّک فیما القاک الرّوح و کن من المقبلین و ان وجدت معرضاً فاعرض عنه فتوکّل علی الله ربّک و ربّ العالمین.»^{۱۹}

مضمون: ای مسافر به سوی خداوند! نصیبت را از این دریا بگیر و خود را از آنچه خداوند برای تو مقدّر کرده محروم مساز. اگر همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است به قطره‌ای از آن مرزوق شود به غنای خداوندی غنی خواهند شد، تو نیز با دست‌های انقطاع مشتی از آن بردار و به جهانیان بپاش تا آنان را از حدودات بشری پاک سازد و به منظر اکبر، این مقرّ مقدّس رهنمون شوند. اگر خود را تنها یافتی محزون مباش به الطاف پروردگارت کفایت کن و با او مؤانس شو و به شکرانه پرداز، امر مولایت را به جمیع اهل آسمان‌ها و زمین ابلاغ کن، اگر

کسی اقبال کرد لئالی حکمت الهی را آنچنان که حضرت روح به تو القاء کرد بر او عرضه دار
و خود نیز از مقبلین باش و اگر اعراض نمود تو نیز از او روی بگردان و به خداوند، پروردگار تو
و پروردگار عالمیان توکل کن.

۱. جملات زیر را کامل کنید:

- الف. ما باید _____ خود را از دریای خداوند بگیریم.
- ب. باید با دست‌های _____ مشتی از _____ برداریم.
- ج. باید آب حیات بخش فیض الهی را بر _____ باشیم.
- د. نباید اگر خود را _____ یافتیم _____ باشیم.
- ه. باید با پروردگارمان _____ شویم.
- و. ما باید به _____ پردازیم.
- ز. ما باید امر مولایمان را به جمیع اهل آسمان‌ها و زمین _____ کنیم.
- ح. اگر کسی اقبال کرد باید _____ الهی را بر او _____ داریم.
- ط. اگر نفسی اعراض نمود ما باید از او _____ و به خداوند
_____ کنیم.

۲. اینکه باید نصیب خود را از دریای فیض الهی بگیریم چه معنایی دارد؟ _____

۳. چه چیزهایی در اعماق دریای الهی نهفته است که اگر کشف شود ما را قادر خواهد ساخت
امر مبارک را به نحو هر چه مؤثرتری تبلیغ کنیم؟

۴. یک قطره از دریای فیض الهی قادر بر انجام چه کاری است؟

۵. چرا باید با «دست‌های انقطاع» از آب حیات بخش این بحر برداریم؟

۶. با آبی که از دریای فیض الهی بر می داریم چه باید بکنیم؟

۷. این پاشیدن چه تأثیری خواهد داشت؟

۸. آیا همیشه باید با کمک دیگر بهائیان امرالله را تبلیغ کنیم؟

۹. آیا موقع تبلیغ و ابلاغ کلمه به کسی جز خدا نیاز داریم؟ _____

۱۰. موقع تبلیغ و ابلاغ کلمه با چه کسی باید مؤانس باشیم؟ _____

۱۱. موقع تبلیغ و ابلاغ کلمه باید به خاطر چه چیزی شکرانه کنیم؟ _____

۱۲. به چه کسی باید امرالله را ابلاغ کنیم؟ _____

۱۳. چه کسی را باید تبلیغ کنیم؟ _____

۱۴. اگر ابلاغ امر با اعراض روبرو شد باید چه کاری انجام دهیم؟ _____

۱۵. آیا اعراض از نفوسی که پیام را قبول نکردند بدین معناست که دیگر نباید با آنها دوست باشیم؟

یا فقط به این معناست که نباید در تبلیغ امر به آنان اصرار کنیم؟

۱۶. در قسمت زیر چند عبارت راجع به تبلیغ آمده است. مشخص کنید کدام گزینه‌ها با بیان

حضرت بهاءالله مطابقت دارد. آنها را علامت بزنید.

_____ تصمیم گرفته‌ام که دوست صمیمی‌ام میگل را تبلیغ کنم. بنا بر این در پنج سال گذشته کوشش‌های تبلیغی خود را فقط بر او متمرکز نموده‌ام. او علاقه‌ای نشان نمی‌دهد اما یک روز علاقه‌مند خواهد شد. در واقع برنامه تبلیغی فردی من همین است.

_____ فکر می‌کنم که وظیفه ما ابلاغ امرالله به مردم است. دیگر به خودشان بستگی دارد؛ اگر مایل بودند بیشتر تحقیق کنند. اگر واقعاً بخواهند می‌توانند تقاضای کتاب کنند، بخوانند و بعد خودشان تصمیم بگیرند.

_____ دیروز ضمن صرف قهوه پیام حضرت بهاءالله را برای یکی از همسایگانم توضیح می‌دادم. پس از مدّتی گفت گرچه به اشتیاق من احترام می‌گذارد ولی از دین خودش راضی است. ولی این موضوع را طوری بیان کرد که روشن بود باب مکالمه در باره امر را برای آینده بسته است. بنا بر این دفعه دیگر که او را ملاقات کنم سعی می‌کنم برخی از جنبه‌های تعالیم که ممکن است نظرش را جلب کند و او را به مظهر ظهور این عصر نزدیک‌تر کند پیدا کنم.

_____ وقتی کسی می‌گوید علاقه‌ای به شنیدن مطالبی در باره امر الهی ندارد، واقعاً بدین معنا نیست که علاقه ندارد. پس من اصرار می‌کنم.

_____ اگر فردی می‌داند من بهائی هستم ولی هیچ سؤالی نمی‌کند یعنی علاقه‌مند نیست.

_____ اگر فردی که در کنار من در فعالیت‌های جامعه‌سازی کار می‌کند هیچگاه در باره شیوه تسجیل شدن سؤالی نکرده باشد، بدین معناست که نمی‌خواهد تعهد روحانی پذیرش حضرت بهاءالله را قبول کند.

_____ کوشش می‌کنم تا آنجا که ممکن است با اشخاص متعدّد ملاقات کنم و هر وقت که موقعیت مقتضی بود، در مورد تعالیم با ایشان صحبت کنم. اگر آنها را مستعد یافتم، به تبلیغ آنان ادامه خواهم داد تا وقتی که سرانجام بتوانم آنها را برای پیوستن به امر دعوت کنم.

بخش بیست و پنجم

حضرت ولی امرالله در قسمتی از کتاب *ظهور عدل الهی* عناصر اصلی نقشه تبلیغی فردی منظم را در نهایت فصاحت شرح می دهند. قسمت مذکور به بخش های کوتاهی تقسیم شده است. هر یک را بخوانید و جاهای خالی را در جملات زیر پر کنید.

«نفسی که به دلالت وجدان مصمم بر اجابت این نداء و اجراء امر اعزّ اقدس ابهی گردید و به القائنات دوستان و دشمنان که دانسته و ندانسته در مقام ایجاد مشکلات در تحقق این مقصد امنع اعلی بودند توجه نمود، باید با قلبی طافح به محبت الله و لسانی ناطق به ذکر الله به جمیع وسائل ممکنه متشبّث شود و طرق مختلفه را به کمال دقت مورد مطالعه قرار دهد تا به جلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که دخولشان را در ظلّ امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه اسم اعظم شایق و آرزومند است توفیق یابد و نیز باید عوامل و امکاناتی را که شؤون و مقتضیات محیط در اختیار وی گذاشته رسیدگی و مزایای آن را بررسی نماید و به مدد فکر و حکمت و تمسک به حبل اتقان و استقامت آن عوامل و امکانات را با انتظام کامل برای نیل به مقصود و هدف مطلوب به کار برد.»^{۲۰} (ترجمه)

۱. حضرت ولی امرالله می فرمایند که ما باید به _____ مصمم بر _____ این نداء و _____ امر اعزّ اقدس ابهی گردیم.
۲. در این صورت نباید بگذاریم که القائنات _____ و _____ که _____ و _____ در مقام ایجاد مشکلات در تحقق این مقصد امنع اعلی هستند توجه ما را به خود معطوف نماید.
۳. با اطمینان از تصمیم خود باید با قلبی طافح _____ و لسانی _____ به ذکر الله به جمیع _____ متشبّث شویم و _____ مختلفه را به کمال دقت مورد مطالعه قرار دهیم تا در این صورت به جلب _____ و حفظ _____ و تحکیم و تقویت _____ نفوسی که دخولشان را در ظلّ امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه _____ شایق و آرزومندیم توفیق یابیم.

۴. با اطمینان از تصمیم خود باید _____ مختلفه را به کمال دقت
_____ قرار دهیم تا به _____ افکار و _____ علائق
و _____ ایمان نفوسی که دخولشان را در ظلّ امرالله طالیم توفیق یابیم.

۵. ما باید _____ و _____ را که شئون و مقتضیات _____ در
اختیارمان گذاشته _____ نماییم.

۶. ما باید مزایای عوامل و امکاناتی که در اختیار داریم را _____ نماییم.

۷. بعد از طیّ این مراحل باید به مدد _____ و _____ و تمسّک به جبل اتقان و
استقامت آن عوامل و امکانات را با _____ برای تبلیغ امرالله به کار ببریم.

«همچنین لازم است روش‌هایی اتخاذ نماید که بموجب آن باب معاشرت را با مجالس و
مجامع و معارض و محافل مختلفه مفتوح و در جلسات نطق و خطابه که مواضعی ملایم و
موافق با اصول تعالیم امریه مانند اعتدال در امور و تعدیل اخلاق و تأمین رفاه و سعادت
اجتماع و تحمّل و شکیبایی در مسائل مذهبی و نژادی و تعاون و تعاضد اقتصادی همچنین
حقایق مربوط به دیانت اسلام و مقایسه مذاهب و ادیان مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد
مشارکت کند و با انجمن‌های علمیّه و ادبیّه و اجتماعیّه و امور خیریه و مشروعاتی از این
قبیل که در عین محفوظ ماندن شئون و مقامات امریه طرق و وسائط متنوعه کثیره در برابر
دیدگان فرد قائم به خدمت مفتوح نماید مجالست و مصاحبت کند تا بدین وسیله انظار
نفوس را به تعالیم الهیه معطوف و آذان را به اصغاء نغمات روحانیّه آشنا سازد و بالمال
آنان را به ورود در ظلّ شجره ربّانیه و حمایت و پشتیبانی از کلمه جامعه رحمانیه نائل و
موفق دارد.»^{۲۱} (ترجمه)

۸. همچنین لازم است روش‌هایی اتخاذ نماییم که به موجب آن باب معاشرت را با
_____ و _____ و _____ و _____ مختلفه مفتوح و در
_____ و _____ که مواضعی ملایم و موافق با _____
مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد مشارکت کنیم.

۹. همچنین باید طرّقی را بیابیم تا با انجمن‌های _____ و _____ و _____
و _____ و _____ از این قبیل در عین _____ شئون و مقامات امریه
مجالست و مصاحبت کنیم.

۱۰. تا بدین وسیله _____ نفوس را به تعالیم الهیه _____ و _____ را به
اصغاء نغمات روحانیه آشنا سازیم و بالمالّ آنان را به _____ در ظلّ شجره
ربّانیه و _____ و _____ از کلمه جامعه رحمانیه نائل و موفق
داریم.

«حال چون چنین معاشرت و مؤانست بدست آمد و ابواب مؤالفت مفتوح گردید باید پیوسته
مصالح عالیّه امریه و اصالت شریعت سماویّه محفوظ و عمومیت و جامعیت احکام و مبادی
سامیه ربّانیه اثبات و منافع کثیره حیاتیّه آن خالی از هرگونه خوف و هراس پشتمانی و
حمایت گردد. هر نفسی که قدم در میدان تبلیغ نهد باید میزان ظرفیت و استعداد شخص
سامع را در نظر گیرد و با ملاحظه جوانب و اطراف امر تشخیص دهد که ابلاغ کلمه الهی و
اشاعه انوار سبحانی بچه نحو شایسته و مؤدّی به مقصود است مستقیم و یا غیرمستقیم تا
بدان طریق اهمّیت حیاتی پیام یزدانی را بر متحرّی حقیقت مکشوف و با اقامه دلیل و برهان
او را مطمئن و متیقّن سازد که خویشتن را در ظلّ کلمه جامعه ربّانیه وارد و به جمع نفوسی
که به انتساب به اسم اعظم الهی مفتخر و متباهی اند ملحق و منضم گردانند.»^{۲۲} (ترجمه)

۱۱. حال چون چنین معاشرت و مؤانست به دست آمد و ابواب مؤالفت مفتوح گردید باید پیوسته
_____ عالیّه امریه و اصالت شریعت سماویّه _____ و عمومیت و جامعیت
_____ و _____ سامیه ربّانیه _____ و _____ کثیره
حیاتیّه آن خالی از هرگونه خوف و هراس _____ و _____ گردد.

۱۲. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که ما باید میزان _____ و _____ شخص
سامع را در نظرگیریم و با ملاحظه _____ و _____ امر تشخیص دهیم
که ابلاغ کلمه الهی و اشاعه انوار سبحانی به چه نحو شایسته و _____ به
مقصود است، _____ و یا _____.

۱۳. تا بدان طریق _____ پیام یزدانی را بر متحرّی حقیقت _____ و با اقامه _____ و _____ او را _____ و _____ سازیم که خویشتن را در ظلّ کلمهٔ جامعهٔ ربّانیه _____ و به جمع نفوسی که به انتساب به اسم اعظم الهی مفتخر و متباهی اند ملحق و منضم گرداند.

«در این مقام باید روش و سلوک حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان رحمانی را در مدّ نظر داشت و نصایح مستمرّ آن وجود اقدس را همواره نصب العین خویش قرار داد و به فرمودهٔ مبارک چنان طالب حقیقت را در بحر محبّت و وداد مستغرق نمود و تعالیم قدسیه را که القاء و ایجاد آن در روح مستمع منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار و رفتار مجسّم و ظاهر ساخت که شخص شنونده مسحور گردد و به طیب خاطر و انجذاب تام مایل و شایق آن شود که خود را در ظلّ امر عظیمی که چنین مکارم اخلاق تعلیم و چنین اصول و مبادی قیمه ترویج نموده وارد و در حلقهٔ پیروان شریعة الله داخل سازد و نیز باید به این امر دقیق توجّه کامل مبذول داشت که در آغاز از تأکید و ابرام نسبت به بعضی از سنن و احکام الهیه که احیاناً از لحاظ معتقدات طالب حقیقت که تازه قدم در عرصهٔ تحقیق گذاشته دشوار و غیر قابل تحمّل باشد خودداری نمود و با صبر و متانت تام و تصمیم و استقامت تمام او را از ثدی بیانات الهی و مائدهٔ روحانی پرورش داد و در مدارج صباوت و شباب مترقی ساخت و اعانت و دلالت نمود تا بسر منزل بلوغ رسد و اطاعت و انقیاد بلا شرط خود را نسبت به آنچه شارع این امر اعظم مقررّ و تعلیم فرموده اعلام دارد.» ۲۳ (ترجمه)

۱۴. در مجهودات تبلیغی باید _____ حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان رحمانی را در مدّ نظر داشته باشیم و نصائح مستمرّ آن وجود اقدس را همواره نصب العین خویش قرار دهیم و به فرمودهٔ مبارک طالب حقیقت را در بحر _____ نمایم و تعالیم قدسیه را که القاء و ایجاد آن در روح مستمع منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار و رفتار _____ و _____ سازیم.

۱۵. باید در پیروی از حضرت عبدالبهاء چنان کوشش کنیم که شخص شنونده _____ گردد و به _____ آن شود که خود را در حلقه _____ سازد.

۱۶. و نیز باید به این امر دقیق توجّه کامل مبذول بداریم که در آغاز از _____ و _____ نسبت به بعضی از _____ و _____ الهیه که احیاناً از لحاظ معتقدات طالب حقیقت که تازه قدم در عرصه _____ گذاشته _____ و غیر قابل تحمّل باشد _____ نماییم.

۱۷. ما باید با صبر و متانت تام و تصمیم و استقامت تمام او را از _____ دهیم و در مدارج صباوت و شباب _____ سازیم و _____ نماییم تا به سر منزل بلوغ رسد و _____ خود را نسبت به آنچه شارع این امر اعظم _____ اعلام دارد.

۱۸. ما باید با _____ و _____ او را از ثدی بیانات الهی و مائده روحانی پرورش دهیم و در مدارج _____ مترقی سازیم و اعانت و دلالت نماییم تا _____ و اطاعت و انقیاد بلا شرط خود را نسبت به آنچه شارع این امر اعظم مقرر و تعلیم فرموده _____.

«پس از حصول این مقام و وصول بسر منزل ایمان و ایقان باید شخص جدید الاقبال را به جمعیت یاران معرفی نمود تا در اثر همکاری مستمرّ و اشتراک مساعی در فعالیت‌های امریه آماده و مستعدّ آن شود که سهم خویش را در اعتلاء حیات و ایفاء وظایف و تقویت مصالح و تطبیق خدمات جامعه محلیّه با مجهودات سائر جوامع بهائی عملاً ادا نماید.»^{۲۴} (ترجمه)

۱۹. پس از حصول این مقام و وصول به سر منزل ایمان و ایقان باید شخص جدید الاقبال را به اعضای دیگر جامعه _____ نماییم.

۲۰. از آن لحظه به بعد باید طالب این باشیم تا در _____ و _____ در _____ آماده و مستعدّ آن شود که سهم خویش را _____ حیات و

_____ وظایف و _____ مصالح و _____ خدمات جامعه محلیه با
مجهودات سایر جوامع بهائی عملاً _____.

«نفس ابلاغ کننده کلمه الهی باید راضی و قانع نشود و از پای ننشیند تا آنکه روح شوق و
اشتیاق در مولود روحانی خویش بدمد و او را چنان مستعد و لائق سازد که به نوبت خود
قیام نماید و بنفسه در احیاء نفوس و انتشار اصول و بّثّ تعالیمی که به جان و دل قبول
نموده سعی بلیغ و جهد جهید بمنصّه ظهور رساند.»^{۲۵} (ترجمه)

۲۱. حضرت ولی امرالله می فرمایند که ما نباید راضی و قانع شویم تا وقتی که _____ و
_____ در مولود روحانی خویش بدمیم تا او را چنان _____ و _____
سازیم که _____ قیام نماید و بنفسه در _____ و انتشار اصول و
بّثّ تعالیم _____ و _____ به منصّه ظهور رساند.

بخش بیست و ششم

با در ذهن داشتن نصوص دو بخش قبل، حال از شما خواسته می شود توجه خود را به
طراحی یک نقشه تبلیغی فردی منظم معطوف نمایید. برای گام اول به این بیندیشید که به چه شکل
عناصر موجود در بیان حضرت شوقی افندی در نقشه شما قابل اجرا خواهد بود. تمرین های زیر به شما
در انجام این عمل کمک می کند.

۱. واضحاً یکی از عناصر اصلی نقشه تبلیغی فردی، تصمیم قاطع شماست که سعی بلیغ نمایید
تا نفوس مستعد را بیابید و تبلیغ کنید. هر زمان که تصمیم قاطعانه برای انجام کاری می گیریم،
عزم و اراده ما مورد امتحان قرار می گیرد و بدون شک موانعی به وجود می آید. در رابطه با
تبلیغ نیز با موانعی مانند مخالفت با امرالله و یا وضع کنونی دنیا مواجه می شویم. مثلاً
ماده گرایی موجود در اجتماع یا بی تفاوتی مردم نسبت به مسائل روحانی می تواند کوشش های
ما را برای تبلیغ دشوار کند. بعضی از موانعی را که در نتیجه وضع کنونی دنیا در راه تبلیغ با
آن مواجه خواهید شد چه هستند؟
_____ الف.

- _____ ب.
- _____ ج.
- _____ د.
- _____ هـ.
- _____ و.

۲. پس از تصمیم به قیام و تبلیغ امرالله باید به موقعیت و شرایط زندگی خود بیندیشید. البته محوری‌ترین بُعد، مشارکت شما در فعالیت‌های جامعه‌سازی در دهکده یا محله‌تان است و قبلاً ذکر کردیم که این کار برای شما فرصت‌های تبلیغی ایجاد می‌کند. اما فارغ از آن، ابعاد دیگر زندگی خود را در نظر بگیرید و در یک پاراگراف کوتاه توصیفشان کنید. به عنوان مثال، آیا شما دانش‌آموز، دانشجو، والد، پدر بزرگ یا مادر بزرگ هستید؟ شغل‌تان چیست؟ با چه گروه‌ها یا سازمان‌هایی در تماسید و در زندگی روزانه خود با چه افرادی ملاقات می‌کنید؟

با در نظر داشتن مطالب فوق، امکانات مختلفی که برای تبلیغ سیستماتیک در زندگی‌تان دارید را بنویسید.

۳. در کنار امکاناتی که در بالا شناسایی کردید، به عنوان عنصری از نقشهٔ تبلیغی فردی تان لازم است به راه‌های مختلفی فکر کنید که بتوانید در عین محفوظ ماندن شئون و مقامات امریه، مستمراً افراد جدیدی را ملاقات نمایید که بعضی از آنها مستعد شنیدن پیام حضرت بهاءالله خواهند بود. به عنوان مثال می‌توانید در سازه‌مانی که اهدافش با تعالیم هماهنگ است عضو شوید. اگر در نزدیکی یک مرکز آموزشی زندگی می‌کنید، می‌توانید در سخنرانی‌هایی که موضوعاتشان همسو با تعالیم و آرمان‌های امر است شرکت جویند. این عنصر از نقشهٔ شما بسیار مهم است، زیرا اگر دائماً افراد جدیدی را ملاقات نکنید، نهایتاً تمام توجه شما برای سالیان متمادی بر افراد یکسانی متمرکز می‌گردد که شاید اکثرشان حتی مستعد نباشند. چند طریق را که به آن وسیله می‌توانید با تعداد هرچه بیشتری از افراد ملاقات کنید بنویسید.

۴. همانطور که از طریق امکاناتی که در تمرین‌های ۲ و ۳ ذکر کردید با تعداد فزاینده‌ای از مردم ارتباط گرفتید، باید به این فکر کنید که چگونه اهداف ظهور حضرت بهاءالله را به نحو شایسته و حکیمانه به ایشان معرفی خواهید نمود. با اینکه مطمئناً آنها بخشی از زیبایی تعالیم آن حضرت را از طریق اعمال شما دریافت خواهند کرد اما شما به دنبال فرصت‌های مناسبی برای گفتگو پیرامون مواضع مختلف امر هستید. از مطالعه واحد دوم کتاب دوروحی تحت عنوان «گفتگوهای سرور انگیز و تعالی بخش» و تجربیات پس از آن می‌دانید که چگونه به چنین مباحثاتی اشتغال ورزید. در حالی که بر این عنصر نقشه خود تأمل می‌کنید، گروه‌های مختلفی از مردم که با آنها در ارتباط هستید را به ذهن بیاورید. چگونه می‌توانید به مؤثرترین روش توجه هر گروه را به اهداف و آرمان‌های امر جلب کنید؟ واضحاً فقط می‌توانید افکار اولیه خود را در اینجا بنویسید، زیرا تنها وقتی در موقعیت واقعی قرار بگیرید می‌دانید که چه بگویید. به علاوه، نظریات شما با کسب تجربه کامل‌تر خواهند شد.

۵. هم‌زمان با معرفی اهداف و آرمان‌های امر به تعداد هرچه بیشتری از افراد، به تبلیغ نفوسی که مستعد می‌یابیدشان خواهید پرداخت. نحوه پیشروی شما بستگی به شرایط دارد. شاید مانند آن‌ا و دوستش امیلیا تصمیم بگیرید که یک معرفی ساده و بدون ابهام از اصول اساسی امر بهترین روش است. با افراد دیگر ممکن است گفتگوهای را در فضایی مانند بیت تبلیغی مستمر ادامه دهید. دیگرانی نیز هستند که ممکن است به جلسات دعا در دهکده یا محله‌تان دعوتشان کنید. دسته دیگر نیز هستند که از قبل به بینش حضرت بهاءالله برای نظم جهانی جدید متعهد شده‌اند و فقط نیازمند تشویق گرم شما هستند. البته شما در تمام این موارد به طور مستمر روی به سوی خداوند می‌کنید و از او می‌خواهید تا نفوسی که در حال تبلیغ آنها هستید را در امر خود پناه دهد. هدف شما کمک به هریک از آنها خواهد بود تا درک هر چه عمیق‌تری از تعالیم حضرت بهاءالله به دست آورند. وقتی که او را به عنوان مظهر ظهور الهی برای این عصر شناختند و به صف پیروانش پیوستند، اگر بناست که شناخت تازه آنها از امر در مقابل نیروهای انحطاط اخلاقی موجود در اجتماع امروز مقاومت کند، لازم است به آنها کمک کنید تا در دانش خود و خدمت به امر او رشد کنند. کارهایی که بدین طریق برای پرورش آنها می‌توانید انجام دهید را فهرست کنید.

بخش بیست و هفتم

پس از مشخص نمودن عناصر نقشه تبلیغی فردی، شاید بخواهید یک نقشه اقدام اولیه را برای مدت معینی مثلاً چند هفته یا چند ماه طرح کنید. نقشه شما وقتی مؤثر خواهد بود که دقیق باشد، یعنی اسامی اشخاصی که می‌شناسید و گام‌هایی که می‌خواهید بردارید را مشخصاً ذکر کرده باشید. با پیگیری این نقشه فرصت‌های تازه‌ای پیش خواهد آمد و با افراد جدیدی ارتباط برقرار خواهید کرد و در نتیجه قدم‌های جدید برخواهید داشت.

[illegible]

بخش بیست و هفتم

همانطور که احتمالاً هنگام تفکر در باره عناصر نقشه تبلیغی فردی و مشخص نمودن نقشه اولیه اقدام متوجه شده‌اید، اغلب مساعی تبلیغی فردی ما با الگوی فعالیت در حال بسط در دهکده یا محله مان در هم آمیخته است. همچنین دیدید که چگونه مساعی فردی به چنین الگویی کمک و آن را تقویت می‌کند. اما برای سرعت گرفتن و حتی وسعت یافتن الگوی رشد در یک جامعه، به کمپین‌های جمعی نیاز است. مشارکت مؤثر در چنین کمپین‌هایی مستلزم آن است که درک ما از دلالت‌های ضمنی اقدام جمعی وضوح بیشتری یابد. بیایید سناریوی زیر را به عنوان مثال در نظر گیریم.

فرض کنید در جلسه‌ای شرکت می‌کنید که در آن دوستان از چندین دهکده یا محله مجاور دور هم جمع شده‌اند تا به خواست لجنة تبلیغ ناحیه‌ای برای یک کمپین تبلیغی برنامه‌ریزی کنند. جلسه در یک جو روحانی تشکیل می‌شود، چند سخنرانی تأثیرگذار در مورد اهمیت امر تبلیغ و نقش فرد ایراد می‌گردد و هیجان فراوانی ایجاد می‌کند. هنگامی که سخنرانی‌ها به پایان می‌رسد، افراد هر دهکده یا محله در گروه خود نقشه‌هایشان برای کمپین تبلیغی را به مشورت می‌گذارند. بعد از مدّتی تمام گروه‌ها دور هم جمع می‌شوند تا نقشه‌های خود را به اشتراک بگذارند. یکی از نماینده‌ها نتیجه مشورت گروهشان را اینگونه خلاصه می‌کند: «برنامه ما برای کمپین بسیار واضح و روشن است. این طرح از افراد می‌خواهد هر روز دعا کنند که حداقل یک موفقیت تبلیغی داشته باشند، هر فرد حداقل

هر روز به یک نفر امر را ابلاغ نماید و هر خانواده در هر نوزده روز حداقل یک بیت تبلیغی منعقد کند».

فرض کنیم که اعضای گروه این نقشه را به دهکده یا محله خود می‌برند. بالاتر دید اگر همه افراد با خلوص و اشتیاق توصیه‌های گروه را دنبال نمایند، می‌توان تصوّر نمود که جامعه هم از نظر تعداد و هم قابلیت، شاهد رشد خواهد بود و آنان را برای انجام تعهدات بزرگ‌تری آماده خواهد ساخت. ولی به جهت افزایش درک ما از موضوع، مفید است از خود پرسیم که آیا چنین برنامه‌ای با تصوّر و فهم ما از فعالیت سیستماتیک جمعی سنخیت دارد؟ آیا این نقشه اقدامی فراتر از تشویق افراد به تعقیب نقشه‌های تبلیغی فردی‌شان را می‌طلبد، که البته با علم به اینکه دیگر یاران نیز به اقدام مشابهی مشغولند با شوق و اشتیاقی مضاعف تقویت می‌گردد؟ آیا نباید اقدام جمعی به نحوی طراحی شود که استعدادات و قابلیت‌های افراد، یکدیگر را تقویت نمایند و قوایشان چند برابر گردد؟ آیا نباید اقدام متحد یک گروه از مردم ثمراتی بس بیشتر از تجمیع کوشش‌های انفرادی و جداگانه آنها داشته باشد؟ با دیگر اعضای گروه خود بر این سؤالات تأمل کنید.

بخش بیست و نهم

صحبت در باره سؤالات بالا مطمئناً مؤید فهم شما از تجربیاتتان بوده است. بدون شک به عنوان بخشی از هسته مرکزی یک گروه در حال تزیاید که در دهکده یا محله خدمت می‌کنند، دیده‌اید

که چگونه در پویایی اقدام متحد، قوای ما چند برابر می‌شود. هدف ما در ادامه واحد تلاش برای کسب بینش‌هایی در باره این ساز و کار در بستر ترویج و تحکیم امر مبارک است.

ابتدا بیایید به سرعت آنچه را که احتمالاً تاکنون در باره رویکرد ما نسبت به رشد امر در سراسر عالم می‌دانید مرور کنیم. در زمان حاضر برای تسریع فرایند رشد، مجهودات غالباً در محله‌ها و دهکده‌های یک محدوده جغرافیایی صورت می‌پذیرند. «محدوده جغرافیایی» به یک ناحیه جغرافیایی کوچک با ابعادی قابل اداره برای برنامه‌ریزی اهداف اشاره دارد. لجنة تبلیغ ناحیه‌ای در این سطح کار می‌کند. بیت العدل اعظم ما را تشویق می‌نمایند که در یک محدوده جغرافیایی در «ادوار سه ماهه» فعالیت کنیم «که از طریق آن جامعه رشد می‌کند: ترویج سریع که در نتیجه فعالیت‌های فشرده حاصل می‌شود، دوران ضروری تحکیم که در طی آن نفوس جدید از طرقي مثل شرکت در جلسات دعا، ضیافات نوزده‌روزه، ملاقات در منازل تقویت می‌گردند، و فرصت‌هایی که به تأمل و برنامه‌ریزی همه اعضا اختصاص داده می‌شود».

خصیصه دوره‌های سه ماهه، فازهای ترویج، تحکیم، بازنگری و برنامه‌ریزی است. هر دوره بر پایه دستاوردهای دوره قبلی به پیش می‌رود. همچنان که بعد از هر موج ترویج، تعداد هر چه بیشتری از مردم به فرایند مؤسسه وارد می‌شوند، قابلیت جمعی‌شان برای عمل کردن به آنچه می‌آموزند افزایش می‌یابد. در نتیجه مجموعه‌ای از فعالیت‌های به هم مرتبط که هسته فرایند رشد را تشکیل می‌دهند - یعنی جلسات دعا، کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه - بسط می‌یابند و هسته مرکزی در حال تزایدی از حامیان فعال امر قادرند تا سرعت فعالیت را به طور کلی افزایش دهند. فرایند رشد به این شکل و به طور تدریجی سرعت می‌گیرد.

فاز ترویج نیازمند بالاترین درجه فشرده‌گی است که معمولاً از طریق کمپین‌های جمعی متحقق می‌شود. اهداف آن همانطور که در بالا ذکر شد بسته به شرایط هر محدوده جغرافیایی متفاوت است. گاهی اوقات ممکن است یک کمپین به دنبال افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در یکی از اقدامات اساسی باشد. در شرایط دیگر ممکن است تمرکز بر تبلیغ مستقیم باشد. معمولاً تبلیغ مستقیم در مکان‌هایی صورت می‌گیرد که اقدامات در حال شکل بخشیدن به حیات جامعه هستند و ملاقات با مردم در خانه‌هایشان را شامل می‌شود. بیت العدل اعظم در رابطه با چنین کمپین‌هایی بدین صورت هدایت می‌فرمایند:

«این سؤال در قلب مسئله است که چطور یک کمپین تبلیغ امر مبارک که از طریق ملاقات در منازل پیش می‌رود، به فعالیت‌های دیگری که در محله انجام می‌شود ارتباط می‌یابد: این کار چطور با مجهودات مربوط به برگزاری جلسات تقویت خصلت نیایش در جامعه وسیع‌تر مرتبط است، چطور به ارائه کلاس‌هایی برای پرورش روحانی کودکان مربوط است، چگونه به شکل دادن گروه‌هایی که انرژی نوجوانان را در مجاری مناسبی هدایت می‌کند مربوط است، چطور به تأسیس حلقه‌های مطالعه‌ای ربط می‌یابد که به روی همه باز هستند و در آن افرادی از پیشینه‌های گوناگون می‌توانند در شرایط برابر پیشرفت کنند و کاربرد تعالیم مبارکه را در زندگی فردی و جمعی خود بررسی نمایند.»^{۲۶} (ترجمه)

بخش سی‌ام

طبق پیام فوق نباید فکر کنیم که کمپین‌های تبلیغی در انزوا انجام می‌شوند. آنها تنها یکی از عناصر رویکرد ما نسبت به رشد را تشکیل می‌دهند. به علاوه، مجهودات ترویج و تحکیم امر در مقیاس وسیع زمانی بیشترین ثمره را خواهد داشت که به طور سیستماتیک و در بلندمدت میان یک جمعیت خاص صورت پذیرد.

در این واحد چندین بار عبارت «جمعیت‌های مستعد» را ذکر کردیم. تجربه نشان داده است که درست مانند افراد، بعضی از جمعیت‌ها ممکن است آماده‌تر باشند تا دلالت‌های ضمنی امرالله را برای حیات جمعی‌شان مورد کاوش قرار دهند. بیت العدل اعظم می‌فرماید که چنین استعدادی اغلب «به صورت تمایل به مشارکت در فرایند جامعه‌سازی که با فعالیت‌های اساسی نقشه به حرکت درمی‌آید جلوه‌گر می‌شود». در هر محدوده جغرافیایی وظیفه پیش روی احباء آن است که

«به تبلیغ در بین یک یا چند جمعیت مستعد پردازند و نفوسی را بیابند که آرزومندند سستی و رخوتی را که اجتماع بر آنان تحمیل نموده از خود بزدایند و با کار کردن در کنار یکدیگر در محله‌ها و دهکده‌های خود، یک فرایند تقلیب جمعی را آغاز نمایند.»^{۲۷} (ترجمه)

آنچه اهمّیت دارد، حرکت یک جمعیت به سوی بینش حضرت بهاءالله از نظم جهانی نوین و تمدّنی مرقّه و هماهنگ است. به منظور تفکر بیشتر بر اهمّیت این فرایند که در محدوده‌های جغرافیایی سراسر عالم در جریان است، بخشی از پیام بیت العدل اعظم را در زیر بخوانید:

«وقتی توده‌های مردم از خواب غفلت بیدار شده امر مبارک را می‌پذیرند مراحل جدیدی به حرکت در آمده و تمدّنی جدید آغاز می‌گردد. ملاحظه در ظهور مسیحیت و اسلام نمایید. این توده‌ها از وضع و شریف غرق در سنن گذشته خویش‌اند، اما در عین حال مستعدّ استماع کلام الهی هستند، که وقتی واقعاً به ندای الهی پاسخ دهند آنقدر تحت تأثیر قرار می‌گیرند که موجب تقلیب کسانی می‌شوند که با آنان در تماس قرار گیرند.

«معیارهای الهی متفاوت از معیارهای بشری است. مطابق معیارهای بشری پذیرش هر امری توسط بزرگان قوم، از مشاهیر و مقامات، قدر و عظمت آن را تعیین می‌کند. اما به فرموده حضرت بهاءالله "انذارات و رسالتی که ما آوردیم، به منظور رساندن و یا استفاده یک کشور و یا مردم خاصّی نبوده. جمیع نوع بشر باید قویاً به آنچه که بر ایشان نازل گردیده ناظر باشند."»^{۲۸} (ترجمه)

در رابطه با ماهیت فرایند تقلیبِ رو به گسترش در تمام محدوده‌های جغرافیایی، در پیامی دیگر از بیت العدل اعظم چنین می‌خوانیم:

«اهل عالم را می‌توان چنین مشاهده نمود که تحت تأثیر نیروهایی که در درون و برون جامعه بهائی به وجود آمده است از جهات مختلف به هم نزدیک‌تر شده به سوی آنچه مآلاً يك تمدّن جهانی خواهد بود در حرکت‌اند، تمدّنی چنان شکوهمند که تصوّر آن امروز غیرممکن است. با شتاب گرفتن این حرکت مرکزگرایی جمعیت‌های بشری در سراسر عالم، عناصری که در هر یک از فرهنگ‌ها با تعالیم امر الهی سازگاری ندارد به تدریج زائل خواهد شد و عناصر دیگری قوّت خواهد گرفت. به همین منوال، با بروز الگوهای فکر و عمل - بعضی از طریق هنر و ادب - از طرف مردمانی از هر گروه و ملت که ملهم از تعالیم حضرت بهاءالله هستند، عناصر فرهنگی جدیدی به مرور زمان تکامل خواهد یافت...»^{۲۹} (ترجمه)

۱. سؤالات زیر را طبق پیام دوم در بالا پاسخ دهید.

الف. وقتی توده‌های افراد بشر از خواب غفلت بیدار شوند و امر مبارک را بپذیرند چه اتفاقی خواهد افتاد؟

ب. چه تغییراتی پدید خواهد آمد وقتی توده‌های مردم واقعاً به ندای الهی پاسخ دهند؟

ج. پیام فوق چگونه یکی از تفاوت‌های بین معیارهای الهی و معیارهای بشری را توضیح می‌دهد؟

۲. بر اساس پیام سوم در بالا مشخص کنید که آیا عبارات زیر صحیح هستند یا خیر:

_____ برای نزدیک شدن به تمدن جهانی ترسیم شده در آثار مبارکه هر جمعیت باید عناصر یک فرهنگ غالب را اتخاذ کند.

_____ هر فرهنگی در عالم هم عناصر قابل تحسین دارد و هم عناصری که بهتر است کنار گذاشته شود.

_____ معیار اینکه در هر فرهنگ چه چیزی صحیح و چه چیزی نامطلوب است ظهور حضرت بهاءالله می‌باشد.

_____ اینکه به اسم فرهنگ، گروهی از مردم زنان را پایین‌تر از مردان بدانند غیر قابل قبول است.

_____ جنبه‌هایی از فرهنگ که بر همکاری تأکید می‌کند باید ارج نهاده و گرامی داشته شود.

_____ جنبه‌های ستودنی یک فرهنگ به افزایش تنوع و زیبایی خانواده بشری کمک می‌کند.

_____ همچنان که یک فرهنگ با پرتو تعالیم منور می‌شود، ابعاد غیر قابل قبول آن باید تغییر کند.

_____ هیچ چیز خنده‌داری در جوک‌ها و سخنانی که به شکلی گروهی از مردم را کوچک می‌شمرد وجود ندارد؛ چنین گزاره‌هایی در بهترین حالت نشانه دوران کودکی بشر است که باید دور انداخته شود.

_____ وقتی جمعیتی به امر وارد می‌شود، عناصری از فرهنگ که با تعالیم هم‌خوانی ندارد را به تدریج پشت سر می‌گذارد.

_____ وقتی جمعیتی به امر وارد می‌شود، عناصر فرهنگی همسو با تعالیم تقویت می‌شود.

_____ هر جمعیتی به مرور زمان عناصر جدیدی از فرهنگی که ملهم از ظهور حضرت بهاءالله است را اتخاذ می‌کند - مثلاً عناصری که اهمیت تعلیم و تربیت نسل‌های جوان‌تر را منعکس می‌کند.

_____ همچنان که جمعیت‌ها به اقیانوس ظهور حضرت بهاءالله نزدیک‌تر می‌شوند، ناگزیر به یکدیگر نیز نزدیک می‌شوند.

_____ جمعیت‌های مختلف در حالی که هریک مسیر پیشرفت خود را دنبال می‌کند نهایتاً به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند، چه تعالیم حضرت بهاءالله را دنبال کنند و چه نکنند.

_____ مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد یک جمعیت مستعد در اقدامات اساسی، فرایند تغییری را به جریان می‌اندازد که آن را به بینش حضرت بهاءالله از یک نظم نوین جهانی نزدیک‌تر می‌کند.

با در نظر داشتن مطالب فوق، بر تجربه‌تان در محدوده جغرافیایی محل سکونت خود تأمل کنید. شما از زمانی که به مسیر خدمت قدم گذاشتید، به تقویت و گسترش مجموعه‌ای از فعالیت‌های به هم مرتبط کمک کرده‌اید، چه در میان ساکنین دهکده‌تان، چه در میان یک جمعیت ساکن در قسمتی از محله یا پراکنده در سراسر محدوده جغرافیایی. به این اقدامات در تمامیتشان و به فرایند تغییری که به راه انداخته‌اند بیندیشید. توصیف کنید که چگونه همچنان که هسته مرکزی در حال تزییدی که شما به آن تعلق دارید می‌آموزد که موارد زیر را به شکلی منسجم انجام دهد، حرکت جمعیت ایجاد می‌شود: پرورش خصلت نیایش جامعه؛ کمک به تواندهی روحانی و عقلانی تعداد هرچه بیشتری از نوجوانان؛ دعوت تعداد فزاینده‌ای از جوانان به گام برداشتن در مسیر خدمت و همراهی آنان در طول مسیر؛ فراهم کردن آموزش روحانی برای تعداد هرچه بیشتری از کودکان؛ و به وجود آوردن امکان آگاهی از تعالیم و به‌کارگیری‌شان در زندگی برای تعداد روزافزونی از خانواده‌های کودکان و جوانان.

بخش سی و یکم

بر این موضوع تأمل کردید که چگونه مساعی هسته مرکزی یک گروه در حال تزیید از دوستان در دهکده یا محله، یک جمعیت را به سوی بینش حضرت بهاءالله از نظم نوین جهانی حرکت می‌دهد. حال بیایید شرایطی که این اقدام جمعی را تأثیرگذار می‌کند بررسی نماییم. قطعاً موافقید که اولین شرط لازم وحدت است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«وإذا جمعتهم الكلمة واتفقتم على المقصد الاصلی و المحبة المتّحدة و حق من فلق الحبة و براء النّسمة تتألأ الانوار من وجوهكم الى عنان الارج الرفیع الاعلی و یشیع صیت علوکم و یذیع آثار سموکم فی جمیع الارحاء و تنفذ قوتکم فی حقائق الأشياء و تؤثر نواياکم فی الامم العظيمة الكبرى و تحیط ارواحکم بالكائنات کلّها و ترون انفسکم ملوکاً فی اقالیم الملکوت و متوجّاً بأکلیل جلیلة من عالم اللاهوت و تصبحون قواداً لجیوش السّلام و امراءً لجنود الحیاة و نجومّاً فی افق الکمال و سرجاً موقدة ساطعة الانوار بین الانام.»^{۳۰}

مضمون: و اگر کلام را یکی کنید و بر هدف اصلی و عشق واحد توافق کنید، به حقّ کسی که دانه را شکافت و نسیم را به حرکت آورد، نور از چهره‌های شما تا بلندای قلّه رفیع می‌تابد و آوازه علو مقام شما فراگیر می‌شود و نشانه‌های برتری شما در تمام مناطق گسترش می‌یابد و قدرت شما در حقیقت اشیاء نفوذ می‌کند و نیات شما بر ملت‌های بزرگ تأثیر می‌گذارد و ارواح شما بر کلّ کائنات محیط می‌شود و شما خود را پادشاهانی در سرزمین‌های ملکوت خواهید دید که تاج‌های باشکوه عالم لاهوت بر سر دارید و فرماندهان لشکرهای صلح و شاهزادگان جنود زندگانی و ستارگان افق کمال و چراغ‌هایی خواهید بود که بر مردم نور می‌تابانند.

بر اساس توصیف حضرت عبدالبهاء، متّحد شدن به شکلی که قوایمان چند برابر شود حالتی نیست که یک بار برای همیشه به آن برسیم، بلکه مستلزم تلاش روزانه است. مهم نیست که چقدر خوب بتوانیم برنامه‌ریزی کنیم و چقدر در اجرای برنامه‌هایمان متبحر شویم، اگر به کوچک‌ترین تنش یا نزاع اجازه بروز دهیم، ثمرات فعالیت بسیار اندک خواهد بود.

علل اختلاف، اغلب فاقد اهمّیت واقعی هستند و به ندرت با سوءنیت همراهند. با این حال گاهی اوقات اگر فردی نسبت به اشتباه دیگری بی‌صبری نشان دهد یا بر روش خود اصرار ورزد تنش ایجاد می‌شود. چاره بلندی همت و توانایی عبور از مسائل پیش پا افتاده زندگی است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«حال ای احبّای الهی وقت کوشش و جوشش است همت بگمارید و سعی کنید. و چون جمال قدم روحی لترات مقدم احبّائه الفداء شب و روز در مشهد فداء بودند، ما نیز سعی کنیم و جانی نثار نمائیم و وصایا و نصایح الهی را بگوش هوش بشنویم و از هستی محدود

خود بگذریم و از خیالات باطله کثرات عالم خلق چشم پوشیم و این مقصد جلیل و مقصود عظیم را خدمت کنیم این شجری را که دست موهبت الهیه نشانده به اوهمات خود قطع نمائیم و این انوار ساطعه ملکوت ابهی را به غمام تیره اغراض و اوهام مستور نکنیم و امواج بحر کبریا را سدّ حائل نشویم و نفحات قدس ریاض جمال ابهی را حجاز از انتشار نگردیم فیضان نیران فضل را در این یوم وصل قطع نمائیم و شعاع آفتاب حقیقت را زوال نجوئیم هذا ما وصی الله به فی کتبه و زبره و الواحه المقدّسة الناطقة بوصایاه علی العباد المخلصین و البهاء علیکم و رحمة الله و برکاته.»^{۳۱}

مضمون قسمت عربی: این همان چیزی است که خداوند در کتاب هایش به آن وصیت کرده و الواح مقدّسه او به وصایایش خطاب به بندگان مخلص سخن می گویند. و جلال و رحمت خداوند و برکاتش بر شما باد!

حضرت ولی امرالله می فرماید:

«توجّه به امکانات عظیم، برکات بی شمار و روح تسخیر ناپذیر امر مبارک نماید که در حال پیشرفت و درکوشش و جوشش است و نگذارید منازعات و اختلافات اجتناب ناپذیر کنونی مانع رؤیت شکوه و جلالی شود که آینده امر مبارک برای حامیان ثابت قدم و شجاع آن ذخیره دارد.»^{۳۲} (ترجمه)

از بر نمودن و درونی کردن نصوصی مانند بیان مبارک ذیل به ما کمک می کند تا در مساعی جمعی مان به حفظ وحدت کمک کنیم:

«ان ظهرت کدورة بینکم فانظرونی امام وجوهکم و غصّوا البصر عما ظهر خالصاً لوجهی و حبّاً لامری المشرق المنیر. انا نحبّ ان نریکم فی کلّ الاحیان فی جنة رضائی بالروح و الریحان و نجد منکم عرف الالفه و الوداد و المحبة و الاتحاد کذلک ینصحکم العالم الامین. انا نکون بینکم فی کلّ الاوان اذا وجدنا عرف الوداد نفرح و لا نحبّ ان نجد سواه یشهد بذلک کلّ عارف بصیر.»^{۳۳}

مضمون: اگر کدورتی بین شماها روی داد، بلادرنگ مرا در جلوی چشمانتان مجسم نمایید و به من بنگرید، به خاطر رضای من و به خاطر محبتی که به امر من دارید از آنچه روی داده بگذرید و فراموشش نمایید. دوست داریم شما همیشه با روح و ریحان در بهشت رضا باشید. دوست داریم بوی خوش محبت و وداد و الفت و اتحاد را از شما بیاییم و جز این را هرگز دوست نداریم از شما ببینیم. به راستی که هر عارف بصیری گواه این امر است.

حفظ اتحاد موقعی آسان‌تر است که همگی از اهمیت کاری که باید انجام شود و ارزش والای اهدافی که باید بدان دست یافت آگاه باشند. وقتی چنین درکی وجود داشته باشد، نفوس با سختی کم‌تری تفاوت‌های فردی را کنار می‌گذارند و با از خودگذشتگی خود را وقف انجام وظایف می‌نمایند. لحظه‌ای مکث کنید و بیندیشید: آیا حاضرید به خاطر هر کدام از دلایل زیر به فرایندی که مقدّر است هزاران نفس منتظر را به ظهور حضرت بهاءالله نزدیک کند صدمه بزنید؟

_____ برای اینکه حاضر نیستید رفتار فردی دیگر را ببخشید

_____ برای اینکه بیش از حد گرفتار و نگران نقایصتان هستید

_____ برای اینکه دوست ندارید از اقداماتی که همه بر سر آنها توافق کرده‌اند پیروی کنید

_____ برای اینکه باور دارید شما درست می‌گویید و همه اشتباه می‌کنند

_____ برای اینکه دوست دارید در هر فرصتی که پیش آمد جوک بگویید، حتی اگر نامناسب باشد و باعث شود دیگران احساس راحتی نداشته باشند

_____ برای اینکه اصرار دارید از هر نقصی که می‌بینید انتقاد کنید، بی‌توجه به اینکه چنین عملی اشتیاق گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد

_____ برای اینکه نیاز به فشرده‌گی در یک اقدام جمعی را قبول ندارید

_____ برای اینکه کسی با شما با لحنی صحبت کرده که خوشتان نیامده است

_____ برای اینکه از ملاقات مردم در خانه‌هایشان احساس راحتی نمی‌کنید

_____ برای اینکه ناراحتید که از استعدادهای خاص شما استفاده نشده است

بخش سی و دوم

وحدت میان هسته گروهی از دوستان متعهد که در یک دهکده یا محله کار می‌کنند به دوستی محبت‌آمیزی که آنان را به هم پیوند دهد محدود نیست. این وحدت خود را در وضوحی که نسبت به هدف مشترکشان دارند نشان می‌دهد. وحدت هدف شرط ضروری دیگری برای اقدام متحد است؛ نه تنها زمانی که با یکدیگر به صورت جمعی کار می‌کنیم، بلکه وقتی خدمات فردی مان را انجام می‌دهیم نیز به تلاش‌های ما جهت می‌بخشد، مانند برگزاری کلاس کودکان یا خدمت به عنوان مشوق گروه نوجوانان. وحدت هدف خصلت بنیادین فعالیت‌های ماست و به اقداماتمان معنا می‌بخشد. می‌بینیم که چگونه مجهودات فردی با اقدامات جمعی در هم می‌آمیزند تا الگویی پویا از فعالیت را ایجاد کنند که جمعیت را به جلو می‌راند. بیت العدل اعظم تأکید می‌فرماید:

«جامعه بیش از پیش به محیطی تبدیل می‌شود که در آن مجهودات فردی و اقدامات جمعی، با کمک مؤسسه آموزشی، می‌تواند مکمل یکدیگر واقع شده موجب حصول پیشرفت گردد. شور و اهتزاز که جامعه از خود نشان می‌دهد و اتفاق نظری که به مجهودات جمعی آن روح می‌بخشد، نفوسی از همه اقشار را که مشتاقند وقت و نیروی خود را وقف رفاه عالم انسانی نمایند به نحوی فزاینده به خود جذب می‌کند.»^{۳۴} (ترجمه)

بدین ترتیب حس هدف مشترک از سطح محلی فراتر می‌رود. درمی‌یابیم که چطور تلاش‌های ما به عنوان بخشی از هسته مرکزی یک گروه در حال تزايد در دهکده یا محله مان، به هدف عظیم‌تر پیشبرد کار در محدوده جغرافیایی محل سکونتمان کمک می‌کند. می‌بینیم که چگونه این موضوع به نوبه خود باعث پیشرفت بیشتر جامعه ملی ما می‌شود و به بسط نقشه‌های جهانی امرالله که نهایتاً به ظهور نظم جهانی حضرت بهاءالله منجر خواهند شد می‌انجامد.

۱. چرا آگاهی از اینکه فعالیت ما در محله یا دهکده به اهداف بزرگ‌تری کمک می‌کند مهم است؟

۲. چطور اطمینان حاصل کنیم که اهداف فردی با اهداف امرالله همسو هستند؟

۳. چگونه مجهودات فردی و اقدامات جمعی با کمک مؤسسه آموزشی مکمل یکدیگر خواهند بود؟ چرا درکی از مکملیت آنها برای اقدام متحد ضروری است؟

۴. چگونه وحدت هدف پیوندهای محبت را میان دوستانی که با هم خدمت می کنند تقویت می کند؟

بخش سی و سوم

دیدیم که وحدت هدف برای اقدام متحد ضروری است و به ما الهام می بخشد تا با پشتکار در میدان خدمت فعالیت کنیم. تحقق بخشیدن به یک هدف مشترک نیازمند صرف وقت و انرژی است - ساعاتی کار سخت ولی در عین حال مسرت بخش را می طلبد. در جهان تعاریف غلطی از تفریح وجود دارد. به طور مکرر این پیام به ما داده می شود که هدف زندگی تفریح و خوشگذرانی است و تفریح نیز اغلب به صورت وقت گذرانی بیهوده تعریف می شود. اما چگونه می توان چنین تعریفی از «تفریح» را با سرور واقعی ناشی از رساندن پیام حضرت بهاءالله به دیگران، با مشاهده رشد

و تعالی افراد با روح ایمان، با اشتغال به مکالمات معنادار با خانواده‌های شرکت‌کنندگان کلاس‌های کودکان و گروه‌های نوجوانان و با مشاهده افزایش فهم و قابلیت خدمت در کسانی که دوره‌های تسلسل اصلی مؤسسه را مطالعه می‌کنند مقایسه نمود؟ اگر زمانی راحت‌طلبی و آسان‌گیری در مجهودات جمعی افزایش یابد، با یاد مثل اعلای حضرت عبدالبهاء و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان برای انتشار امرالله می‌توانیم بر آن غلبه نماییم. در اینجا برخی از بیانات آن حضرت را مطالعه می‌کنیم:

«پیروی عبدالبهاء نمائید و در هر دمی آرزوی جانفشانی در سبیل جمال ابهی کنید چون شمس بدرخشید و چون دریا به جوش و خروش آید و مانند سحاب حیات به کوه و صحرا بخشید و به مثابه نسیم بهاری اشجار هیاکل انسانی را شکفتگی و تازگی و طراوت و لطافت بخشید.»^{۳۵}

«یعنی انسان باید به کلی فانی در حق شود جمیع شؤونش را فراموش کند تا بتواند در مقام فدا قیام نماید بقسمیکه اگر بخواب رود بجهت استراحت بدن نباشد بلکه محض اینکه جسم از کسالت درآید تا بهتر نطق کند و خوشتر بیان نماید و بخدمت عبدالرحمن پردازد و اقامه براهین الهی فرماید و اگر بیدار ماند باید هشیاری جوید و بخدمت امر الهی پردازد و جمیع شؤونش در شؤون حق فانی گردد چون باین مقام رسد تأییدات روح القدس احاطه کند و انسان باین قوت جمیع من علی الأرض را مقاومت نماید.»^{۳۶}

«از الطاف حضرت محیی ارواح امیدوارم که آنی سکون نیابی و از حرکت مانند رگ شریان در جسم آفاق باز نمایی همواره روح حیات در قلوب بدمی و نفوس را در اوج ملکوت پرواز دهی.»^{۳۷}

«این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آلام نینند و فراغت نجویند در مضجع راحت نیارزند آسوده ننشینند آلوده نگردند اوقات را صرف نشر نفعات الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمة الله و جوهشان مستبشر است و قلوبشان منشرح فؤادشان ملهم است و بنیادشان بر اساس اقوم. در ارجاء عالم منتشر گردند و در بین امم متفرق در هر محفلی درآیند و در هر انجمنی مجمع بیارایند بهر لسانی تکلم نمایند و هر معنی تفهیم کنند اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند چون شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره

صبحگاهی بر جمیع آفاق بدرخشند نفحات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق
قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هراقلیمی را مخضر کند.»^{۳۸}

بخش سی و چهارم

یکی از ابزارهای مهمّی که به ما در ایجاد و تحکیم وحدت کمک می‌کند و از حسّ هدف
مشترک محافظت می‌نماید مشورت است. از طریق اقدام، تأمل بر اقدام و مشورت می‌توانیم به
وحدت فکر دست یابیم. وحدت فکر - در باره ماهیت اقداماتمان و رویکردهایی که به کار می‌گیریم و
اهدافی که مشخص می‌کنیم - یکی دیگر از مستلزمات اقدام متحد و مؤثر است.

همچنان که هسته مرکزی یک گروه در حال تزیید به طور منسجم و با وحدت فکر عمل
می‌کند، باید به طور مداوم، توانایی و انضباط لازم برای تأمل منظم بر تأثیرگذاری اقداماتش را تقویت
نماید. این هسته مرکزی هنگام تأمل، مشورت و مطالعه، از تجربه و آثار امری مرتبط، به خصوص
هدایات بیت العدل اعظم، بهره می‌برد. وقتی الگوی اقدام، تأمل، مشورت و مطالعه نوع کارکرد
جمعی گروهی از دوستان را تعریف کند، یادگیری شیوه عمل آنها می‌گردد. با تکیه بر نقاط قوتی که در
هر دوره سه ماهه به دست آورده‌اند، رشد پایدار میسر می‌شود. حفظ نشاط و طراوت فعالیت‌هایمان،
آمیختن با مردمی از هر پیشینه، اداره امور با تعداد بالا - و به اختصار، رشد مستمر - این موارد
موضوعات یادگیری در تمام محدوده‌های جغرافیایی عالمند:

«... شایسته است که دوستان نهایت سعی و کوشش خود را جهت بالا بردن سطح
مشارکت مبذول دارند. به جا است که به شدّت تلاش کنند تا سیستمی که با چنین زحمتی
به وجود آورده‌اند محدود و درونگرا نشود بلکه بیش از پیش گسترش یابد و مردمان بیشتری
را در برگیرد. حال که نسبت به توانایی خود در تعامل با مردم از همه طبقات و مکالمه با
آنها در باره مقام حضرت بهاءالله و ظهور اعظمش اعتماد بیشتری کسب نموده‌اند نباید
استعداد روحانی قابل ملاحظه و فراتر از آن، حسّ اشتیاقی را که در مردم یافته‌اند نادیده
بگیرند.»^{۳۹} (ترجمه)

۱. باید نهایت سعی و کوشش خود را جهت بالا بردن چه چیزی مبذول داریم؟

۲. باید برای چه چیزی به شدّت تلاش کنیم؟

۳. باید چه چیزی را نادیده بگیریم؟

۴. بدون شک، هسته مرکزی گروهی که شما عضو آن هستید، با اقدام، تأمل بر اقدام و مشورت مستمر بصیرت‌های زیادی در باره فرایند رشد در دهکده یا محله‌تان به دست آورده است. در این مورد رابطه متقابلی را بین دو پیشرفت مشاهده خواهید کرد: قابلیت‌سازی در افراد در مسیر خدمتی که به وسیله دوره‌های مؤسسه ترسیم شده است و افزایش تعداد اقدامات و شرکت‌کنندگان. پیرامون بعضی از بصیرت‌هایی که راجع به این رابطه و محوریت آن در فرایند رشد به دست آورده‌اید گفتگو کنید.

به منظور تعمق بیشتر بر دلالت‌های ضمنی یادگیری به عنوان شیوه عمل و برگزینی اقدام، تأمل، مشورت و مطالعه که آن را تعریف می‌کند، متون زیر از بیت العدل اعظم را بخوانید. در این حین به هسته مرکزی دوستانی که به آن تعلّق دارید و با هم با پشتکار به دهکده یا محله‌تان خدمت می‌کنید بیندیشید.

«موجب خرسندی است که در تعداد فزاینده‌ای از محدوده‌های جغرافیایی، و در محله‌ها و دهکده‌های آنها، یک هسته مرکزی از دوستان شکل گرفته که با عمل و تأمل درمی‌یابند که برای پیشرفت فرایند رشد در محیط اطرافشان در هر زمان چه اقدامی مورد نیاز است. این دوستان از وسیله قدرتمند مؤسسه آموزشی که از طریق آن قابلیت کمک به رفاه معنوی و مادی جامعه تقویت می‌گردد بهره می‌گیرند و در ضمن عمل، تعداد کسانی که به آنان می‌پیوندند افزایش می‌یابد. شرایط و خصوصیات رشد طبیعتاً از محل تا محل بسیار متفاوت است. اما با جدّ و جهد منظم، همه می‌توانند مشارکت بیش از پیش مؤثری در این فعالیت‌ها داشته باشند. در هر محیطی، مبادرت به گفتگویی هدفمند و متعالی با دیگر نفوس که سریعاً یا تدریجاً موجب برانگیختن استعدادهای روحانی می‌شود، بسیار سرورانگیز است. هر چه شعله ایمان در قلوب احباً فروزان‌تر گردد، آنان که در معرض حرارتش قرار می‌گیرند مجذوبیت بیشتری را احساس خواهند کرد. و برای فردی که قلبش سرشار از عشق حضرت بهاءالله است، چه عملی شایسته‌تر از یافتن نفوسی هم‌سرشت که مشوّق آنان در ورود به مسیر خدمت گردد و در کسب تجربه آنان را همراهی کند، و چه شادی عظیم‌تر از مشاهده نفوسی که در ایمان خود استوار گشته و مستقلاً قیام نموده، دیگران را در همان سیر و سلوک روحانی مساعدت می‌نمایند. اینست از جمله مغتنم‌ترین لحظات این عمر گذران.»^{۴۰} (ترجمه)

«یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند حالتی که در آن انسان نفس خویش را فراموش می‌کند، توکل تام بر حضرت پروردگار دارد، متکی به قدرت و حمایت اوست، به تأییدات لاریبیه‌اش مطمئن است و به یقین مبین می‌داند که تنها حیّ توانا است که قادر است پشه ضعیف را عقاب قوی و قطره را بحر عظیم نماید. در چنین حالتی نفوس پیوسته با هم فعالیت می‌کنند و شادی و سرور خود را نه چندان در دستاوردهای خویش بلکه در پیشرفت و خدمات دیگران می‌یابند. از این جهت است که افکارشان همواره متوجه یاری رساندن به یکدیگر است تا بر قلل خدمت در سبیل امر مبارکش عروج نمایند و در افلاک علم و معرفت او به پرواز درآیند.»^{۴۱} (ترجمه)

بخش سی و پنجم

البته همه مان به خوبی می دانیم که توفیقات مساعی ما در ادوار سه ماهه تماماً متّکی به مدد الهی است. طبیعتاً در راز و نیاز شخصی مان ملتمسانه از پروردگار می خواهیم کوشش های هر چند ناچیز ما را در آستان مقدّس خویش بپذیرد. چه گرانبهاست به خاطر داشتن ادعیه زیر:

«رَبِّ اَنْ طَيَّرَ اَكْلِيلَ الْجَنَاحِ ارَادَ اَنْ يَطِيرَ فِي هَذَا الْفَضَاءِ الَّذِي لَا يَتَنَاهَى فَكَيْفَ يُمْكِنُ هَذَا
اَلَا بِعَوْنِكَ وَ عَنَايَتِكَ وَ تَأْيِيدِكَ وَ تَوْفِيقِكَ.»^{۴۲}

مضمون: ای پروردگار این طیر بال و پر شکسته اراده آن دارد که در این فضای لایتناهی پرواز کند ولی این کار بدون استعانت، عنایت و تأیید تو میسر نیست.

«اسْئَلْكَ بِمَصْدَرِ وَحْيِكَ وَ مَطْلَعِ آيَاتِكَ بَانَ تَجْعَلَ قَلْبِي اِنَاءَ حَبِّكَ وَ ذَكَرَكَ ثُمَّ اجْعَلْهُ
مَتَّصِلًا بِحَرَكِ الْعَظَمِ لِجَرَى مِنْهُ فِرَاتُ حَكْمَتِكَ وَ اَنْهَارُ ذَكَرِكَ وَ ثَنَائِكَ.»^{۴۳}

مضمون: از مصدر وحی و مطلع آیات مسئلت می کنم به اینکه قلبم را سرچشمه حب و ذکرت گردانی و آن را به دریای اعظمت که فرات حکمت و انهار ذکر و ثنای تو در آن جریان دارد متّصل کنی.

«اسْئَلْكَ يَا مَالِكَ الْوُجُودِ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى الْغَيْبِ وَ الشَّهُودِ اَنْ تَجْعَلَ مِنْ قَامِ عَلَى خِدْمَةِ
اِمْرِكَ بَحْرًا مَوَاجًا بَارَادَتِكَ وَ مَشْتَعَلًا بِنَارِ سَدْرَتِكَ وَ مَشْرِقًا مِنْ اَفَقِ سَمَاءِ مَشِيَّتِكَ.»^{۴۴}

مضمون: ای مالک هستی و نگه دارنده دیده و نادیده، نفسی را که به خدمت امرت برخیزد چون دریایی نما که به فرمان تو موج می زند و آتشی که از سدره توشعله ور است و از افق مشیت تو می درخشد.

«رَبِّ وَفَّقْ عَبْدَكَ هَذَا عَلَى اَعْلَاءِ الْكَلِمَةِ وَ ادْحَاضِ الْبَاطِلِ وَ احْقَاقِ الْحَقِّ وَ نَشْرِ الْآثَارِ وَ
ظَهْوَرِ الْاَنْوَارِ وَ طُلُوعِ الْاَصْبَاحِ فِي قُلُوبِ الْاَبْرَارِ.»^{۴۵}

مضمون: پروردگارا، این بنده خود را بر اعلای کلمه و ردّ باطل و احقاق حق و نشر آثار و ظهور انوار و طلوع صبح در قلوب نیکان موفق فرما.

«الهی الهی ترانی مع دُلی و عدم استعدادی و اقتداری مُهِمّاً بعظائم الامور قاصداً لاعلاء کلمتک بین الجمهور نادياً لنشرِ تعالیمک بین العموم و انّی اتوفّق بهذا الا ان یؤیّدنی نفثات روح القدس و ینصرنی جنود ملکوتک الاعلی و تُحیط بی توفیقاتک الّتی تجعل الذباب عقاباً و القطرة بحوراً و انهاراً و الذرات شمساً و انواراً.»^{۴۶}

مضمون: پروردگارا با ناتوانی و عدم استعداد به امور عظیم همّت گماشته‌ام و قصد آن دارم که کلمات را بین مردمان اعتلاء بخشم و تعالیمت را بین جمهور ناس نشر دهم البتّه به این امر موفق می‌شوم اگر به نفثات روح القدس مؤیّد گردانی و با لشکریان ملکوت مرا یاری کنی و توفیقات را که پشه ناتوان را قدرت عقاب می‌بخشد و قطره را به رود و دریا بدل می‌کند و ذره ناچیز را روشنایی آفتاب عنایت می‌کند شامل گردانی.

همچنین در کنار یکدیگر به درگاه خداوند مقتدر تضرّع می‌کنیم که مساعی جمعی ما را خصوصاً در دوران کمپین‌های فشرده تأیید فرماید.

«رَبِّ ابْعَثْ فِي بِلَادِكَ نَفُوساً خَاضِعَةً خَاشِعَةً مَنُورَةً الْوَجُوهَ بَانُورِ الْهُدَى مُنْقَطِعَةً عَنِ الدُّنْيَا نَاطِقَةً بِالذِّكْرِ وَالثَّنَاءِ نَاشِرَةً لِنَفْحَاتِ قُدْسِكَ بَيْنَ الْوَرَى.»^{۴۷}

مضمون: پروردگارا نفوس فروتنی را که به انوار هدایت روشنند و از امور دنیوی منقطع و به ذکر و ثنای تو مشغول برای نشر نفحات قدست بین مردمان مبعوث فرما.

«رَبِّ رَبِّ آيِدْ عِبَادَكَ الْاَصْفِيَاءَ عَلَى الْحَبِّ وَالْوَلَاءِ بَيْنَ الْوَرَى وَ وَفِّقْهُمْ عَلَى نَشْرِ الْهُدَى مِنَ الْمَلَأِ الْاَعْلَى بَيْنَ اَهْلِ الْاَرْضِ كُلِّهَا.»^{۴۸}

مضمون: پروردگارا بندگان برگزیده‌ات را به حب و دوستی بین مردمان مؤیّد دار و به انتشار نور هدایت در میان همه اهل ارض موفق فرما.

«رَبِّ اَنْهُمْ ظَمَاءٌ اُورِدْهُمْ عَلَى مَنَاهِلِ الْفَضْلِ وَالْاِحْسَانِ وَ اَنْهُمْ جِيَاعٌ اَنْزِلْ عَلَيْهِمْ مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ وَ اَنْهُمْ عُرَاةُ الْبِسْهَمِ حُلِّلِ الْعِلْمَ وَالْعُرْفَانَ.»^{۴۹}

مضمون: پروردگارا آنان تشنه لبند به چشمه فضل و احسانت وارد کن، گرسنه‌اند مائده آسمانی بفرست، عریانند لباس علم و عرفان بر آنان بپوشان.

«ای خداوند بی همتا ای ربّ الملکوت این نفوس سپاه آسمانی تواند امداد فرما و به جنود
ملاً اعلیٰ نصرت کن تا هریک نظیر اردوئی شوند و آن ممالک را به محبتّ الله و نورانیت
تعالیم الهی فتح کنند.»^{۵۰}

بخش سی و ششم

در اینجا کاوش خود در عمل تبلیغ را به پایان می‌رسانیم. بدون شک هنگام تفکر راجع به
تبلیغ، نه فقط به عنوان ابتکاری فردی بلکه به عنوان یک تلاش جمعی، می‌دانید که اصول روحانی
موجود در هر دو، یکی است. با این حال فرایند معرفی امرالله به چند دوست و کمک به آنها در رسیدن
به ساحل اقیانوس ظهور حضرت بهاءالله با کمک به هزاران نفر از ساکنین یک منطقه در رسیدن
به همان ساحل متفاوت است. مثال ساده زیر به روشن شدن مسئله کمک می‌کند: اصول حاکم بر رشد
گیاهان در یک باغچه کوچک و در یک مزرعه بزرگ با مساحت صدها هکتار یکسان است. با این
وجود، مراقبت از چند گیاه در باغچه شخصی با پرورش گیاهان در مقیاس وسیع بسیار متفاوت است.

هنگامی که چند نفر از دوستان شما حضرت بهاءالله را می‌شناسند و به صفّ پیروانش
می‌پیوندند، شما به پرورش آنها به عنوان جزئی از نقشه تبلیغی فردی‌تان ادامه می‌دهید، با ایشان وقت
صرف می‌کنید و آنان را در تلاش‌هایشان برای کسب دانش از تعالیم الهی و خدمت به امرالله حمایت
می‌کنید. حال یک منطقه کامل را در نظر آورید. وقتی مجهودات درون یک جمعیت مستعد نشان
می‌دهد که افراد بسیار زیادی، به خصوص جوانان، مایلند در مسیر خدمت به جوامعشان گام بردارند،
وقتی در نتیجه مساعی واضح می‌گردد که درصد قابل توجهی آماده‌اند تا از طریق گفتگویی مشابه
مکالمه آنها و امیلیا به امر وارد شوند، آنگاه به فرایند کاملاً متفاوتی نیاز است، فرایندی که ده‌ها نفر را
قادر می‌سازد تا به پا خیزند و با توجه به توانایی‌های خدادادی‌شان به امر خدمت کنند. چنین وظیفه
عظیمی تنها از طریق تلاش‌های فردی متحقّق نمی‌شود.

بخش‌های پایانی این واحد روزنه‌هایی از پیشروی همگام ترویج و تحکیم امر مبارک در
مقیاس وسیع را پیش روی شما قرار داد. عناصر سیستمی که بتواند این فرایند دوگانه را تقویت کند به
زحمت بسیار و از طریق دهه‌ها یادگیری کشف و تلطیف شده است. برخی از عناصر در اینجا ذکر
گردیدند و شما از طریق تجربه و مطالعه مداوم بصیرت‌هایی نسبت به عناصر دیگر و مهم‌تر از آن نسبت

به اینکه چگونه با یکدیگر کار می‌کنند تا سیستم قدرتمندی ایجاد کنند کسب خواهید نمود. برخی از عناصر مذکور عبارتند از: ساختار یک محدوده جغرافیایی؛ چرخه‌های فعالیت با فازهای ترویج و تحکیم؛ طرحی از هماهنگی؛ و روش اقدام، تأمل بر اقدام، مشورت و مطالعه. اما کلیدی‌ترین عنصر اصلی، ابزار مناسب برای قابلیت‌سازی برای خدمت است.

مؤسسه آموزشی برای مجهز کردن تعداد روزافزونی از افراد با «دانش و بینش روحانی و مهارت‌های لازم برای انجام انواع وظایف مورد نیاز ترویج و تحکیم» ایجاد شد. بیت العدل اعظم مرقوم می‌فرمایند که با داشتن این ابزار «با امکانات نامحدود... در تحت شرایطی بسیار متنوع و عملاً در همه محدوده‌های جغرافیایی... چند نفر در مقام هسته مرکزی یک گروه در حال تزايد می‌توانند جنبشی مردمی به سوی هدف یک نظم جهانی به وجود آورند». متن زیر به اختصار بیان می‌کند که چگونه قابلیت‌سازی که توسط مؤسسه صورت می‌گیرد کار تبلیغ را به پیش می‌برد و این جنبش را به جلو می‌راند:

«تقلیب فردی و جمعی که به مدد کلام الهی ایجاد می‌شود هسته مرکزی الگوی عملی است که در یک محدوده جغرافیایی شکل می‌گیرد. یک شرکت‌کننده از آغاز دوره‌های متسلسل از طریق بررسی مفاهیم مهم از قبیل نیایش، خدمت به عالم انسانی، حیات روح، و تعلیم و تربیت کودکان و جوانان، با آثار حضرت بهاءالله آشنا می‌شود. وقتی فرد عادت مطالعه و تعمق در کلام خلاق الهی را تقویت می‌کند این فرایند تقلیب، خود را به شکل توانایی بیان درک شخصی از مفاهیم عمیق و بررسی واقعیت روحانی در گفتگوهای مهم، ظاهر می‌سازد. این قابلیت‌ها نه فقط در مباحث متعالی که بیش از پیش از خصایص تعاملات درون جامعه است نمایان می‌گردد بلکه در گفتگوهای و رای آن نیز ظاهر می‌شود، به ویژه بین جوانان بهائی و همسالانشان، و سپس به مادران و پدرانی بسط می‌یابد که فرزندان‌شان از برنامه‌های آموزشی جامعه بهره می‌گیرند. از طریق چنین تبادل نظرهایی، آگاهی از قوای روحانی افزایش می‌یابد، دوگانگی‌های ظاهری جای خود را به بینش‌های شگفت‌آور می‌دهد، یک حس اتحاد و رسالت مشترک تقویت می‌شود، اطمینان به اینکه می‌توان جهان بهتری ساخت ازدیاد می‌یابد و تعهد به عمل مشهود می‌گردد. چنین گفتگوهای متمایزی به تدریج تعداد دائم التّزایدی را به مشارکت در انواع فعالیت‌های جامعه جلب می‌نماید. استعداد روحانی و تجربه شرکت‌کنندگان به نحوی طبیعی موجب

طرح موضوع ایمان و ایقان می‌گردد. بنا بر این با شتاب‌گیری فرایند مؤسسهٔ آموزشی در یک محدودهٔ جغرافیایی، نشر نفحات الله در زندگی دوستان اهمّیت بیشتری می‌یابد.»^{۵۱}
(ترجمه)

دانستن این مطلب که با شرکت در دوره‌های مؤسسهٔ آموزشی به ترسیم بینشی که بیت العدل اعظم در بالا توصیف فرموده‌اند پاسخ می‌دهید مطمئناً سبب سرور شما می‌گردد. همچنین وقوف بر اینکه مطالعهٔ کتاب بعدی به شما کمک خواهد کرد تا قابلیت خدمت به عنوان راهنمای دوره‌های مؤسسهٔ روحی را کسب نمایید باعث خوشنودی شما خواهد بود. این خدمت نه تنها برای یک جریان ثابت و در حال گسترش از پیشروی افراد در دوره‌های مؤسسه، بلکه برای فرایند کلی رشد در محدودهٔ جغرافیایی نیز ضروری است. اما فعلاً وظیفهٔ شما عمل به مطالبی است که در کتاب حاضر یاد گرفته‌اید. با افزایش فهم خود از اهمّیت تبلیغ، چه سعادت بزرگ‌تر از این را می‌توان تصوّر نمود که خواستهٔ حضرت ولی امرالله از هریک از ما تا «شور و شوق تبلیغ سایر امور زندگی ما را تحت الشعاع قرار دهد» اجابت کنید؟

مراجع

۱. ایام متبرکۀ بهائی، شماره ۱۳، ص ۲۲.
۲. ظهور عدل الهی، ص ۱۰۱ (چاپ آمریکا).
۳. پیام‌های بیت العدل اعظم الهی ۱۹۶۸-۱۹۶۳ (انگلیسی، چاپ امریکا).
۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۰، ص ۱۶۴.
۵. حضرت بهاءالله، کلمات مکنونۀ عربی، شماره ۴، ص ۵.
۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۴، ص ۱۲.
۷. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۲-۱۹۱۱.
۸. حضرت بهاءالله، لوح احمد، ص ۱.
۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۴۵، ص ۷۱.
۱۰. حضرت باب، منتخباتی از آثار حضرت باب، ص ۱۵۶.
۱۱. حضرت باب، منتخباتی از آثار حضرت نقطه اولی، ص ۸۷.
۱۲. حضرت بهاءالله، المناجات، ص ۱۷۹.
۱۳. حضرت بهاءالله، کلمات مکنونۀ فارسی، شماره ۴۴، ص ۴۵.
۱۴. حضرت بهاءالله، کلمات مکنونۀ عربی، شماره ۱۳، ص ۱۴.
۱۵. مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول، ص ۳۳۵.
۱۶. حضرت بهاءالله، المناجات، ص ۱۴۲.

۱۷. پیام رضوان ۲۰۱۰ خطاب به بهائیان عالم، پاراگراف ۴.
۱۸. پیام مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، پاراگراف ۹.
۱۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شمارهٔ ۱۲۹، ص ۱۷۹.
۲۰. ظهور عدل الهی، ص ۱۰۷ (چاپ امریکا).
۲۱. ظهور عدل الهی، ص ۱۰۸ (چاپ امریکا).
۲۲. ظهور عدل الهی، ص ۱۰۹ (چاپ امریکا).
۲۳. ظهور عدل الهی، ص ۱۰۹ (چاپ امریکا).
۳۴. ظهور عدل الهی، ص ۱۱۰ (چاپ امریکا).
۳۵. ظهور عدل الهی، ص ۱۱۰ (چاپ امریکا).
۳۶. ترجمه از پیامی منتشر نشده مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۰۸ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از محافل روحانی ملّی، پاراگراف ۴.
۲۷. پیام رضوان ۲۰۱۰ خطاب به بهائیان عالم، پاراگراف ۶.
۲۸. پیام‌های بیت العدل اعظم الهی *Wellspring of Guidance* ۱۹۶۳-۱۹۶۸ (انگلیسی، چاپ امریکا).
۲۹. پیام مورّخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ از طرف بیت العدل اعظم به تمام محافل روحانی ملّی، پاراگراف ۱۹.
۳۰. مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اوّل، صفحهٔ ۱۶۲.
۳۱. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شمارهٔ ۲۷، ص ۲۵۴.

۳۲. توقیع صادره از حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء، مورّخ ۹ می ۱۹۳۳.
۳۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۴۶، ص ۲۲.
۳۴. پیام رضوان ۲۰۰۸ خطاب به بهائیان عالم، پاراگراف ۲.
۳۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۱، ص ۲۳۸.
۳۶. الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی).
۳۷. الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی).
۳۸. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۰۴، ص ۲۴۳.
۳۹. پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، پاراگراف ۱۵.
۴۰. پیام رضوان ۲۰۱۹ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم، پاراگراف ۳.
۴۱. پیام رضوان ۲۰۱۰ خطاب به بهائیان عالم، پاراگراف ۲۰.
۴۲. مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد سوم، ص ۶۲.
۴۳. حضرت بهاءالله، مناجات شماره ۴۰، ص ۴۳ (چاپ برزیل).
۴۴. حضرت بهاءالله، مجموعه الواح حضرت بهاءالله بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷.
۴۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۲۳، ص ۲۴۲.
۴۶. مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد سوم، ص ۴۲.
۴۷. مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد سوم، ص ۳۴.
۴۸. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۷، ص ۲۰.

۴۹. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شمارهٔ ۱۹۰، ص ۲۱۸.
۵۰. مجموعهٔ مناجات حضرت عبدالبهاء، شمارهٔ ۷۱، ص ۷۸ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان).
۵۱. پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، پاراگراف ۱۴.